



سال جهانی میراث فرهنگی

۲۰۰۲-۱۳۸۱



مؤسسه فرهنگی هنری
پیشین پژوه

سقاخانه های مراکن

نادیا بسیادلو



سال جهانی میراث فرهنگ
۲۰۰۲-۱۳۸۱

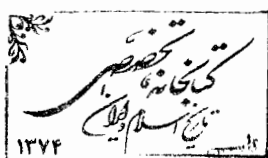


مؤسسه فرهنگی هنری
پیشین پژوه

TEHRAN'S SAGHGA-KHANEH



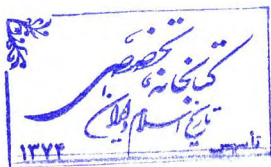
N. Bonyadloo



اسکن شد

ستاقانه های تهران

نادیا بسیادلو



سال جهانی میراث فرهنگی

۲۰۰۲-۱۳۸۱

بنیادلو، نادیا
سقاخانه‌های تهران / نادیا بنیادلو. - تهران: مؤسسه فرهنگی
هنری پیشین پژوه با همکاری پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث
فرهنگی کشور، ۱۳۸۱.
۱۳۲ ص. مصور
ISBN: 964-7483-23-6
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
"به مناسبت همایش بین‌المللی انسان و آب، سال جهانی میراث
فرهنگی، ۱۳۸۱-۲۰۰۲.
کتابنامه: ص. ۱۱۰-۱۰۹
۱. سقاخانه‌ها -- ایران -- تهران. ۲. سقاخانه‌ها -- جنبه‌های مذهبی -
اسلام. الف. مؤسسه فرهنگی هنری پیشین پژوه با همکاری معاونت
پژوهشی پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی کشور. ب.
عنوان.
ب ۹ هـ ۴۴ / ۲۰۰۷ DSR ۹۵۵/۱۲۰۴۳
کتابخانه ملی ایران
۱۳۱۳-۸۱ م

سقاخانه‌های تهران

نادیا بنیادلو

ناشر:

مؤسسه فرهنگی هنری پیشین پژوه با همکاری معاونت پژوهشی پژوهشکده مردم‌شناسی

تلفن: ۸۰۰۱۰۸۹ - ۸۰۲۴۷۲۴

E-mail: Pishin_Pajouh@yahoo.com

طراحی جلد و آماده‌سازی متن:

خسرو چگینی

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول: ۱۳۸۱

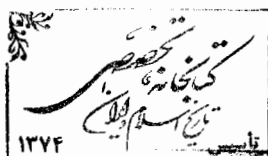
کلیه حقوق برای «مؤسسه فرهنگی هنری پیشین پژوه» محفوظ است.

شابک: ۹۶۴-۷۴۸۳-۲۳-۶

ISBN: 964-7483-23-6

فهرست مطالب

۱۳	* درآمد
۲۲	۱- سرزمین ری
۲۲	الف. منطقه قصران و شمیران
۲۵	ب. تاریخچه شهر تهران
۳۰	۲- سقاخانه در تهران
۳۱	الف. سقاخانه های شهری
۳۲	- سقاخانه آستان حضرت عبدالعظیم (س)
۳۴	مشخصات سقاخانه موزه آستانه
۳۵	- سقاخانه بازار شهری
۳۶	سایر سقاخانه های شهری
۳۷	ب. سقاخانه های تهران
۳۹	- سقاخانه آقا شیخ هادی
۴۰	واقعۀ معجزه سقاخانه آقا شیخ هادی
۴۳	- سقاخانه های آئینه
۴۳	- سقاخانه آئینه کوچی ارامنه
۴۵	- سقاخانه ی آئینه در کوچی ظهیرالاسلام
۴۶	- سقاخانه های بازار تهران
۴۸	سقاخانه ی بین الحرمین
۴۹	سقاخانه ی خاتم النبیین
۵۰	سقاخانه ی مسجد امام
۵۰	سقاخانه ی مسجد جامع تهران
۵۱	سقاخانه ی مسجد آقا سید عزیزالله
۵۲	سقاخانه در بقاع متبرکه ی تهران



۵۴	سقاخانه‌ی بقعه‌ی امامزاده سید اسمعیل (س)
۵۵	سقاخانه‌ی بقعه‌ی امامزاده سید نصرالدین (س)
۵۶	سقاخانه‌ی بقعه‌ی امامزاده زید (س)
۵۶	سقاخانه بقعه‌ی امامزاده یحیی (س)
۵۷	سقاخانه در سایر بقاع متبرکه‌ی تهران
۵۹	سقاخانه‌های معیر
۶۰	سقاخانه معیر، کرچه‌ی احمدیان
۶۱	سقاخانه معیر، کرچه‌ی شهید معیر
۶۲	سقاخانه‌ی نوروزخان
۶۳	وضعیت اولیه‌ی سقاخانه
۶۴	موقعیت کنونی سقاخانه
۶۶	سقاخانه‌های دیگر تهران
۶۷	شماری از سقاخانه‌های قدیم تهران
۶۹	نمونه‌هایی دیگر از سقاخانه‌های دایر تهران
۸۸	پ - سقاخانه در محله‌های شمالی تهران
۹۱	۳-ویژگیهای عمومی سقاخانه‌های تهران
۹۰	الف - معماری سقاخانه‌ها در تهران
۹۴	-تزیینات معماری
۹۷	ب - کتیبه نویسی در سقاخانه
۱۰۱	پ - اسباب سقاخانه‌ها
۱۰۶	ت - تأمین آب سقاخانه‌ها
۱۰۸	۴-نگاهی به مکتب سقاخانه
۱۱۱	۵-نتیجه گیری
۱۱۷-۱۱۸	کتابنامه
۱۱۹-۱۳۴	تصاویر

سخن ناشر

جهان در آستانه هزاره سوم، زبان و رفتاری دیگر گرفته است، گرچه، از چند دهه قبل از پایان این هزاره، بشر، شاهد این دگرگونی بوده است.

دهکده جهانی، امروز مرزهای کوچکتری یافته است "جهانی شدن" به واژه‌ای آشنا در هر کشوری تبدیل شده است و در این میان فرهنگ مردم هر سرزمینی و هر اقلیمی در تنگ‌ترین شرایط تاریخی خود قرار گرفته است. آیا بشر با تمامی دستاوردهای فنی خود به جنگ فرهنگ می‌رود؟

این سؤال، همانند "جهانی شدن" مشکل پیچیده انسان امروزی است. آیا بدون گذشته می‌توان آینده‌ای داشت؟ به راستی چهره این آینده، چگونه چهره‌ای است؟ مؤسسه پیشین پژوه، با کارشناسان خبره خود، بر آن است تا پاسخی هر چند کوتاه، از گذشته‌های دور و نزدیک برای نسل امروز و فردا داشته باشد، از این رو کندو کاو در فرهنگ تاریخی ایران و معرفی گوشه‌های ناشناخته و گاه فراموش شده فرهنگ این مرز و بوم را در دستور کار خود قرار داده است. کتاب حاضر بخشی از این تلاش است.

محمدرضا میری

مدیریت مؤسسه فرهنگی پیشین پژوه

تیرماه ۱۳۸۱

پیشگفتار

تشنگی در فرهنگ ایران، همانند آب، مفاهیم گسترده‌ای دارد. مردمان این مرز و بوم با ریشه‌هایی کهن در دوردست‌های تاریخ، این مهم ژرفای اعتقادی و دیرینگی مفهوم "آب" و "تشنگی" را از مرزهای عینی به مراحل ذهنی برده است. واقعه دشت کربلا، مفهوم آب و تشنگی را در این سرزمین بُعد دیگر داده است و سقاخانه بخشی از این فرهنگ است.

در روزگارانی نه چندان دور، سقاخانه‌ها چلچراغ کوی و برزن بوده‌اند، پنجره‌ای در دل دیواری و نور شمعی و کاسه زنجیر شده آبی و مردمانی که به هر دلیل، در پی گرفتن حاجتی، پنجه در پنجه فولادی سقاخانه می‌انداختند و زیر لب دعا می‌خواندند و نیاز می‌خواستند.

هر سقاخانه، در هر کوی و برزن یک شعر بود، شعری به روانی آب. امید که کتاب "سقاخانه‌های تهران" نور شمع کوچکی باشد، در قلمرو فرهنگ آب در سرزمین‌های ایرانی.

محمد میرشکرایی

پژوهشکده مردم‌شناسی

سازمان میراث فرهنگی کشور

تیرماه ۱۳۸۱

تفصیل سے
دیکھیں



”مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٍّ“
(قرآن کریم، س ۳۰۱/۲۱)

*. درآمد

سقاخانه‌ها را می‌توان پدیده‌هایی اجتماعی - مذهبی، با قدمتی دیرینه نامید که در آن آب، این مایع حیات‌بخش، به رایگان در اختیار رهگذران تشنه قرار می‌گیرد. اما در پس این تعریف ساده و کوتاه، فرهنگی کهن و ارزشمند نهفته است. سقاخانه‌ها در نظر مسلمانان و بخصوص اهل تشیع، همواره از جایگاهی مکرم و حرمتی خاص، برخوردار بوده‌اند. جلوه‌های گوناگونی از این ساختارهای مذهبی و خدماتی شهری را کم و بیش در اکثر شهرهای اسلامی می‌توان مشاهده کرد. با این حال، به دلایلی نامعلوم در آثار متقدمان و کتب تاریخی، کمتر ذکر و وصفی از این بناها آمده است و اگر هم گهگاه اشاراتی به آنها شده، این اشارات آن قدر مختصر و گنگ است که به آسانی نمی‌توان در این زمینه به دریافتی کامل رسید.

اولین موضوعی که در بررسی پدیده‌ی سقاخانه، با آن برخورد می‌شود، مسئله آب است. باید توجه داشت که آب سقاخانه‌ها در نظر مریدان آن، یک آب معمولی نیست؛ بلکه مایعی است مقدس و شفای دردهای جسمانی و آرامبخش روحهای پریشان. این آب نشان از ایمان دارد، از ایثار، از فداکاری و محبت، و بالاخره نشان از شهادت.

آورده‌اند که ”خداوند سرزمین‌های مملو از آب را برای زندگی و صحرا را برای

این که انسان روح خود را در آن بیابد خلق کرده است"^(۱). اساساً ارتباط بین پیدایش و توسعه تمدن‌های بشری با منابع آب، بخصوص آب قابل شرب، به هیچ روی قابل انکار نیست. هسته‌ی اصلی تمامی تمدن‌های بزرگ بشری، در کنار منابع آب شکل گرفته است و تأثیر مستقیم آن را در ابعاد مختلف زندگی آنها، اعم از آداب و رسوم، اعتقادات، روابط اجتماعی، روابط سیاسی و... می‌توان مشاهده کرد.

با اولین نگاه به تاریخ زندگی بشر در کره‌ی خاک، ملاحظه می‌شود که آب این عنصر زندگی بخش، در نزد تمامی انسانها محترم و مقدس شمرده می‌شده است. تجلی این احترام و تقدس در اقوام و تمدنهای ابتدایی بشری، در وجود اساطیری شخصیت می‌یابد که اغلب ضمن این که مؤکلان آنها محسوب می‌شوند، واجدین خوشکاری بوده و به عنوان ایزدان زندگی آفرین و روزی بخش مورد پرستش قرار می‌گیرند. در بررسی ادیان و مذهب بزرگ جهان نیز دیده می‌شود که آب به عنوان عنصری تطهیرکننده و دورکننده‌ی پلیدی‌ها، تکریم شده و در آداب و مراسم مذهبی، واجد جایگاهی ویژه گشته است. حتی بعضی از ادیان پای را فراتر نهاده و غسل تطهیر، با آب را از ارکان اصلی دین خود قلمداد کرده‌اند [مثل صبی‌ها].

گذشته از تمدن‌ها و مذاهب مختلف بشری، در سرزمین‌های اسلامی نیز شهر محصول وجود آب است. در تمدن اسلامی آب، معنی و مفهومی قوی و محکم پیدا می‌کند. این همان آبی است که با آن وضو می‌گیرند، کشاورزی می‌کنند و هر ناپاکی را پاک می‌کنند، و نیز همان آبی است که بیماران را شفا می‌دهد و عطش انسان تشنه را فرو می‌نشاند. آبی که به شکل باران نازل می‌شود و اراضی خشک و به ظاهر مرده را احیا می‌کند،... و باز آبی است که به رغم کثرت معانی، وحدتی در مفاهیم آن احساس

۱- بمات، نجم‌الدین. شهر اسلامی، ترجمه محمد حسین حلمی و منیره اسلامبولچی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۶۷.

می‌شود. پس آب هم جسم است و هم غیرجسم، هم مادی است و هم غیرمادی. آب نشان از تولّد دوباره هم دارد؛ و این معنایی است که کم و بیش در تمامی مکاتب و مذاهب بشری، قابل مشاهده است^(۱). اما والاترین و متعالی‌ترین مفهوم اجتماعی - اعتقادی آب را در مذهب شیعه می‌توان یافت. آنجا که آب علاوه بر تمامی مفاهیم فوق؛ نمادی از گذشت و فداکاری و سپس شهادت می‌شود. و این است همان فلسفه‌ی اصلی انفاق آب و احداث بنای کوچک سقاخانه‌ها، در شهرهای بزرگ و کوچک اسلامی.

سقای و سقاییت مردمان، به واقع اصلی‌ترین دلیل احداث بنای سقاخانه‌ها و آبخوری‌ها، در سرزمین‌های اسلامی است. سقاییت و سقای (عربی - فارسی)، در اصل واژگانی عربی هستند که در فرهنگ فارسی به معنای "آب نوشانیدن" و "دادن و فروختن آب" استفاده می‌شوند^(۲). در دین مبین اسلام سقاییت و سقای و اجد چنان ارزش والایی بوده که حتّی در قرآن کریم، خداوند متعال بدین فعل اسناد یافته است^(۳). همچنین در روایات متعددی، پیامبر بزرگوار اسلام (ص) از این عمل، تقدیر نموده و آن را جزء با فضیلت‌ترین تصدّقات نام برده است^(۴).

سقای کردن به عنوان یکی از مشاغل اجتماعی مهم، در جوامع گذشته مطرح بوده است. در فرهنگ عامیانه‌ی ایرانی، آداب و رسوم سقای، در واقع به صورت

۱- بemat، نجم‌الدّین. شهر اسلامی، ترجمه محمدحسین حلمی و منیژه اسلامبولچی، صفحات ۶۷ الی ۶۹.

۲- محمد پاشا. فرهنگ آنندراج، به کوشش محمد دبیر سیاقی، جلد سوم، تهران: انتشارات کتابخانه خيام، ۱۳۶۳، باب س.

۳- قرآن کریم، آیه ۲۱، سورة ۱۷۶ الذّهر.

۴- سپهر، میرزا محمدتقی [لسان الملک]. ناسخ التواریخ، جلد اول، جزء اول، تهران: کتابفروشی اسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۶۳، ص ۱۵۱.

نمادی از خاطره واقعه‌ی کربلا و شهادت اما سوم شیعیان حضرت حسین بن علی (ع) و برادر بزرگوارشان حضرت ابوالفضل (س)، درآمده است. به همین دلیل در دین اسلام، مقررات خاصی برای کسانی که منصب سقایی را بر می‌گزیدند در نظر گرفته شده که از اهم آنها، رعایت پاکیزگی روح و جسم، تواضع با خلق، توکل بر خدا، و نیت خیر در هنگام کار است.

در تمامی کشورهای اسلامی سقاخانه‌ها ابنیه‌ای بودند که برای سقایت رایگان مردمان ساخته می‌شدند. در بررسی سقاخانه‌های کشورهای اسلامی، گاه با واژگانی مثل مشربیه، مشرعه، سبیل و آبخوری برخورد می‌گردد که همگی در معنایی مشابه سقاخانه، استفاده شده و مصادیق دیگری برای این مکان‌ها شمرده می‌شوند. محل‌های احداث این ابنیه‌ی خدماتی - مذهبی، از مساجد بزرگ و جامع شهرها و مدارس و بقاع مطهر اولیای الهی گرفته تا کوچه‌ها و بازارها، و خلاصه اکثر محل‌های تجمع و ازدحام جمعیت را شامل می‌شدند. از طرف دیگر نحوه برخورد با این پدیده اجتماعی نیز در معماری شهرهای اسلامی متفاوت بود، به طوری که از ساختمان سقاخانه‌های بزرگ و شکوهمند و هنرمندانه، تا بنای آبخوری‌های کوچک و محقر؛ و گاه حتی سنگابی مصنوع در زیر سایه‌بانی ساده، متنوع بودند^(۱).

دلیل اصلی احداث سقاخانه‌ها، از طرف بانیان خیر آنها عمدتاً دو چیز بوده است: یکی تمسک به عملی خیر جهت سقایت مردمان، که از قدیم الایام بدان توجه خاص می‌شده است؛ و دیگر یادآوری از حادثه‌ی عاشورا و واقعه‌ی کربلا و خاطره‌ی تشنگان شهید از جور و ستم آن؛ که این مورد در کشورهای شیعی مذهبی، از مهمترین دلایل احداث سقاخانه‌ها به شمار می‌آید.

اغلب سقاخانه‌ها از طرف بانیان آنها، جهت استفاده‌ی همه‌گانی "وقف"

۱- مراجعه شود به: "سقاخانه در شهرهای اسلامی"، جزوه دست‌نویس از مؤلف.

می‌شده‌اند. وقف سنتی اسلامی است که براسا قوانین آن، استفاده از سرمایه‌ای که به وقف اختصاص یافته دائمی شده و قابل خرید و فروش و تبدیل - به جز در موارد خاص - نمی‌باشد. همین مورد باعث شده که بعضی مکان‌هایی که از طریق وقف به سقاخانه‌ها اختصاص یافته، در طور زمان از گزند دستبرد و تعدی، تا حدودی محفوظ بماند.

در مورد کشور ایران باید گفت که اساساً سقاخانه‌ها یکی از عناصر سنتی - مذهبی مطرح در اکثر شهرها هستند که با وجود گذشت زمان و نیز کم شدن کارایی؛ هنوز هم در گوشه و کنار کشور، نمودهایی از آنها را می‌توان مشاهده کرد. اصولاً سقاخانه‌های ایران را باید ابنیه‌ای ساده، با کارکردی همگانی دانست که با استعانت از موکلان بزرگوار این مکان‌ها، که همانا شهدای کربلا و بالاخص حضرت ابوالفضل العباس (س) هستند، احداث گردیده‌اند. هرگاه هنرمند ایرانی عنایتی به این ابنیه‌ی عامیانه داشته، آن چنان شور و زیبایی در آن به یادگار گذارده که هر نوشنده آب این مکان‌ها را، واله عظمت ایمان و عشق به آن بزرگواران شهید نموده و ارزش این آب انفاق شده را، تا حد آب کوثر، بالا برده است.

* * *

هدف کلی از طرح موضوع بررسی سقاخانه‌ها، همانا توجه دادن و ارزش نهادن به گوشه‌هایی کارآمد از فرهنگ کشور است که متأسفانه در شُرَف نابودی قرار گرفته‌اند. اگر پذیرفته شود که هر بنای متروک و آثار خیر، اعم از مساجد، بقاع امامزاده‌ها، سقاخانه‌ها و حتی هر خشت کاشی، یا هر قطعه فرش کهنه‌ی آنها، یا هر درخت کهن سال، حتی در کوچک‌ترین دهکده‌ها؛ لااقل برگی از تاریخ آن محل هستند، پس باید به هر نحوی که مؤثر است در حفظ آثار و بقایای آنها کوشید و بدون

دلیلی معقول، آنها را از بین نبرد^(۱). در واقع این گونه میراث‌های ملی که در طی زمان امتحان خود را پس داده‌اند، با ویژگی‌های فرهنگی مناطق مختلف کشور، سازگاری یافته‌اند و قابلیت آن را دارند که چون تجربه‌ای مثبت، مورد استفاده‌ی آیندگان قرار گیرند؛ لذا حفظ و حراست از آنها وظیفه طبیعی هر فرد ایرانی و علاقمند به آثار مذهبی و تاریخی این مرز و بوم است.

البته نمودهایی از هنر نشأت گرفته از مذهب را در اکثر فرهنگ‌ها جهان می‌توان مشاهده نمود: مغ‌ها با موسیقی خود مردم را مجذوب می‌کرده‌اند، معجزه داود آوازش بود، آثار معابد مصری، یونانی، چینی، هندی و بسیاری دیگر نیز دال بر صحت این فرضیه است^(۲). لیکن به استناد آثار موجود -اغراق نیست اگر بگوییم که هنرمند اسلامی، در این رهگذر گامی فراتر و متعالی‌تر برداشته است. به عقیده‌ی بوم گارتن: هنرپیشه، کاملاً تحت تأثیر محیط طبیعی و اجتماعی خود واقع می‌شود و به بیانی دیگر "هنرپیشه مولودی اجتماعی است و کار هنری یا نمونه زیبایی‌هایی را که پذیرفته نیز تا حد زیادی اقتباس از محیط می‌باشد"^(۳). پس هنر ایرانی -اسلامی را نیز می‌توان مولوی در خور، برای این فرهنگ متعالی دانست.

اصولاً گستردگی مصادیق در بررسی سقاخانه‌های ایران و نیز وجود خرده فرهنگ‌های متفاوت در مناطق مختلف کشور، لازم می‌دارد تاجهت بررسی موقعیت اجتماعی پدیده سقاخانه، به طور اختصاصی تر به یکی از این شهرها پرداخته شود؛ و "نگاهی به سقاخانه‌های تهران" در واقع کوششی است در جهت رسیدن به این مقصود. البته تهران با دیگر شهرهای ایران، تفاوت‌های خاصی از نظر قدمت،

۱- مصطفوی، سید محمد تقی. آثار تاریخی طهران، اماکن متبرکه، جلد اول، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: انجمن آثار ملی، ص ۶۹.

۲- وزیری، علینقی، زیبایی‌شناسی در هنر و طبیعت، تهران: انتشارات هیرمند، ۱۳۶۳، ص ۵۷.

۳- وزیری، علینقی. زیبایی‌شناسی در هنر و طبیعت، تهران: انتشارات هیرمند، ۱۳۶۳، ص ۳۴.

وسعت، موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های سیاسی و اقتصادی و... دارد. به این علت نمی‌توان انتظار داشت که با مطالعه موقعیت اجتماعی سقاخانه‌های تهران، به روند پیدایش و چگونگی گسترش عنصر سقاخانه در ایران پی برد؛ ولی می‌توان امیدوار بود که از این رهگذر، به ارتباط مستقیم توسعه شهری و تعداد سقاخانه‌ها و نیز جایگاه ویژه‌ای این پدیده، در باورهای اجتماعی - مذهبی مردم این دیار، دست یازید. در یک نگاه کلی به وضعیت سقاخانه سازی در تهران، به نظر می‌رسد که پدیده‌ی سقاخانه، با این شهر نه چندان قدیمی و دیرپای، پیوستگی عمیقی دارد. به طوری که مردم این دیار به این پدیده، با دیده‌ی عنایت و تکریم نگریسته و با وجود رشد سریع و تحولات شهر سازی فراوان، هنوز بعضی از یادمان‌های این گونه بناها را به خوبی پاس داشته‌اند. البته در بررسی تاریخ تهران، باید توجه داشت که سرگذشت پهنه این شهر در عهد باستان و قرون نخستین اسلامی، در پیوند کامل و هماهنگی با تاریخ و مدنیت ری و روستاهای شمالی آن، یعنی منطقه قصران بوده است^(۱) و به تنهایی نمی‌توان از سابقه‌ی روستای بسیار کم نام و نشان تهران، شرح و تفضیل چندانی فراهم آورد.

این دلایل موجب شد تا در آغاز بررسی موضوع "نگاهی به سقاخانه‌های تهران"، ابتدا مختصری به تاریخچه‌ی تحولات مناطق ری، قصران و تهران اشاره کرده، آنگاه وضعیت سقاخانه سازی و چگونگی سقاخانه‌های این مناطق، مورد بررسی قرار گیرد. در ادامه با پژوهشی پیرامون ویژگی‌های کلی سقاخانه‌های تهران، سعی شده تا ضمن مطالعه‌ی جایگاه اجتماعی این پدیده در گذشته و حال، ضرورت وجود آنها در مقطع زمانی بررسی شود. همچنین در پایان، به طور مختصر به یکی از مکاتب هنری

۱- تکمیل همایون، ناصر. تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران، از آغاز تا دارالخلافه ناصری، جلد اول، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۷، ص ۳۳.

معاصر، موسوم به "مکتب سقاخانه" - که برای چندی بحثی گرم و جوشش خاصی را در محافل هنری کشور موجب شده بود - اشاره خواهد شد تا به این ترتیب نیز قسمتی از تأثیرات پدیده‌ی سقاخانه در هنر معاصر کشور، مورد مطالعه قرار داده شود.

۱- سرزمین ری

سرزمین ری، در گذشته منطقه‌ی وسیع و مهمی از کشور ایران را شامل می‌شد که در طول تاریخ شاهد تحولات سیاسی و اجتماعی فراوانی بوده است. در واقع دیه تهران، به گونه‌ی یک دیه گمنام، در شمال شهر تاریخی ری و نیز یکی از جنوبی‌ترین نقاط منطقه‌ای به نام قصران؛ از همان آغاز پیوندهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حکومتی تنگاتنگی با این سرزمین داشته است. بر این اساس برای بررسی پیشینه‌ی تاریخی و روند رشد شهر تهران، آگاهی از وضعیت تاریخی مناطقی ری و قصران ضروری است.

پیشینه‌ی فرهنگی و سیاسی شهر ری به هزاره سوم قبل از میلاد می‌رسد، اما به طور دقیق و روشن، در دوران پیش از اسلام از روزگار حاکمیت مادها به این سو، نام و نشان بیشتری از آن به گونه‌های مختلف در کتاب‌های مقدسی چون اوستا و عهد عتیق و نیز آثار یونانی و سنگ نبشته‌های باستانی مثل کتیبه‌ی داریوش بزرگ، آمده است (تکمیل همایون: ۱۳۷۷، ص ۱۹). در واقع ری، از جمله شهرهای بسیار آباد و بزرگ ایران باستان محسوب می‌شده است. با ورود اسلام به ایران و فتح ری، این شهر همچنان اهمیت خود را حفظ کرد و حتی برای مدتی پایتخت چند سلسله‌ی ایرانی نیز شد. لازم به ذکر است که در این دوران تحوّل مذهبی در شهر ری، یک تحوّل تدریجی بود که تقریباً طی هفت قرن به طول انجامید و عاقبت به رواج و گسترش مذهب شیعه‌ی امامیه منجر شد.

ری و طبرستان دو مرکز مهم استقرار علویان در ایران بودند. ظاهراً رواج تشیع در

ری، به وسیله آن دسته از سادات و فرزندان حضرت علی (ع) صورت گرفت که در خلافت جابرانه‌ی امویان و در حکومت ظالمانه‌ی حجاج ابن یوسف در عراقین، از جور و ستم ایشان به این نواحی پناه آورده بودند (کریمان: ۱۳۵۵، ج ۲، ص ۷۴۹). مهاجرت علویان از اواخر قرن دوم هجری به سوی طبرستان آغاز شده بود؛ اما دامنه این مهاجرت در قرن سوم، رو به گسترش نهاد. ارتباط ری با طبرستان، از دو سو تأثیر و تأثر متقابل شیعی را بر ری و نواحی اطراف آن نظیر قصران، در پی داشت. ری در زمان حکومت ایرانی آل بویه، که از فضای شیعی طبرستان سر بر آورده بودند؛ دوران شکوفایی رشد و توسعه‌ی شهر ری و مذهبی خود را گذرانید. در واقع حکومت هشتاد ساله‌ی این خاندان، یکی از عوامل تثبیت مذهب تشیع، به عنوان آیین رسمی این منطقه بود (جعفریان: ۱۳۷۱، ص ۲۹-۳۹).

برپایه‌ی اسناد و مدارک تاریخی، با آن که شهر ری بر اثر حوادث طبیعی چون زلزله‌های مهیب و نیز به دلیل جنگ و ستیزهای حاصل از تغییر حکومت‌ها، صدمات مکرری را به خود دیده بود؛ ولی هیچ یک چون یورش ویرانگر و خانمان برانداز مغول، بر پیکره این شهر کهن تاریخی صدمه نزد. به این ترتیب حمله مغول به دوران پرفراز و نشیب شهر شکوهمند ری، پایان داد و ویرانی کامل آن را موجب شد. و چنان که خواهد آمد، همین موضوع باعث مطرح شدن تهران که در آن زمان دیهی بیش نبود - گردید. البته، شهر ری مجدداً بازسازی شد، ولی هیچ‌گاه آن عزت و جلال گذشته‌ی خود را باز نیافت (مصطفوی: ۱۳۶۱، ص ۱۲۲).

الف - منطقه قصران و شمیران

منطقه قصران در واقع، تمامی پهنه‌ی شمالی ری، به انضمام پاره‌ای از زمین‌های شمال شرقی و شمال غربی آن را شامل می‌شد. چنان که در منابع تاریخی آمده، خود

منطقه قصران نیز از دو بخش به نام‌های قصران خارج [سفلی] و قصران داخل [علیا] تشکیل شده بود (کریمان: ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۷-۹). مناطق تحت پوشش بخش داخلی قصران، شامل دره‌ها و کوه‌های دماوند و توچال و آبادی‌های آن تا نور و لاریجان مازندران بود. بخش خارجی قصران نیز مناطقی چون کلیه‌ی سرزمین‌ها و دهکده‌ها و روستاهای کوهپایه‌ی البرز، تا شهر بزرگ ری را شامل می‌شده است (تکمیل همایون: ۱۳۷۷، ص ۲۱).

چنانچه گذشت طهران در روزگاران پیشین، دیهی کوچک از شهرستان قصران ری بود و در ردیف ده‌ها و آبادی‌های دیگر آن شهرستان قرار داشت. البته در ابتدا تهران به گونه دیهی نه چندان معتبر در منطقه مطرح بود، به حدی که در کتب قدیمی کمتر نامی از آن برده شده است. در واقع قدیمی‌ترین آبادی این حدود که در آن روزگار اهمیت و اعتبار بیشتری داشته و به آن در منابع تاریخی نیز اشاراتی رفته، دیه مهران بوده است (کریمان: ۱۳۵۶، ص ۸).

با آن که بین تاریخ قصران و تاریخ طبرستان و گیلان و قزوین، پیوندهایی مشاهده می‌شود؛ اما بسیاری از خبرهای آن با سرگذشت ری مشترک است (تکمیل همایون: ۱۳۷۷، ص ۲۱). مثلاً رواج آیین مقدس اسلام در منطقه قصران خارج، کاملاً تابع شهرستان ری بوده است، به طوری که آمده: در آن زمان مرزبانی ری بر عهده‌ی خاندان مهران، که به دیه مهران در قصران خارج انتساب داشته‌اند، واگذار شده بود. البته در آغاز امر و پیش از پیدا شدن تشعب و تفرق در میان مسلمانان، مردم این منطقه نیز جملگی به طریق سنت جماعت بوده‌اند و آن چنان که گذشت، آیین حق‌ی تشیع نیز در همان قرن اول هجری و به دنبال پناه آوردن سادات علوی در این ناحیه گسترش پیدا کرد (کریمان: ۱۳۵۵، ج ۲، ص ۴۷۹-۴۸۰).

منابع متأخر تاریخی، تعداد دیه‌ها و آبادی‌های تحت پوشش منطقه‌ی قصران را در اوایل انقلاب مشروطیت، نزدیک به دویست و پنجاه دیه و آبادی ذکر کرده‌اند و به

طوری که گذشت؛ یکی از این آبادی‌ها در گذشته‌ای که زمان دقیق آن معلوم نیست، "تهران" نام گرفت. تهران از روستاهای وابسته به ری و قصران سفلی بوده که به مرور در سده جاری پس از قرار گرفتن در مرکزیت حکومت، توسعه بسیار یافته و شاید نزدیک به یک صد آبادی را در خود جای داده است. (تکمیل همایون: ۱۳۷۷، ص ۲۵).

در باب محدوده‌ی منطقه‌ی شمیرانات، که به دلیل آب و هوای مساعد آن، از دیگر مناطق مهم قصران به شمار می‌آمد نیز به نقل از اعتمادالسلطنه در "مرآت‌البلدان" آمده است: بلوک شمیران جزء مناطق قصران سفلی نام برده شده که محدوده‌ی آن، "در جلگه تهران و دامنه رشته کوه البرز، از قریه‌ی کلاک واقعه در سمت شرقی رود کرج، الی چاهک که الحاق به حکیمیه معروف است"، امتداد داشته است (تکمیل همایون: ۱۳۷۷، ص ۲۷). این منطقه به دلیل سردسیری و آب و هوای نیکوی آن از گذشته منطقه‌ی ییلاقی و فرح بخشی برای ساکنان تهران محسوب می‌شده و از نیمه دوم سلطنت صفویان تا پایان سلطنت قاجاریان، مورد توجه سلاطین وقت نیز بوده است. در توصیف چگونگی این منطقه به نقل از فلاندن سیاح در سال ۱۲۵۶ هجری قمری آورده شده که: "از ماه مه^(۱)، دریا، اغنیا و تمام اشخاصی که با شهر کاری ندارند [از شدت گرمای تهران] فرار کرده و به دامنه کوهی که مجاور تهران است؛ مسکن می‌گزینند. تمام دامنه‌ی کوه شمیران را دهاتی چند، با باغات زیاد فرا گرفته و اهالی تهران مدت شش ماه در چادرهایی که در این سرزمین می‌زنند؛ به سر می‌برند" (نوربخش: ۱۳۷۰، ص ۴۰۷).

به تدریج منطقه‌ی شمیران نیز در نتیجه‌ی توسعه روزافزون دیه و سپس شهر تهران، به صورت جزئی از این شهر بزرگ درآمده و طبعاً در وضعیت اقتصادی -



اجتماعی آن نیز دگرگونی‌هایی پدیدار گشته است (تکمیل همایون: ۱۳۷۷، ص ۲۷). امروزه این منطقه قسمتی از محدوده شمالی تهران بزرگ محسوب می‌شود.

ب- تاریخچه‌ی شهر تهران

شهر تهران در گذشته‌های دور، صورت قریه کوچک و نه چندان معتبری را داشت که وجود زاغه‌ها، سرداب‌ها و زیرزمین‌های مرموز، قیافه‌ی آن را پر از لکه‌های سیاه کرده بود (نجمی: ۱۳۶۷، ص ۱۳). در باب وجه تسمیه و وضع آبادی این شهر در قرون ششم و هفتم قمری، به نقل از "معجم‌البلدان" آورده شده که: "طهران به کسر (طاء) و سکون (ها) و (را) و (نون) در آخر، کلمه‌ای است عجمی و ایشان،

تهران تلفظ کنند چون در زبان ایشان طاء وجود ندارد. این آبادی از دیه‌های ری است و میان آن دو، قرب یک فرسنگ فاصله است. مردی صادق از مردم ری مرا خبر داد که این آبادی دیهی بزرگ است که بناهای آن در زیر زمین بنیان یافته است و هیچ‌کس جز به اراده مردم بدانجا راه نمی‌یابد و در بیشتر اوقات ایشان نسبت به سلطان وقت راه خلاف و سرپیچی می‌پیمایند، و وی را جز مدارای با ایشان چاره‌ای نیست. آنجا را دوازده محلت است که هر کدام را با دیگری نزاع است..." (کریمان: ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۴۸).

از قدمت واقعی و چگونگی دیه تهران، خصوصاً در عهد باستان اطلاع دقیقی در دست نیست. به نظر می‌رسد محققان و جغرافی‌دانان دوره‌ی اسلامی نیز کمتر به این منطقه عنایت داشته‌اند. چرا که کهن‌ترین سند تاریخی که در آن از تهران نامی آورده شده، کتاب "تاریخ بغداد" است که در آن خطیب بغدادی در شرح حال محمد بن حماد طهرانی، محدث نامور سده‌ی سوم هجری، مطالبی آورده و او را "ابو عبدالله حافظ

تهرانی رازی" می‌خواند (ذکا و سمسار: ۱۳۶۹، ص ۶). همچنین نخستین منبعی که از دیه تهران ذکری آورده کتاب فارسنامه ابن بلخی به سال ۵۱۰ هجری قمری است که از خوشی میوه انار طهرانی وصفی آورده است (تکمیل همایون: ۱۳۷۷، ص ۳۰). به هر تقدیر تهران به گونه‌ی روستایی نه چندان معتبر، در دوره‌ی علویان زیدی طبرستان و سامانیان و آل بویه، حیات اجتماعی خود را به عصر غزنویان می‌رساند. خونریزی سلطان محمود غزنوی در ری و فرار ساکنان آن به کوهستان‌های قصران و سکونت اجباری آنها در روستاهای شمالی و از آن میان در دیه‌های پهنه‌ی تهران، یکی از عوامل ایجاد تحولات در این ناحیه است. البته تا حمله‌ی مغول، هنوز هم طهران به صورت قریه‌ای نه چندان معتبر باقی بود و بر پایه اسناد و مدارک تاریخی، دیه دولاب یا تجریش و حتی ونک، از شهرت بیشتری نسبت به آن برخوردار بودند (همان، ص ۳۵-۳۴).

در دوره‌ی ایلخانان، تهران به صورت پهنه‌ی شناخته شده در کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی آمده است. به طوری که حمدالله مستوفی در کتاب نزهةالقلوب خود می‌آورد: "طهران قصبه‌ای معتبر است و آب و هوایش خوشتر از ری است و در حاصل مانند آن، و در ماقبل، اهل آنجا کثرتی عظیم داشته‌اند".

در عصر تیموریان، تهران دیگر قصبه‌ای کوچک تلقی نمی‌شد، بلکه به صورت شهرکی رو به توسعه درآمده بود (همان، ص ۳۸-۳۶). در سال ۸۸۸ هجری قمری، شهر ری و نواحی پیرامون آن و از جمله تهران به تصرف خاندان آق قویونلو در می‌آید و مقارن با این تاریخ، ری در اثر تاخت و تازها و هجوم تاتارها و سپاهیان تیمور لنگ، رو به ویرانی گذاشته و مردم آن به سوی قریه تهران که تدریجاً پیشرفت می‌کرد، روان گردیده و در آن مسکن اختیار می‌نماید (نجمی: ۱۳۶۷، ص ۱۳). البته اول ورامین بود که مرکزیت یافت، ولی دیری نپایید که تهران به دلیل اقتضای موقعیت خاص آن، رونق بیشتری یافت و در قرن نهم، صورت قصبه‌ی بزرگی را به

خود گرفت (مصطفوی: ۱۳۶۱، ص ۱۴).

اعتبار و عظمت تهران، گرچه از آن زمان که ری باستان رو به خرابی نهاد، یعنی قرن هفتم هجری به بعد آغاز گردید و این آبادی دیگر از صورت دیهی خرد بیرون آمد؛ لکن توسعه و شهرت واقعی آن از زمان پادشاهی شاه طهماسب صفوی شروع شد. شاه طهماسب که مردی دیندار و معتقد بود، در تعمیر بقاع متبرکه، اهتمام بسیاری داشت که از آن جمله بقعه‌ی حضرت عبدالعظیم (س) بود. توجه پادشاهان صفوی به این بقعه‌ی مبارک، به دلیل مجاورتش با آرامگاه حضرت حمزه ابن موسی کاظم (س) که از انساب همین پادشاه بود؛ خود یکی از مهمترین دلایل توجه صفویان خصوصاً شاه طهماسب، به منطقه‌ی تهران نیز محسوب می‌شود (کریمان: ۱۳۵۶، ص ۱۲۲-۱۲۰).

در نتیجه این توجهات در سال ۹۶۱ هجری قمری، به دستور شاه طهماسب صفوی بارویی با یک صد و چهارده برج - به عدد سوره‌های قرآن مجید، در پیرامون تهران بنا گردید و بدین شکل این منطقه حالت یکی از شهرهای اسلامی آن زمان را به خود گرفت. در عصر شاه اسمعیل دوم صفوی نیز توسعه روزافزون تهران همچنان ادامه یافت (تکمیل همایون: ۱۳۷۷، ص ۴۹-۵۲). اما از قرائن چنین برمی‌آید که استقرار پایتخت سلسله‌ی صفوی در قزوین و سپس در اصفهان و بی‌مهری شاه عباس کبیر به تهران باعث رکود نسبی در توسعه شهری تهران می‌شود.

از این هنگام به بعد شهر تهران بیشتر جنبه‌ی سیاسی و نظامی پیدا کرده و این وضع را کم و بیش تا زمان حکومت قاجاریه همچنان حفظ می‌کند. تا این که بالاخره آقامحمد خان قاجار در سالهای اول قرن ۱۳ هجری قمری، تهران را به پایتختی خود برمی‌گزیند (مصطفوی: ۱۳۶۱، ص ۱۴). از این زمان به بعد این شهر، چنان به سرعت رو به آبادی و گسترش می‌نهد که در مدتی حدود دویست سال، به صورت یکی از بزرگترین پایتخت‌ها و مراکز حکومتی جهان، جلوه گر می‌شود.

برج و باروهای شاه طهماسبی نزدیک به سه قرن بر جای مانده بود. ولی چون تهران رو به گسترش نمی‌توانست در محدوده آن قلعه قدیمی بماند، لذا باروها را ویران کردند و در سال ۱۲۸۴ هجری قمری، اولین کلنگ توسعه‌ی شهر تهران با وسعت چند برابر قلعه تاریخی آن زده شد. از این پس شهر تهران، به "دارالخلافه ناصری" موسوم شد. البته حصارها و دروازه‌های جدید نیز پس از چندی با سرنوشتی مشابه، روبرو شدند (تکمیل همایون: ۱۳۷۷، ص ۱۰۵-۱۰۴).

به هر تقدیر از حدود یک قرن پیش بود که تهران به ۱۲ محله تقسیم شد. طبعاً بعضی از این محلات که قدمت بیشتری داشته و سابقه‌شان به زمانی که تهران به صورت دیه بود می‌رسید، از اعتبار و ارزش بیشتری برخوردار بودند. نام بعضی از این محله‌های تهران عبارت بودند از: محله‌ی بازار، محله‌ی عودلاجان، محله‌ی سنگلج و محله‌های چال میدان و چال حصار، و نیز ارگ تهران (نجمی: ۱۳۶۸، ص ۱۶).

با نگاهی اجمالی به گذشته، به نظر می‌رسد که توسعه نسبتاً سریع شهر تهران و مهاجرت اقوام مختلف با پاره‌فرهنگ‌های متفاوت به این شهر، مانع بزرگی برای برنامه‌ریزی دقیق و شهرسازی اصولی آن ایجاد کرده است. لذا آنچه که در نظر اول در این شهر بزرگ، به وضوح قابل رؤیت است، عدم هماهنگی در ساختارهای معماری شهری است. به طوری که در یک قرن گذشته، بارها بافت معماری محله‌های مختلف تهران تغییر کرده و یا به کلی دگرگون شده است.

در مورد موضوع اصلی این بحث، یعنی بررسی سقاخانه‌های شهر تهران، باید گفت که تغییرات سریع بافت شهری، تا حد زیادی دستیابی به سقاخانه‌های قدیمی و تحقیق در مورد چگونگی این بناهای سنتی را دشوار می‌سازد. با این اوصاف، شمار آثار به جای مانده از سقاخانه‌های کوچک و بزرگ تهران، بخصوص در محله‌های قدیم این شهر، چیزی نیست که بتوان آن را نادیده گرفت. تعداد این گونه بناها گاه به

حدی است که کمتر خیابان، کوچه و کویی از محله‌های قدیمی شهر دیده می‌شود که اثر و یادمانی از سقاخانه‌ای هرچند کوچک و محقر - و حتی ویران - را در خود نداشته، یا حداقل در خاطره‌ها حفظ نکرده باشد.

۲- سقاخانه در تهران

در این قسمت سعی بر این است تا چگونگی سقاخانه‌سازی و جایگاه اجتماعی پدیده‌ی سقاخانه در تهران، مورد بررسی قرار گیرد. چنان‌که گذشت تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایجاد شده در دیه تهران و سپس شهر تهران در طول تاریخ، با اوضاع اجتماعی شهر ری و نیز روستاهای منطقه قصران مربوط بوده است. از این رو، موقعیت پدیده‌ی اجتماعی - مذهبی سقاخانه در تهران را نیز، نمی‌توان مستقل از این ارتباطات بررسی کرد. لذا برای دستیابی به مقصود، نخست به وضعیت و چگونگی این ابنیه در شهر تهران پرداخته می‌شود. در ادامه نیز به تعدادی از سقاخانه‌های محلات شمالی تهران، اشاره خواهد شد.

در ابتدای سخن، به منظور یادآوری و مروری کلی بر مفاهیم مرتبط با سقاخانه، مناسب به نظر می‌رسد که به قسمتی از سخن "پیتر لمبرن ویلسن" - از محققانی که مطالعات و تحقیقاتی در باب پدیده‌ی سقاخانه داشته - استناد شود؛ به خصوص آنجا که با بیانی زیبا می‌نویسد:

"سقاخانه در عین حال جایگاهی مقدس و به منزله یادگاری از مقبره و گور شهیدان است. یادآور رحمت خداوند است در برابر سرزمینهای خشک دنیای اسلام، که در نمادپردازی آغازین آب جان‌بخش، باران و رودها تجلی یافته است و همچنین فاجعه‌ی کربلا را به یاد می‌آورد. سقاخانه از یک لحاظ، جایگاه همه‌گانی نوشیدن آب است که عابران تشنه را همه روزه به سوی خود می‌کشاند. از لحاظ دیگر، نمادی مذهبی است که خرجش را مساجد همسایه یا اشخاص نیکوکار می‌پردازند،... و باز

از لحاظ دیگر سقاخانه صرفاً آب نیست، تبرک است" (ویلسون: ص ۳۸).

الف - سقاخانه‌های شهری

چنان که گذشت، شهری که در مجاورت تهران قرار دارد زمانی یکی از نقاط بسیار آباد و مهم ایران محسوب می‌شد. ولی در اثر حمله مغول و سوانح طبیعی دیگر، این شهر کاملاً ویران شد، به طوری که حتی پس از بازسازی نیز شکوه و عظمت گذشته خود را باز نیافت. کمبود آثار و شواهد به جای مانده در ری، باعث شده که در باب قدمت سقاخانه و سقاخانه‌سازی در این شهر، نتوان اظهار نظر قطعی کرد. ولی گذشته‌ی تاریخی شهری و اهمیت آن به عنوان یکی از شهرهای مهم و مراکز استقرار شیعیان و نیز عنایتی که بعدها پس از بازسازی شهر، به سقاخانه‌ها شده است؛ به احتمال وجود و بلکه رواج سقاخانه‌ها در قرون اولیه اسلامی و بخصوص در دوره‌های شکوفایی و عظمت این شهر، قوت می‌بخشد.

یکی از مهمترین دلایل حسن شهرت فعلی شهری، وجود آستانه مبارکه‌ی حضرت عبدالعظیم (س)^(۱) و امام زادگان عظیم‌الشان حضرات حمزه (س) و طاهر (س)^(۲)، از نوادگان ائمه‌ی معصوم شیعه (ع) است (کریمان: ۱۳۴۵، ص ۳۸۴). نظر به ارادت بسیار مردم به این بارگاه مطهر، بحث در مورد سقاخانه‌های این شهر، با

۱- حضرت عبدالعظیم (س)، فرزند عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب (ع) است که در قرن سوم هجری قمری در ری به شهادت رسید (کریمان: ۱۳۴۵، ص ۳۸۴).

۲- امامزاده حمزه به فرزند امام موسی (ع) منسوب است. مرقد امامزاده طاهر و امامزاده مطهر فرزند وی نیز در جوار آستانه حضرت عبدالعظیم (س) می‌باشد. نسب ایشان را نیز به حضرت علی بن حسین (ع) می‌رسانند (کریمان: ۱۳۴۵، ص ۳۹۶-۷).

بررسی سقاخانه‌های مربوط به این آستان پرفیض آغاز می‌شود.

سقاخانه‌های آستان حضرت عبدالعظیم (س)

به دلیل بازسازی‌های مکرر شهر ری در طول تاریخ پرحادثه‌اش، از چگونگی وضعیت سقاخانه‌ها و سایر ابنیه‌ی قدیمی آن، اطلاع چندانی در دست نیست. مضاف بر این که اطلاعات ما در مورد سقاخانه‌های این شهر حتی در قرون معاصر نیز بسیار محدود است. به طوری که از گفته‌ی خدام قدیمی آستانه‌ی حضرت عبدالعظیم (س) و افراد کهن سال محلی بر می‌آید، این بارگاه مطهر در بیش از ۶۰ سال پیش واجد چندین سقاخانه بوده که متأسفانه امروزه جز مجموعه‌هایی از آب سردکن‌های حجیم و بی‌تناسب، اثری از آنها باقی نیست. یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین سقاخانه‌های مربوط به این آستان که به تازگی نیز ویران شده، سقاخانه‌ای واقع در صحن مرکزی آن بوده است (تصویر ۱).

به طوری که از قراین موجود بر می‌آید شکل کلی بنای این سقاخانه، به صورت مکعبی سنگی بوده که گنبد زیبا و زرّینی بر تارک آن می‌درخشیده است. در گوشه‌های مکعب اصلی این بنا، چهار ستون سنگی بیرون زده نیز وجود داشته که در نهایت، شکل ستاره‌ای به طرح اصلی این ساختمان می‌بخشیده است (تصویر ۲). از جمله تجهیزات موجود در هر وجه بنای این سقاخانه‌ی زیبا، پاشیری به همراه دو شیر آب و شمع خانه‌ای بوده که با دو دریچه‌ی فلزی زیبای قلم‌زنی شده حفاظت می‌شده است. همچنین در هر ضلع، پنجره‌ای فلزی وجود داشته که عبارت "یا حسین" با هنرمندی بسیار بر روی مشبک فلزی آن نقش شده بود. هم‌اکنون قسمت‌هایی از این آثار ارزشمند در موزه آستانه‌ی پرفیض حضرت عبدالعظیم (س) حفاظت و نگه‌داری می‌شود.

مخزن آب این سقاخانه چنان که از قراین بر می‌آید، حوضچه‌ی سنگی یک

پارچه‌ای در داخل بنا بوده، که به توسط پنجره‌های فوق‌الذکر با فضای بیرون، ارتباط داشته است. در واقع تبادل هوا از طریق این پنجره‌ها، به خنک ماندن آب گوارای درون مخزن کمک می‌کرده است. قبل از این که آب لوله‌کشی به بنای این سقاخانه راه پیدا کند، مخزن آب آن به صورت دستی از آب چشمه‌ای موسوم به "چشمه علی" پر می‌شده است. این چشمه که آب آن نیز متبرک شمرده می‌شده، از جمله موقوفات همین آستانه‌ی عظیم‌الشأن بوده است. در واقع آب این چشمه توسط آب راهی، از جلوی باغچه جوانمرد قصاب به حدود باغ طوطی آورده شده بود و به جز سقاخانه، در قسمت‌های دیگر آستانه نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت (کریمان: ۱۳۴۵، ص ۱۵۰). در جریان نوسازی‌های کلی آستان حضرت عبدالعظیم (س) که از سال ۱۳۴۷ هجری شمسی آغاز شد، بسیاری از آثار به جای مانده از سقاخانه‌های قدیمی این آستان، برچیده شدند و سقاخانه‌های مجهز به آب سردکن‌های برقی، جای این بناهای کوچک و نسبتاً محقر را گرفتند. گزارش آقای عیسی‌پور، در رابطه با تعداد این سقاخانه‌ها و نیز جریانات نوسازی آنها چنین حکایت می‌کند:

"در ضلع غربی صحن مطهر به کمک یک انسان نیکوکار که نخواست است نامش ذکر شود، سقاخانه‌ای بزرگ و مجهز به دستگاه‌های آب سردکن برقی ساخته شده است... سقاخانه غیربهداشتی وسط صحن بزرگ که وضع زنده‌اش خلاف شؤن آستانه مبارکه بود... [و] نیز بیش از ۴۲ یا ۴۳ سال از عمرش نمی‌گذشت و فاقد جنبه‌های هنری و باستانی بود با تصویب و تأیید وزارت فرهنگ و هنر بدون هیچ‌گونه دخل و تصرف در ساختمان آن، از محل پیش به باغچه علیجان منتقل شد و اکنون در جای جدید با اصلاحات لازم نصب و منبع آب [آن] مورد استفاده زائران قرار می‌گیرد... از طرفی بازرگان نیکوکار، آقای احمد طاهباز، به هزینه شخصی [خود] سقاخانه‌ای مدرن، بهداشتی و مجهز به آب سردکن خودکار، در راهرو میان باغ طوطی و صحن بزرگ، ساخت که اصلاً با سقاخانه‌ی قبلی قابل قیاس نیست"

(عیسی‌پور: ۱۳۵۱، ص ۴۵-۴۹).

در حال حاضر بقایایی از سقاخانه سحن اصلی که اخیراً در جریان وسیع سازی و نوسازی‌های ابنیه‌ی این بقای مطهر، مجدداً مورد بی‌مهری قرار گرفته و ویران شده، در موزه آستانه حضرت عبدالعظیم (س) نگه‌داری می‌شود. این آثار ارزشمند در حال حاضر با ابتکار متولیان موزه و نظر به امکانات محدود فضا، به شکل بنای هشت ضلعی کوچکی بازسازی شده است (تصویر ۳). با آن که صورت کلی این سقاخانه کاملاً دگرگون گشته و حالتی صرفاً تزینی یافته و حتی دیگر آگیری هم ندارد، اما هنوز به نام سقاخانه‌ی این آستان مطهر شهرت داشته و با اقبال عمومی بسیاری هم روبرو است. لازم به ذکر نیاز شده درون فضای داخلی مهر و موم شده سقاخانه مشاهده شد که به گفته متولیان موزه، هرچند یک بار در حضور مسئولین این آستان، غبارروبی می‌شود.

مشخصات سقاخانه موزه آستانه

از اجزای اصلی این سقاخانه‌ی تزینی بازسازی شده، می‌توان به چهار جفت دریچه طلایی رنگ قلم‌زنی شده، مربوط به شمع‌خانه سقاخانه‌ی قدیمی، اشاره کرد که در نظر اول نیز نشان از هنرمندی استادکار سازنده‌ی آن دارد. همچنین پنجره‌های فلزی مشبکی که عبارت زیبای "یا حسین" را بر خود دارند و گنبد کوچک زرینی که به گفته‌ی متولیان آستان، کاشی‌های آن، آب طلا داده شده‌اند نیز از دیگر اجزای سقاخانه قدیمی هستند که در این بنا به کار گرفته شده است. بنای بازسازی شده‌ی سقاخانه موزه، دارای ازاره‌ای از نقره میناکاری شده نیز هست که طبق اظهارات راهنمای موزه، متعلق به ضریح قدیمی حرم حضرت عبدالعظیم (س) بوده و برای زیبایی بیشتر، به این سقاخانه اضافه شده است (تصویر ۳).

از مشخصه‌های دیگر این سقاخانه، بازسازی شده، وجود چهار قاب کاشی

منقوش است که بر دیوارهای داخلی آن نصب شده است. این قابها، مزین به تمثال‌هایی بدیع و زیبا از شهدای بزرگوار کربلا هستند. طبق اظهارات راهنمای محترم این موزه، تعداد قاب‌های کاشی منقوش فوق، هشت قاب بوده، که چهارتای آنها نیز هم اکنون در انبار همین آستانه نگه‌داری می‌شوند. این قاب‌های کاشی ارزشمند، از دیگر آثار بر جای مانده از سقاخانه قدیمی این آستان هستند (تصاویر ۴-۵).

به طوری که از خاطرات یکی از متولیان دلسوز آستان مبارکه‌ی حضرت عبدالعظیم (س) بر می‌آید، هنگام ویرانی سقاخانه قدیمی صحن اصلی؛ به سردابه‌ای در زیر آن برخورد کرده‌اند که توسط دریچه‌ای مسدود شده بود. هنگام بازدید از سردابه فوق، متوجه سنگ قبری می‌شوند که نام واقف سقاخانه و کتیبه‌ی وقف آن را بر خود داشته است. لذا با پیگیری‌های بسیار، وارثان آن واقف را یافته و بدین شکل اجازه تخریب سقاخانه و انتقال آثار باقی مانده‌ی آن را به موزه، کسب می‌کنند.

سقاخانه‌ی بازار شهر ری

از جمله سقاخانه‌های دایر شهر ری، می‌توان به سقاخانه‌ی واقع در بازار شهر، که جنب حرم شریفه‌ی حضرت عبدالعظیم (س) قرار دارد، اشاره کرد. این سقاخانه که به گفته‌ی افراد محلی قدمتی بیش از ۷۰ سال دارد - و بعید نیست که حتی قدمتی برابر با خود بازار نیز داشته باشد^(۱) - به تازگی بازسازی و نوسازی شده و شکل اتاقک مانند آن تغییرات کلی پیدا کرده است.

آنچه که در نظر اول با وجود هیأت فعلی سقاخانه‌ی بازار، چشم هر بیننده‌ای را به

۱- براساس مدارک موجود احداث بازار به شکل فعلی در زمان شاه طهماسب و سال ۹۴۲ هجری قمری صورت گرفته است (کریمان: ۱۳۴۵، ص ۳۹۷).

خود جلب کند، دو قاب کاشی نسبتاً بزرگ دیواری واقع در دو جنب سقاخانه است که منقوش به مناظری از دشت کربلا و تمثال‌هایی از حضرت محمد (ص) و حضرت عباس (س) - در منظره‌ای از وقایع کربلا - است (تصاویر ۷-۶). به طوری که افراد محلی می‌گویند این کاشی نگاره‌ها به تازگی، به جای کاشی کاری‌های سقاخانه‌ی قدیمی، که در جریان نوسازی‌های گذر فرعی بازار تخریب گردید؛ ساخته شده‌اند. متن کتیبه پای یکی از این کاشی کاری‌ها، با این جمله: "به یاد بود قیام جمهوری اسلامی کاشی کاری سقاخانه توسط محمد حسین پورزاد انجام شد" (تصویر ۸)؛ این موضوع را تأیید می‌کند.

بر طبق اظهارات ساکنان و کسبه‌ی محل، این سقاخانه در گذشته بنایی دکانی شکل - در نبش گذر فرعی بازار که حدوداً در میانه بازار، راسته‌ی اصلی را قطع می‌کند، داشته است. در حال حاضر از فضای اتاقک شکل سقاخانه، اثری باقی نیست و دیوارهای کاشی کاری شده فوق، در ابتدای مدخل ورودی این بازارچه‌ی فرعی، که عریض‌تر نیز شده، جای گرفته‌اند. گویا سقاخانه قدیمی واجد شمع خانه و منبع آبی سنگی ساروجی نیز بوده، که ابتدا مخزن فلزی شیرداری جای آن را گرفته و بعد در جریان بازسازی، برداشته شده و به جای آن در پایین دیوار سمت چپ گذر فرعی بازار، پیش آمدگی سکو مانندی ساخته شده است (تصویر ۸). فاضلاب شیرهای آب این سقاخانه از جویی در پایین این دیوار، خارج شده و به چاهی در کنار آن می‌ریزد. از پنجره‌ها و سایر تجهیزات شمع خانه‌ی قدیمی این بنا نیز اثری موجود نیست. با این حال گویا هنوز زائران و مریدان مؤمنی هستند که در مناسبت‌های خاص، اقدام به افروختن شمع در روی سکوی پایاب این سقاخانه می‌کنند.

سایر سقاخانه‌های شهر ری

تغییر سریع بافت‌های سنتی محله‌ها در شهر ری نیز چون دیگر شهرهای کشور،

موجب‌ات ویرانی تعداد فراوانی از بناهای سنتی، از جمله سقاخانه‌ها را فراهم کرده است. در این جافقط به عنوان نمونه، به تعدادی از این سقاخانه‌ها اشاره می‌شود. یکی از قدیمی‌ترین این گونه بناها، سقاخانه و آب انبار قاسم خان بوده که شاید بتوان قدمتی بیش از ۱۰۰ سال برای آن تخمین زد. این سقاخانه‌ی مسقف طبق اظهارات آقای شهری، در سمت راست در ورودی آب انباری به نام قاسم خان قرار داشته است. به نظر می‌رسد که هر دو بنای سقاخانه و آب انبار، توسط شخصی به همین نام که مدفن وی نیز نزدیک این محل است، بنا شده باشند. به هر تقدیر، گویا با پیدا شدن وسایل موتوری و عدم حاجت به آب این آب انبار؛ ابتدا آب انبار و بعد سقاخانه آن متروک مانده و با تعریض جاده‌ی منتهی به آستان حضرت عبدالعظیم (س)، ستون‌های آجری این بناها نیز از میان رفته و سپس با تخریب کلی، زمین آن هم داخل جاده شده است (شهری: ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۴۵). امروزه حتی کمتر نامی و یادی از این سقاخانه و آب انبار قدیمی، در اذهان افراد محلی موجود است.

از دیگر سقاخانه‌های شهر ری می‌توان به سقاخانه کوچک و متروک کوچه‌ی نفرآباد واقع د جنب ضلع شرقی حرم حضرت عبدالعظیم (س)، و نیز سقاخانه موجود در محله‌ی هاشم‌آباد شهر ری، اشاره کرد. متأسفانه این سقاخانه‌ها نیز در حال حاضر مورد کم عنایتی بسیار اهالی قرار گرفته و به صورت نمونه‌هایی از سقاخانه‌های متروک یا مشرف به ویرانی این شهر، مطرح هستند.

ب- سقاخانه‌های تهران

پدیده‌ی سقاخانه و سقاخانه‌سازی در تهران نیز چون اکثر شهرهای کشور، قدمتی نامشخص دارد؛ با این حال بستگی تنگاتنگ آن با مذهب تشیع به هیچ روی قابل انکار نیست. چنانچه اشاره شد، توسعه‌ی سریع و تغییر و تحولات کنترل

نشده‌ی بافت شهر تهران، اکثر یادمان‌های قدیمی این گونه بناها را دستخوش ویرانی و تغییرات بسیار کرده است. وجود تعداد بسیاری سقاخانه در محله‌های قدیمی این شهر تأییدی بر این مسئله است که این عناصر، ساختارهای ساده‌ای نیستند که در یک برهه‌ی زمانی خاص ایجاد شده باشند. خصوصاً توجه پادشاهان صفوی به منطقه‌ی تهران، که ظاهراً عنایت خاصی نیز به این گونه ابنیه داشته‌اند؛ احتمال وجود و بلکه فراوانی این عناصر را، در این دوران به طور منطقی قوت می‌بخشد. اما عدم وجود مدارک کافی مانع بزرگی در اثبات این موضوع است و چنان که در بالا نیز اشاره شد؛ حتی قدمت تاریخی شهر ری نیز به دلیل ویرانی اکثر یادمان‌های قدیمی آن؛ در این مورد یاری بخش نیست. تنها یکی از قدیمی‌ترین اسنادی که اشاراتی به این گونه اماکن دارد، تعداد سقاخانه‌های معروف تهران را تا قبل از دوران فتحعلی شاه ۳ باب ذکر کرده است (تکمیل همایون: ۱۳۷۷، ص ۱۴۴). به هر حال کمبود مدارک تاریخی، ما را در بررسی موقعیت اجتماعی سقاخانه‌های تهران، به دورانی که مانع تاریخی بیشتر به این ابنیه پرداخته‌اند و نیز زمانی که حافظه‌ی عامه و اهالی محله‌های قدیمی یاری می‌دهد، محدود می‌کند.

براساس این گونه ملاحظات، در این قسمت سعی می‌شود تا ضمن بررسی سقاخانه‌های مشهور و قدیمی تهران، خصوصیات کلی گروهی از سقاخانه‌های دایر کنونی آن نیز به بحث گذارده شود و فهرستی هر چند ناقص، از سقاخانه‌های تهران ارائه گردد، تا به این ترتیب پراکندگی نسبی و چگونگی استقبال عمومی مردم نسبت بدین پدیده‌ی اجتماعی - مذهبی، در گذشته و حال نمودار شود. ضمناً به منظور سهولت بیشتر در بررسی و ارائه مطالب، این قسمت براساس فهرست الفبایی نام، و در مواردی که تشابهاتی از نظر نام و مکان سقاخانه‌ها وجود داشته، با ذکر موارد تشابه، از شهرت کلی اماکن عمومی شهر، بهره گرفته شده است.

سقاخانه‌ی آقا شیخ هادی

سقاخانه‌ی آقا شیخ هادی - یا آشیش هادی - از سقاخانه‌های قدیمی و مشهور تهران است، که قدمت آن به دوره‌ی قاجار می‌رسد. این سقاخانه در محله‌ی آشیش هادی، منسوب به آقا شیخ هادی نجم آبادی عالم و مجتهد برجسته و معروف تهران، که از سال ۱۳۰۵ هجری قمری در آن محله سکونت داشته (بلوکباشی: ص ۱۵)، بنا گردیده است. کتاب تاریخ تهران، در شرح زندگانی این مجتهد بزرگ چنین می‌آورد: وی اصلش از قریه‌ی نجم آباد تهران، و پدرش حاج ملامحمد متولد به سال ۱۲۰۶ هجری قمری پسر استاد باقر حداد - یعنی آهنگر - بوده است. او از مجتهدین مسلم دارالخلافة و مرجع حکومت شرعیه بوده و در جرگه مجتهدین عصر، به درویش نهادی و بی‌تکلفی امتیازی مخصوص داشته است. وی در زهد و ورع بسیار کم عدیل بود و با علماء هر مذهب و هر آیینی آمیختن را دوست می‌داشت و بی‌محابا و بی‌باکانه با دانشوران فرّ ق دنیا و رؤسای دینی هر نحله، مجالست می‌فرمود و به سخنان منتقدانه‌ی فضلالی وقت عنایتی نمی‌آورد (حسینی بلاغی: ۱۳۵۰، ص ۲۳۲ ط).

کتاب تشیع و مشروطیت در ایران، در وصف سخنان سودمند و آزادی‌گرایانه‌ی این عالم بزرگ اشاره دارد به این که: "شیخ هادی در خلال معاشرت‌های اجتماعی خود با گروه‌های گوناگون مردم، به آنها پند می‌داد که از خرافه، تقلید کورکورانه و اندیشه‌های بد دوری جویند. او می‌گفت که خرافه، ترس از انتقاد، عادت‌ها و رسم‌های بد، از بیماری‌های بشر به شمار می‌آیند" (حائری: ۱۳۶۰، ص ۹۱). وفات وی در شب پنجشنبه دوم ماه جمادی الثانی سال ۱۳۳۰ هجری قمری، و مدفنش در مقبره‌ای واقع در خیابانی است که بعدها هر دو به نام خود او، یعنی "حاج شیخ هادی" شهرت می‌یابند (حسینی بلاغی: ۱۳۵۰، ص ۲۳۲ ط).

خیابان فوق، که منشعب از خیابان امام خمینی کنونی است، در حال حاضر نیز به

نام "آقا شیخ هادی" موسوم بوده، و سقاخانه‌ی ساده و مشهور آن هم هنوز یادآور روزهای پرحادثه‌ی گذشته است. لازم به ذکر است که در مورد بانی و واقف سقاخانه، مطالب متفاوت و حتی ضد و نقیض بسیاری ذکر شده است. ولی در هر حال، چه خود آقا بانی آن باشد و یا بازماندگان و حتی مریدان وی؛ امروزه نیز چون سال‌های گذشته، ثواب این سقاخانه به یاد و نام آن بزرگوار، وقف مرقد محترم حاج شیخ هادی نجم آبادی شده است.

چنان که گذشت سقاخانه‌ی آقا شیخ هادی در نزد تهرانی‌ها از توجه بسیاری برخوردار بوده و هست، چراکه این سقاخانه، گذشته از نقش مذهبی - خدماتی خود در جامعه‌ی شهری آن روزگار، نقشی سیاسی و تاریخی نیز پیدا می‌کند. این توجه هنگامی به اوج خود می‌رسد که خبر وقوع معجزه‌ای در این سقاخانه پخش می‌شود. در این زمان اعیان محل، اسباب چراغ و تزئینات جشن را برای محیط پرفیض فرستاده و کاسبان محل نیز هر شب سر چهار راه و دکان‌های حول و حوش آن را چراغان می‌کنند (بلوکباشی: ص ۲۳). نظر به این که این واقعه ضمن بیان بخشی از اعتقادات پاک مردم، نوعی سوءاستفاده سیاسی بی‌شرمانه را نیز نسبت به گرایش‌های مذهبی مردم ساده دل مطرح می‌کند، به طور مختصر به شرح آن از دیدگاه تاریخ نگاران پرداخته می‌شود.

واقعه‌ی معجزه سقاخانه‌ی آقا شیخ هادی

اکثر تواریخ، دلیل معروفیت فراوان سقاخانه‌ی آشیخ هادی را مربوط به توطئه‌ی کشته شدن ماژور ایمری مأمور کشور آمریکا، به هنگام عکسبرداری از چگونگی استفاده مردم از سقاخانه‌ی فوق و مراسم توسل و نذر و نیاز به آن، می‌دانند. در این جریان ایمری به تحریک جمعی از ماجراجویان مرموز، که در ورای آن سیاست خاصی پنهان بود، مورد ضرب و شتم قرار گرفته و هنگام فرار به قتل می‌رسد (نجمی:

۱۳۶۸، ص ۲۸۶).

واقعه‌ی قتل ایمری که در بعدازظهر روز جمعه ۲۷ سرطان [تیرماه] ۱۳۰۳ هجری شمسی برابر با ۲۵ ذیحجه‌ی ۱۳۴۲ هجری قمری اتفاق افتاده، توسط مخبران جراید خارجی با آب و تاب تمام و شاخ و برگ فراوان، در اروپا انتشار یافته و باعث لطمه‌ی بسیار به حیثیت ایرانیان می‌شود. چنان که از قراین موجود برمی‌آید، این موضوع ارتباط تنگاتنگی با مسئله صدور نفت ایران داشته است (دائرةالمعارف مصاحب: ۱۳۴۵، ج ۱، ص ۱۳۵۴). به هر حال در شرح ماوقع چنین آورده‌اند که:

از حدود نیمه‌ی سرطان [تیرماه] همین سال شایع شد که سقاخانه‌ی مزبور معجزه کرده است، موضوع معجزه این که بابی‌ها [بهایی‌ها]^(۱) می‌خواستند آب سقاخانه را مسموم کنند ولی کسی که برای این کار فرستاده شده بود، دستش شل و یا چشمش کور شده است. بر اثر این شهرت، بر نذر و نیاز سقاخانه افزوده شده و شعار بعضی از حضار این بوده که:

"سقاخانه‌ی شیخ هادی، از معجز ابوالفضل، کور شده چشم بابی" ماژور ایمری کنسول آمریکا که ضمناً نماینده‌ی جغرافیایی کشور آمریکا هم بود، به اتفاق بالوین سیمور^(۲) آمریکایی، که در شرکت نفت جنوب ایران خدمت می‌کرد (حسینی بلاغی: ۱۳۵۰، ص ۲۰۷ ط)، به تماشای سقاخانه و جوشش اهالی می‌آیند. شاید قصد

۱- کتاب تشیع و مشروطیت در ایران در توصیف بهایی‌گری، آن را فرقه‌ای از بابی‌گری دانسته که بنیان‌گرش شخصی به نام سید علی محمد شیرازی [۱۲۳۵-۶۷ ق.م] بوده و ادعا می‌کرده که دوره پیامبری پیامبر اسلام در سال ۱۸۴۴ میلادی به پایان رسیده و او اکنون خانه خود را قبله‌ی نو قرار داده است (حائری: ۱۳۶۰، ص ۹۰).

۲- بالوین سیمور یکی از اتباع کشور آمریکا بود که به واسطه محکومیتی که در کشور خود داشته، به ایران تبعید و در آن زمان در واقع مدت محکومیت خود را می‌گذرانده است (حسینی بلاغی: ۱۳۵۰، ص ۲۰۷ ط).

آنها فقط تنظیم و تزئین سفرنامه‌ای که محل توجه اکثر اروپاییان است بوده - یا دسیسه‌ای انگلیسی و پنهان برای جلوگیری از قرارداد نفت ایران با آمریکا، به هر حال تصمیم داشته‌اند که از مراسم عکس بردارند، ولی با ممانعت مردم رو به رو شده و معلوم نیست چرا بر خلاف عادت و اخلاق مرسوم، کار به زد و خورد می‌کشد و آن دو نفر زخمی شده و توسط مأموران نظمیه، آنها را در درشکه‌ای افکنده به مرکز نظمیه می‌رسانند. آنچه غریب‌تر می‌نماید ادامه‌ی حملات و تجمع مردم در مرکز نظمیه، و ادامه‌ی آزار ایامبری است که سرانجام به مرگ او منتهی می‌شود و سیمور نیز در این کشاکش سخت زخمی می‌شود (هدایت: ۱۳۲۹، ص ۴۲۶).

ارتباط این واقعه با قضیه‌ی صدور نفت، انکارناپذیر است چرا که گویا مدتی قبل از این واقعه، دولت آمریکا قراردادی مبنی بر استخراج نفت شمال کشور را با ایران منعقد کرده بود که از نظر دول اروپایی خصوصاً انگلیس، اجرای آن مقرون به مصلحت نبوده است. با بروز این اتفاق، قرارداد فوق فسخ شده و خطر ورود آمریکا به خان گسترده‌ی صادرات ایران، منتفی می‌گردد (شهری: ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۱۱۶-۱۱۵). این قضیه به هر صورتی که باشد، چگونگی سوءاستفاده از احساسات پاک مذهبی مردم را، با بهره‌گیری از عدم آگاهی عمومی و نفوذ خرافات به خوبی نشان می‌دهد.

لازم به ذکر است که در توجیه دلیل این اتفاقات، شایع می‌شود که واقعه‌ی قتل ایامبری به تحریک حاج شیخ مهدی خالصی^(۱) از مجتهدان عراق، صورت گرفته است. وی پس از سفر حج، به ایران آمده و در این زمان مدتی بود که در تهران به سر می‌برد. این که این خبر تا چه اندازه صحت داشته باشد محل تأمل فراوان است؛ به هر

۱- یکی از علماء معروف شیعه ساکن عراق [۱۳۴۳-۱۲۷۷ هجری قمری]، که پس از جنگ جهانی اول به دلایل سیاسی و مقاومت برابر رژیم تحت الحمایه انگلیس، سخت درگیر بود (حائری: ۱۳۶۰، ص ۲۰۵).

حال مدتی پس از این واقعه، مرحوم خالصی به تقاضای دولت وقت، اقامتگاه خود را از تهران به مشهد مقدس انتقال داد و اندکی بعد هم - در دوازدهم رمضان سنه ۱۳۴۳ هجری قمری - در همان شهر، دار فانی را وداع گفت علامه قزوینی: (۱۳۲۵، ص ۴۱).

سقاخانه‌های آینه

از قدیم سقاخانه‌های متعددی در تهران وجود داشته که به نام "سقاخانه‌ی آینه" مشهور بوده‌اند. امروزه نیز کم و بیش می‌توان سقاخانه‌هایی را مشاهده کرد که علاوه بر نام خاص خود - که اغلب برگرفته از نام بانی یا ائمه اطهار (ع) است - به دلیل تزیینات آینه کاری بنا، بدین نام هم خوانده می‌شوند. در منابع تاریخی تهران، از دو سقاخانه با عنوان سقاخانه‌ی آینه نام برده شده است:

سقاخانه آینه کوچی ارامنه

یکی از سقاخانه‌ای موسوم به آینه، در خیابان حاج ابوالفتح، کوچه ارامنه و مقابل مسجد گذرباشی - در بخش هشت تهران قدیم - که از مکان‌های پررفت و آمد این شهر نیز محسوب می‌شده، قرار داشته است. این سقاخانه که بدین علت زمانی مریدان فراوانی نیز داشته، از شهرت قابل توجهی در بین مردم برخوردار بوده است (حسینی بلاغی: ۱۳۵۰، ص ۵۸ط). به طوری که در بررسی میدانی مشخص شده، بنای این سقاخانه نسبتاً مشهور و قدیمی، که در مورد آینه کاری‌های ظریف و زیبای آن نیز توصیف‌ها رفته، تا به امروز پای برجاست؛ اما متأسفانه از آن همه تزیینات نسبت داده شده به آن، اثری باقی نیست و حتی آینه‌ای هم در آن به چشم نمی‌خورد (تصویر ۹). یکی از دلایل این کم عنایتی را آتش سوزی‌های مکرر بنا و دوباره سازی‌های آن ذکر می‌کنند، که در جریان آخرین بازسازی و مرمت، داخل سقاخانه را سراسر با کاشی سفید ساده‌ای پوشانیده‌اند. مصاحبه‌ی با مردم محل، اطلاعات

چندانی در مورد بانی سقاخانه در اختیار نمی‌گذارد، ولی با توجه به قراین موجود، تخمین قدمتی بیش از ۸۰ سال برای این مکان، چندان غیر منطقی به نظر نمی‌رسد. بنای فعلی این سقاخانه موسوم به "سقاخانه‌ی آیینه"^(۱) به صورت دکان کوچک یک بابی، در بین ساختمان‌های اطراف - که شامل خانه‌ای شخصی و دکانی دیگر می‌باشد - قرار گرفته است. مصالح این بنا در قسمت خارجی آجری بوده، و سقف آن دارای تیرک‌های چوبی‌ای است که نشان از قدمت بنا دارد. از مشخصات دیگر بنای این سقاخانه‌ی بازسازی شده می‌توان از طاقی ساده و هلالی شکل، پنجره‌ای واجد شبکه فشرده فلزی و نیز یک شیر آب نام برد که روزهای پرغور گذشته‌ی این سقاخانه را تداعی می‌کنند. تجهیز این بنا با آب لوله‌کشی گویا در حدود سی سال پیش انجام شده و قبل از آن نیز سقاخانه مجهز به منبع آبی سنگی ساروجی بوده، که امروزه جز سکوی داخلی بنا، نشانی از آن باقی نیست.

این سقاخانه در حال حاضر فاقد شمع خانه است و حتی از افروختن شمع در داخل آن نیز ممانعت می‌شود. تاریخ آخرین مرمت بنای این سقاخانه را حدود بیست سال پیش ذکر می‌کنند. تولیت فعلی این بنای ساده و محقر، بر عهده‌ی مسجد مقابل آن؛ که امروزه به نام مسجد حضرت ابوالفضل (ع) شهرت دارد، قرار گرفته است. هنوز هم با وجود تغییر کلی بافت این محله و آمد و شد کمتر مردم، باز هر از چندی مریدی مخلص را می‌توان دید که به تمنای اجابت دعا، دستی بر در این سقاخانه کشیده، نیازی آورده و یا قفلی بر پنجره‌ی فلزی ساده‌ی آن می‌آویزد.

۱- نشانی جدید آن: خیابان مولوی، کوچه ارامنه، جنب کوچه ناهید، مقابل مسجد ابوالفضل (ع)، سقاخانه آیینه یا سقاخانه حضرت ابوالفضل العباس (ع)، است.

سقاخانه آینه کوچی ظهیرالاسلام

سقاخانه‌ی دیگری که به سقاخانه آینه موسوم بوده و نامش در منابع تایخی تهران نیز ذکر شده، واقع در کوچه ظهیرالاسلام منشعب از خیابان شاه آباد سابق - سپهسالار - است که در بخش دوم تهران قدیم قرار داشته است (شهری: ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۶۰). سقاخانه مزبور نیز از سقاخانه‌های معروف تهران قدیم بوده و به عقیده‌ی آقای حسینی بلاغی به دلیل تزیینات آینه کاری زیبایش، به این نام معروف شده است. بانی این عمل خیر، شخصی به نام "حاج میر آخور" گزارش شده و تاریخ بنای آن را حدود سال‌های ۱۳۰۴ هجری قمری می‌دانند (حسینی بلاغی: ۱۳۵۰، ص ۲۰۵ ط). چنان که از مصاحبه با کسبه‌ی محل بر می‌آید، اعتقاد عمومی بر این است که حاج میر آخور روزی، از این محل عبور می‌کرده که نوری در مکان قبلی سقاخانه مشاهده می‌کند و نذر می‌کند که اگر حاجتش برآید، در این محل سقاخانه‌ای بسازد و چنین نیز می‌کند.

محل این سقاخانه بعد از خیابان کشی‌های ۱۳۴۸ شمسی، به داخل خیابان افتاده و با همت شخصی به نام "حاج میر علی اردیبهشت" و کمک اهالی محل - که در واقع بانی سقاخانه‌ی فعلی هستند - سقاخانه دیگری به نام و یاد سقاخانه‌ی قبلی ساخته می‌شود. این سقاخانه امروزه یکی از مجلل‌ترین سقاخانه‌های تهران است و با سر در محرابی شکل و تزیینات زیبای آینه کاری که در فضاهای داخلی آن انجام شده، هنوز در ردیف پرطرفدارترین سقاخانه‌های تهران قرار دارد. منبع آب فعلی این بنا، آب سردکنی برقی است. صندوقچه‌ای که برای جمع‌آوری نذورات نقدی تعبیه شده، از دیگر تجهیزات داخلی این سقاخانه محسوب می‌شود. گویا قبلاً چند سینی برای افروختن شمع نیز در این سقاخانه وجود داشته، که امروزه اثری از آنها باقی نیست.

سقاخانه‌های بازار تهران

اصولاً بازارها که غالباً در هسته‌ی مرکزی شهرها جای داشته‌اند به دلیل آمد و شد فراوان اقشار مختلف مردم و در نتیجه شلوغی و ازدحام آن، از فضاهای شهری بسیار مهم در ساختن سقاخانه‌ها محسوب می‌شدند. بانیان خیر این گونه بناها، که اکثراً از کسبه‌ی مؤمن بازار یا بازارچه‌ها بودند، به عنوان عملی ثواب و برای رضای خدا، نسبت به احداث سقاخانه، در جای جای سراها و تیم‌ها و تیمچه‌های بازار، همت می‌گماشتند.

گاهی سقاخانه‌ای در بازار یا بازارچه، چنان مورد توجه مردم قرار گرفته و مشهور می‌شد که حتی بازارچه را به نام آن سقاخانه می‌نامیدند. برای نمونه می‌توان به "بازارچه‌ی سقاخانه" که بین خیابان شاه‌آباد و صفی‌علیشاه قرار داشت، اشاره کرد. به طوری که از منابع موجود بر می‌آید این بازارچه و سقاخانه آن، که واجد آئینه‌کاری‌های زیبایی نیز بوده به همت شخص ظهیرالاسلام و سادات شیرازی ساخته شده بود و تا چندی پیش نیز هنوز پابر جا مانده و مورد نذر و نیاز اهالی پاک دل محل قرار داشته است (نجمی: ۱۳۶۷، ص ۱۳۰).

تهران قدیم به دلیل وسعت و جمعیت روزافزون آن، واجد چندین بازار و بازارچه بود که بسته به موقعیت محلی، رونق خاصی نیز داشتند. در کتاب تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، تعداد این بازارها افزون بر سی و شش بازار ذکر شده است (شهری: ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۱۹). این بازارها و بازارچه‌ها غالباً سرکرده‌گانی داشتند که بر کار بازار و احیاناً وضع سقاخانه یا سقاخانه‌های آن، نظارت می‌کردند. مثلاً بازارچه‌ی آقا، که از بازارچه‌های معروف تهران بوده، ظاهراً به یکی از سرکرده‌گان محلی به نام حاج نایب تعلق داشته است. این بازارچه سقاخانه‌ای نیز داشته که در بالای سر در آن، کتیبه‌ای بدین مضمون نقل شده بود:

”سال تاریخ ار بخواهسی این بنا بنیاد را
غین و شین و کاف وها، تاریخ این خوش منظر است“^(۱)

(نجفی: ۱۳۶۷، ص ۱۳۰)

در مورد بازارچه نایب‌السلطنه نیز موقعیتی مشابه فوق وجود داشته است. البته در مورد وضعیت فعلی این بازارچه باید اضافه کرد که طبق مشاهدات کنونی، در حال حاضر این بازارچه واجد دو سقاخانه است که یکی در اول بازارچه، و دیگری درون آن و جنب کوچه‌ای به نام کوچه‌ی ناصری قرار دارد و هر دو در وضعیتی نسبتاً مناسب، نگهداری می‌شوند.

بزرگترین و مهمترین بازارهای تهران، در محله‌ای موسوم به بازار واقع در هسته‌ی مرکزی تهران قدیم، میان دو محله سنگلج در غرب و عودلاجان در شرق، قرار داشت. این بازار که هم اکنون نیز به نام بازار بزرگ تهران شهرت دارد، در واقع همان بازار قدیمی است که به مرور زمان، دگرگونی حاصل کرده و وسعت بسیار یافته است. طبقه اطلاعاتی که در کتاب آمار دارالخلافه تهران ارائه شده، تعداد سقاخانه‌های مهم این بازار به سال ۱۲۶۹ هجری قمری، حدود ۴ باب بوده است (آمار دارالخلافه تهران: ۱۳۶۸، ص ۳۰۵). البته به نظر می‌رسد این تعداد در دوره‌های بعد افزایش بیشتری یافته است. ولی در اوایل دوران سلطنت رژییم پهلوی، به دلیل سیاست‌های خاص آن دولت، تعدادی از این اماکن به بهانه‌های گوناگون بسته شده و یا تغییر ماهیت یافته‌اند. با این حال طولی نمی‌کشد که به دلیل فشارهای مردم، این مکان‌ها که ریشه در فرهنگ مذهبی جامعه داشتند، دوباره رونق گرفته و با محدودیت‌هایی، مجدداً پذیرای مهمانان تشنه لب و سرگردان خود می‌شوند

۱- حروف ارائه شده در اول مصرع دوم، تاریخ ساخت سقاخانه را که ۱۳۲۵ هجری قمری است، نشان می‌دهد.

(شهری: ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۱۱۶). در اینجا سعی می‌شود تا به اختصار در مورد تعدادی از سقاخانه‌های مهم این بازار، که هنوز هم دایر و قابل بهره‌برداری هستند، اشاراتی بشود. البته لازم به ذکر است که این سقاخانه‌ها، غیر از خیل بسیار زیاد آب‌سردکن‌ها و منبع‌ها و یخچال‌هایی است که در جای جای راسته‌ها و کنار ورودی سراها، پدیرای مشتریان تشنه لب، بازار هستند.

سقاخانه‌ی بین‌الحرمین

سقاخانه‌ی بین‌الحرمین که به سقاخانه‌ی ملک نیز شهرت دارد، یکی از مشهورترین سقاخانه‌های بازار بزرگ تهران است. این بنا که در حال حاضر درون بازار روبروی پاساژ مهتاج و جنب بازار کویتی‌ها قرار دارد، به صورت دکانی تقریباً به اندازه دکان‌های اطراف و در دو طبقه ساخته شده است. به طوری که گفته می‌شود، بانی این سقاخانه مرحوم حاج حسین آقای ملک بوده و دخترش نیز به صورت یک سنت خانوادگی حفاظت آن را برعهده گرفته است. البته از این شخص خیر موقوفات زیادی چون کتابخانه، چند باب مغازه، کاروانسرا، و غیره نیز به جای مانده، که امروزه همگی توسط سازمان اوقاف و امور خیریه کشور، تولیت می‌شود.

سقاخانه‌ی بین‌الحرمین متشکل از فضایی دکانی شکل است که مانند اکثر دکان‌های مجاورش در دو طبقه بنا شده است. اتاقک طبقه بالای این سقاخانه، تا حدود ۱۰ سال پیش اقامتگاه پیرمردی بود که حفاظت از سقاخانه را نیز برعهده داشته است. گویا پس از فوت وی، اقامتگاه او خالی و متروک مانده و در شرایطی فعلی نیز قابل استفاده نیست. فضای این سقاخانه، که هر چند یک بار توسط کسبه محل مرمت می‌شود، به شکل اتاقکی با سقف آئینه کاری و دیوارهای کاشی است. کف این سقاخانه تا ارتفاعی حدود ۶۰ سانتیمتر از سطح زمین فاصله گرفته است. امروزه قسمتی از درون این فضا را آب سردکنی اشغال کرده که فاضلاب آن به چاهی که به

نظر می‌رسد در زیر سقاخانه تعبیه شده، هدایت می‌شود. سردر بیرونی این سقاخانه نیز دارای تزیینات زیبایی از نوع آینه کاری است و به توسط پنجره‌ای نسبتاً بزرگ از فضای داخلی آن جدا شده است (تصویر ۱۰).

در این سقاخانه به جز آب سردکن و قاب عکسی قدیمی که مزین به تمثالی از حضرت عباس (س) در صحنه‌ای از واقعه عاشورا است؛ وسیله‌ی دیگری مشاهده نمی‌شود. اهالی، قدمت این سقاخانه را بیش از ۶۰ سال تخمین می‌زنند. در حال حاضر متولّی این مکان یکی از کسبه ساده دل محل است که از طرف سازمان اوقاف تهران، عهده‌دار رسیدگی به امور این بنا شده است. وی بساط محقر خود را هر روز با احتیاط و نظمی فراوان، در قسمتی از فضای جلوی این سقاخانه جای می‌دهد.

سقاخانه‌ی خاتم‌النبین

از سقاخانه‌های دیگر بازار بزرگ تهران، سقاخانه‌ی مسجد خاتم‌النبین، واقع در انتهای بازار آهنگران به طرف چهار سوق بزرگ و جنب کوچه غریبان، به پلاک ۳ است. بنای این سقاخانه که محلی‌ها قدمتش را بیش از ۷۰ سال می‌دانند، متعلق به مسجد مجاور بوده است. مسجد و سقاخانه سال‌ها پیش، از محل ثلث میراث شخصی خیر بنا شده‌اند. در حدود ۳۵ سال پیش، این مجموعه بناها به وسیله‌ی حاج ابوالقاسم آجیلی - از کسبه پرسابقه محل - تخریب و بازسازی می‌شود و در حین این بازسازی، از فضای سقاخانه کاسته و به فضای مسجد اضافه می‌گردد. ضمناً در طبقه بالای مسجد نیز شبستانی بنا شده که تا روی سقاخانه امتداد یافته است. امروزه نمای این سقاخانه به صورت فرورفتگی مختصری در دیوار مسجد درآمده که با کاشی‌ها و کتیبه‌هایی به نام ائمه (ع)، مزین شده است. این سقاخانه شیر آبی همراه با آبگیری کوچک نیز دارد.

البته گویا بنای قبلی سقاخانه مسجد خاتم‌النبین، مفصل‌تر بوده و حتی سنگابی

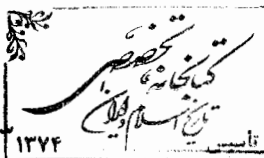
نیز داشته که حین مرمت و بازسازی، تخریب شده است. همچنین در سقاخانه‌ی قدیمی شمع‌خانه‌ای مجهز به تعدادی شمعدان نیز وجود داشته، که متأسفانه امروزه از آن هم اثری باقی نیست. فاضلاب این سقاخانه از طریق آبراه کوچکی به جوی وسط بازارچه هدایت می‌شود.

سقاخانه‌ی مسجد امام

این سقاخانه در راهروی ورودی مقابل مسجد امام - مسجد شاه سابق - که یکی از ورودی‌های مهم بازار بزرگ محسوب می‌شود، قرار گرفته است. سقاخانه مسجد امام نیز از جمله سقاخانه‌های مشهور و قدیمی تهران به شمار می‌آید. امروزه این سقاخانه، فقط از سنگاب بزرگ و زیبایی تشکیل شده است که شیر آبی چند در اطراف آن، پذیرای مراجعین بسیارش است. قدمت وجود این سقاخانه را حتی، بیش از بنای خود مسجد ذکر می‌کنند ولی هیأت فعلی این مکان، نتیجه بازسازی‌ها و نوسازی‌های مکرر در فضای داخلی و خارجی مسجد است. گویا سنگاب مشهور این سقاخانه را قبل از آمدن آب لوله‌کشی به طور دستی از نهري در نزدیکی بازار، آب می‌کردند. به هر صورت سنگاب حجازی شده زیبا و نقش‌دار این سقاخانه، یکی از معدود نمونه‌های سنگاب در سقاخانه‌های تهران است.

سقاخانه‌ی مسجد جامع تهران

سقاخانه‌ی مشهور دیگری که در اینجا از آن یاد می‌شود؛ در داخل صحن مسجد جامع تهران قرار دارد. این سقاخانه که آن را می‌توان از نوع سقاخانه‌های مستقل یاد کرد، شامل بنای مکعب شکل سنگی است، که در چهارگوشه خود، ستون‌هایی سنگی دارد. این ستون‌ها به گونه‌ای تعبیه شده‌اند که در پایین هر وجه بنا، شیر گاو و در بالا پنجره مشبک آهنینی را حفاظت می‌کنند (تصویر ۱۱). روی شبکه فلزی پنجره‌های



هر وجه بنا، عبارت "سلام بر حسین و لعنت بر یزید" با خط زیبایی نصب شده است. البته ضلع چهارم این سقاخانه به دیوار مسجد تکیه دارد ولی چندان وابسته به آن به نظر نمی‌رسد، همین وضعیت آبخوری ضلع چهارم آن را - در صورت موجود بودن - غیر قابل بهره‌برداری کرده است. زمان ساخت این سقاخانه نیز به طور دقیق مشخص نیست. به دلایل نامعلومی از حدود ۲۰ سال پیش سقاخانه بسته شده و اخیراً در حدود یک سالی است که بهره‌برداری از آن دوبار آغاز شده است. تولیت فعلی سقاخانه با شخصی از معتمدین محلی است که از سوی سازمان اوقاف تهران، این مسئولیت و نیز تولیت مسجد به وی تفیض شده است.

سقاخانه‌ی مسجد آقا سید عزیرالله

سقاخانه‌ی مسجد آقا سید عزیرالله نیز با این که فعلاً از آن بهره‌برداری نمی‌شود، جزء سقاخانه‌های مهم بازار بزرگ تهران است. قدمت خود مسجد به زمان فتحعلی شاه می‌رسد و در زمان ناصرالدین شاه نیز مسجد تعمیر و مرمت کلی شده است. در حال حاضر سقاخانه، جزء قسمتی از بنای مسجد محسوب شده ولی قدمت آن بیش از ۳۵ تا ۴۰ سال تخمین زده نمی‌شود. این قسمت در واقع در شمار ابنیه‌ای است که بعدها به ساختمان مسجد اضافه شده‌اند. گویا این مسجد، قبلاً نیز واجد سقاخانه‌ای بوده است، که در جریان وسعت بخشیدن به فضاهای آن ویران گشته و سقاخانه جدید به صورتی ظاهراً کاراتر، به جای آن احداث گردیده است. بانی این مسجد چنان که از نام آن پیداست شخصی به نام حاج سید عزیرالله بوده ولی بانی سقاخانه‌ی فعلی، تولیت کنونی مسجد است.

فضای داخلی سقاخانه فعلی مسجد آقا سید عزیرالله، به صورت اتاقکی سراسر آئینه کاری است که با پنجره‌های بزرگ از فضای بیرونی آن جدا شده است (تصویر ۱۲). در فضای داخلی این سقاخانه تزیینات ویژه‌ای، به جز آئینه کاری‌های نفیس آن،

به چشم نمی‌خورد. در قسمت خارجی این سقاخانه، قطعه سنگی حجازی شده مشاهده می‌شود که دارای کتیبه‌ای به خط نستعلیق است. در قسمت پایین کتیبه سنگی، لوله بسته شده آب سقاخانه قرار گرفته است. این سقاخانه مدت چند سالی است که آبی ندارد و دلیل این امر را نیز وطوبت محل و احتمال صدمه رسیدن به پی ساختمان ذکر می‌کنند.

البته شمار سقاخانه‌های بازار تهران به این چند نمونه محدود نمی‌شود. به طوری که در بحث سقاخانه و بقاع متبرکه‌ی تهران آورده خواهد شد، سقاخانه‌های منسوب به امامزادگانی چون امامزاده یحیی (س)، امامزاده سید اسماعیل (س) و امامزاده زید (س) را که بقاع مطهر آنان، در داخل محدوده بازار بزرگ قرار گرفته نیز باید به این شمار اضافه کرد. همچنین می‌توان از خیل کثیر سقاخانه‌های متحرکی نیز یاد کرد که در فصول گرم سال، در سراها و تیم‌ها و تیمچه‌ها و بازارچه‌ها قرار داده می‌شوند تا رهگذران خسته از هیاهوی بازار را به جرعه آبی خنک و بی‌منت به یاد شهیدان تشنه لب صحرای کربلا، مهمان کنند. ضمناً باید اضافه کرد که توسعه و تغییرات روزافزون محله قدیمی بازار نیز می‌تواند از دلایلی باشد که موجبات ویرانی سقاخانه‌های احتمالی این محله را فراهم کرده است. به هر حال در بررسی میدانی در باب این گونه سقاخانه‌های احتمالی، اطلاع چندانی به دست نیامد.

سقاخانه در بقاع متبرکه‌ی تهران

در منابع اسلامی، در باب لزوم محبت و احترام به اهل بیت رسول اکرم (ص) سفارش‌های مؤکدی وجود دارد، چندانکه در کتاب "جنة النعیم" از محمد بن یعقوب کلینی نقل شده که حضرت رسول (ص) در آخر خطبه‌ای، آشکارا فرمودند: "ای مردم تعظیم و احترام نمایید اهل بیت مرا (ع) در زندگی من و بعد از من،..." (فقیه محمدی: ۱۳۷۸، ص ۵۲). یکی از ویژگی‌های اجتماعی مردم تهران نیز توجه فراوان به شعایر

مذهبی، بخصوص به اماکن متبرکه و بقاع امامزادگان است.

طبق گزارشی، در گذشته در تهران و اطراف آن بیش از چهارصد امامزاده و بقعه متبرکه وجود داشته است (شهری: ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۲۹). به طوری که هر یک از محله‌های تهران یا دارای امامزاده‌ای مخصوص به خود بوده یا نزدیک به امامزاده و زیارت گاهی مقدس قرار داشته است. براساس تحقیقات انجام شده تا دوره برپایی حصار شاه طهماسبی در محدوده تهران، ۱۶ امامزاده و زیارتگاه مقدس وجود داشته است که به شرح ذیل نام برده شده‌اند:

امامزاده یحیی واقع در مشرق تهران، امامزاده زید در جنوب، بقعه سید نصرالدین در جنوب غربی، بقعه سید اسماعیل در جنوب شرقی، بقعه سید ولی در بازار، بقعه سید ابراهیم در گود زنبورک خانه، امامزاده سید اسحق در خیابان ناصریه کوچه خدابنده‌لوه، امامزاده روح‌الله بن موسی الکاظم در خیابان باب همایون، بقعه هفت تن در بازار پایین چهارسوق بزرگ، بقعه چهل تن در بازار میان چهارسوق بزرگ و سید اسماعیل، زیارتگاه پیر عطار در عودلاجان محله کلیمیان، بقعه کوچک هفت دختران در سرچشمه نزدیک تکیه رضاقلی خان، سقاخانه نوروزخان واقع در جلوخان شمالی مسجد شاه و احتمالاً با سابقه‌ی پیش از تاریخ، بقعه امامزاده غیبی که با ساختن میدان سپه از میان رفت، بقعه سید ملک خاتون، و امامزاده اهل بن علی. همچنین در ذیل همین تحقیق تعداد سقاخانه‌های مهم تهران در این دوران، سه باب ذکر شده است (تکمیل همایون: ۱۳۷۷، ص ۱۴۴-۱۴۳).

از تحقیق میدانی که در مورد تعدادی از اماکن متبرکه تهران به عمل آمده، چنین استنباط می‌شود که از قدیم‌الایام اکثر آنها در مجموعه بناهای خود، واجد آب خوری‌هایی، هر چند کوچک و محقر بوده‌اند. ولی اکنون مدتهاست که آب لوله‌کشی و آب سردکن‌های برقی، این وظیفه را عهده‌دار گشته‌اند و به همین علت از چگونگی وضعیت اولیه آنها اطلاع چندانی در دست نیست. همچنین اکثر سقاخانه‌های

منسوب به این بقاع متبرکه، که به هدف استعانت از موکلان مقدس این اماکن بنا شده بودند؛ در کوچه‌های اطراف و جنب این زیارتگاه‌ها قرار داشته‌اند که متأسفانه در نتیجه تغییر بافت محله‌ها و کوچه‌های اطراف، اغلب این سقاخانه‌ها ویران شده و به تدریج نیز به فراموشی سپرده شده‌اند. به طوری که امروزه حتی کمتر نامی از آنها باقی است. نظر به شهرت نسبی بعضی از این اماکن، در این قسمت از بحث، براساس مدارک موجود به شرح چگونگی وضعیت تعدادی از سقاخانه‌های منسوب به این زیارتگاه‌ها، پرداخته می‌شود.

سقاخانه بقعه امامزاده سید اسماعیل (س)

از نمونه سقاخانه‌های منتسب به بقاع امامزاده‌های تهران، می‌توان به سقاخانه امامزاده سید اسماعیل (س) واقع در جنب بازار سید اسماعیل - غرب خیابان سیروس - اشاره کرد. بقعه این امامزاده‌ی محترم در محوطه‌ی منسوب به فضای کنونی بازار بزرگ تهران، قرار گرفته و از دیر باز مریدان فراوانی برای زیارت به این آستانه مبارک مراجعه می‌کرده‌اند. یکی از دلایل احداث بازار سید اسماعیل، نیز احتمالاً وجود بقعه مبارک همین سید جلیل‌القدر بوده است.

سقاخانه کوچک و محقر منسوب به امامزاده سید اسماعیل (س) که ظاهراً قدمتی بیش از ۶۰ سال دارد، در جنب بازار سید اسماعیل، قرار دارد و امروزه نیز دارای مریدانی است که گهگاه شمعی چند به نذر در پای آن می‌افروزند. سال خورددگان محلی بایبانی نه‌چندان دقیق اشاره دارند به این که قبلاً سقاخانه کوچک دیگری نیز با همین نام، در مجاورت در ورودی بقعه‌ی امامزاده سید اسماعیل (س) وجود داشته که مدتهاست ویران شده است. امروزه در صحن حیاط بقعه این امامزاده، آب سردکن نسبتاً بزرگی مشاهده می‌شود که بعید نیست جایگزینی برای این سقاخانه احتمالی بوده باشد.

به هر حال، آب سقاخانه کنونی منسوب به امامزاده سید اسماعیل (س)، از شیریه که به آب لوله کشی شهر متصل است، تأمین می‌شود. همچنین آب سردکنی فلزی در فضای داخلی آن، پذیرای مهمانان تشنه لب این سقاخانه است.

سقاخانه‌ی بقعه‌ی امامزاده سید نصرالدین (س)

از دیگر بقاع متبرکه امامزادگان تهران، حرم مطهر حضرت سید ناصرالدین (س) - که در میان عوام به سید نصرالدین (س) شهره است - واقع در ضلع غربی خیابان خیام است. متأسفانه قسمتی از صحن وسیع این مکان مقدس در جریان خیابان‌کشی‌های زمان رضاخان پهلوی، داخل خیابان شده است به طوری که امروزه مقبره این بقعه در سمتی و حجرات آن در طرف مقابل خیابان قرار گرفته‌اند (شهری: ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۲۷).

در باب وجود یا عدم وجود سقاخانه‌ای مستقل در صحن این بقعه، اطلاع دقیقی در دست نیست. ولی در کوچه‌های اطراف این مکان مقدس، با فواصل نه چندان زیاد سقاخانه‌های متعددی مشاهده می‌شود که هنوز هم مورد عنایت اهالی محل هستند. چنان که گذشت تغییر یافت در کوچه‌های اطراف این بقعه متبرکه، مشکل بزرگی در بررسی سقاخانه‌های منسوب به این مکان ایجاد نموده است. طبق اظهارات تعدادی از اهالی کهن سال محله، قبلاً درون کوچه‌ای جنب این بقعه، سقاخانه کوچکی و محقری برای استفاده‌ی زایران تدارک شده بود که اکنون مدتهاست ویران شده است. البته سقاخانه‌ای موسوم به ابوالفضل (س)، در کوچه شهید مشتاقی و در فاصله‌ای نه چندان دور از ضلع جنوبی این بقعه قرار دارد که گاه منسوب به این بقعه متبرکه خوانده می‌شود. در مورد این سقاخانه در بحث سقاخانه‌های دایره تهران مطالب بیشتری خواهد آمد.

سقاخانه بقعه‌ی امامزاده زید

بقعه‌ی تبرک امامزاده زید (س)، از دیگر اماکن زیارتی تهران است که امروزه در محوطه بازار بزرگ تهران قرار گرفته است. این مکان مقدس نیز از زمان‌های دور مورد عنایت اهالی تهران بوده به طوری که از محله‌های دور و نزدیک به شوق زیارت، به این مکان متبرک آمده و طلب نیاز می‌کردند.

امروزه سقاخانه منسوب به این امامزاده عظیم‌الشان نیز در خارج و در فضای کوچکی جنب ضلع شرقی صحن این مکان مقدس قرار گرفته است. این سقاخانه محقر، نمایی بسیار ساده داشته و در فضای کوچکی حاصل از تورفتگی دیوار صحن، جای گرفته است. این مکان در حال حاضر جز آب سردکنی برقی، که تقریباً تمامی فضای آن را اشغال کرده و درگاهی متشکل از نرده‌های فلزی نسبتاً ساده، مسخسه تزئینی دیگری ندارد. چند جام آبخوری ساده که به آبسردکن این سقاخانه زنجیر شده‌اند نیز در شمار دیگر تجهیزات مربوط به این سقاخانه هستند.

سقاخانه بقعه‌ی امامزاده یحیی (س)

سقاخانه‌ی امامزاده یحیی (س) که از جمله سقاخانه‌های قدیمی مشهور تهران نیز قلمداد می‌شود، به اعتبار حرم مطهر امامزاده یحیی (س) و برای رفاه زائران این مکان مقدس، بنا شده بود. البته در ابتدا سقاخانه فوق، نزدیک آب انبار این امامزاده محترم قرار داشت که با آمدن آب لوله‌کشی و بلا استفاده ماندن آنها، ابتدا آب انبار و سپس سقاخانه ویران گشته و تغییر کارکرد یافتند. مساحت این سقاخانه که در بخش ۹ تهران قدیم - محله عودلاجان - قرار داشت، ۴ مترمربع ذکر شده است (حسینی بلاغی: ۱۳۵۰، ص ۲۰۸-۲۰۵ ط).

چنانکه گذشت از مهمترین دلایل اعتبار این سقاخانه، انتساب آن به بقعه‌ی متبرکه امامزاده یحیی (س) و امامزاده محمد (س)، از نوادگان امام زین‌العابدین (ع)

است (مشکواتی: ۱۳۴۹، ص ۱۹۷). مرقد مطهر این امازادگان از قدیم‌الایام مورد عنایت و احترام مردم تهران بوده است. باید اضافه کرد که این دو نواده‌ی بزرگوار امام سجاد (ع)، در عهد مهتری عباسی (۲۵۵-۳۵۶ ه.ق.)، در همین مکان به شهادت رسیده‌اند. بعدها که تهران صورت شهری یافت، این منطقه نیز به صورت یکی از نقاط پرجمعیت و پر رفت و آمد تهران درآمد (حسینی بلاغی: ۱۳۵۰، ص ۲۰ م). بنای قدیمی و مفصل بقعه امام زاده یحیی (س) شامل صحن وسیع، مسجد، ایوان، رواق، ضریح، حرم آئینه کاری، سرداب، گنبد کاشی مخروطی شکل، سقاخانه، و سایر ساختمان‌های رفاهی بوده است (تصویر ۱۳). ساختمان اصلی بنا به دوره مغول نسبت داده می‌شود و به اتفاق سایر قسمت‌ها، جزء آثار تاریخی تهران ثبت شده‌اند (مشکواتی: ۱۳۴۹، ص ۱۹۷). متأسفانه به دلیل ویرانی سقاخانه، اطلاع چندانی در رابطه با نام واقف، زمان ساخت، مشخصات و چگونگی بنای آن در دست نیست. فقط همین قدر روشن گردیده که سقاخانه فوق، از اجزاء و ملحقات اصلی بنای این آستانه مطهر به شمار می‌رفته است.

سقاخانه در سایر بقاع متبرکه‌ی تهران

چنانکه گذشت تعداد بقاع متبرکه‌ی موجود در محدوده تهران بسیار زیاد بوده است. ولی برای مطالعه‌ی چگونگی و قدمت سقاخانه‌های مربوط به این اماکن باید توجه داشت که: اولاً تعدادی از این اماکن پس از توسعه شهر تهران داخل این محدوده شده‌اند و طبعاً بناهای اطراف آنها دچار تغییرات بسیاری شده است. ثانیاً تعدادی از اماکن متبرکه موجود در محدوده تهران قدیم نیز در نتیجه‌ی عملیات توسعه و شهرسازی، به کلی ویران گردیده‌اند. مضاف بر اینها، تغییر بافت سریع محلات تهران هم چنان که گذشت؛ ویرانی و تغییر کارکرد گروه دیگری از این سقاخانه‌ها را موجب گشته است. همین ملاحظات، دشواری‌های فراوانی را در روند

تحقیق در مورد سقاخانه‌های منسوب به اماکن متبرک تهران، ایجاد کرده‌اند. لذا در ادامه بحث، تا حد امکان به ارائه گزارشهای کوتاه دیگری در مورد تعدادی از این سقاخانه‌ها، پرداخته خواهد شد.

- در فاصله‌ای نه چندان دور از بقعه‌ی امامزاده ابراهیم (س) واقع در گود زنبورک خانه، سقاخانه‌ی کوچک و محقری وجود دارد که متروک و بدون آب مانده است. این سقاخانه، از تورفتگی مختصری در دیوار خانه مجاور مسجد پدید آمده است. احتمالاً تمسک به این بقاع متبرک یکی از دلایل احداث این سقاخانه بوده است. به نظر می‌رسد که امروزه این مکان، کارایی چندانی نداشته و عن قریب است که چون دیگر اسلاف خود، در شرف ویرانی قرار گیرد.

- گویا امامزاده روح‌الله بن موسی الکاظم (س)، واقع در خیابان باب همایون نیز سقاخانه‌ای داشته است. لیکن به علت تغییرات شدید بافت محله و خیابان‌های اطراف امامزاده، جستجو برای یافتن سقاخانه‌ی منسوب به آن، بی‌نتیجه ماند. با این حال آب سردکن‌های متعدد در کنار دکان‌های اطراف این بقعه، سابقه وجود چنین سقاخانه‌ای را تا حدودی تأیید می‌کند.

- در مقابل بقعه‌ی امامزاده سید اسحاق (س) در کوچه خداپسندلو، سقاخانه‌ای موسوم به سقاخانه‌ی ناظم‌الرعایا مشاهده شد، که ظاهراً برای همین مکان متبرک، بنا شده است. این سقاخانه که قدمتی بیش از ۶۰ سال دارد؛ چندی است به دلیل بی‌توجهی مسئولان رو به ویرانی گذاشت است. این سقاخانه قسمتی از موقوفه‌ی شخصی به نام ناظم‌الرعایا است که در جنب خانه مسکونی وی قرار گرفته است. تزیینات کاشی زیبای این بنای کوچک، گویای دوران عزت و گذشته‌ی افتخارآمیز آن است (تصویر ۱۴). بنای سقاخانه فوق به همراه مجموعه‌ی بناهایی که شامل خانه مسکونی، آب انبار و حمام - که امروزه به صورت تعدادی کارگاه درآمده‌اند - می‌شود فعلاً به دلیل مخدوش ماندن وضعیت مالکیت و اجاره آن از سوی سازمان اوقاف

تهران، چندان قابل بهره‌برداری نیست. آبگیر این سقاخانه هم مدتی است که بسته شده است. در هنگام بررسی، فقط چراغی روشن و بیرقی چند، از درون پنجره بسته‌ی این سقاخانه نیمه متروک پذیرای گروه اندک متوسلان به موکل این مکان مقدس بود.

- در مورد بقعه‌ی امامزاده معصوم (س) و نیز امامزاده حسن (س)، در جنوب تهران نیز باید گفت که با وجود آب سردکن‌های متعدد و سقاخانه‌های موقتی و سیار فراوان کوچه‌های اطراف این اماکن متبرکه؛ سقاخانه‌ای خاص و منسوب به این بقاع متبرک مشاهده نشد. البته تمامی آب سردکن‌ها و منبع‌های سقاخانه‌های موقتی این محله - به خصوص در ایام عزاداری - دارای تزییناتی متنوع به نشانه‌ی توسل و استعانت از موکل آب حضرت ابوالفضل (س) و حضرت امام حسین (ع) هستند.

- در نزدیکی و درون بقعه سید ولی، واقع در بازار ارسی دوزها نیز سقاخانه‌ای مشاهده نشد و حافظه‌ی اهالی - که اکثراً به تازگی در این اطراف ساکن شده‌اند - خاطره‌ای از وجود چنین بنایی را هم به دست نداد.

- از دیگر سقاخانه‌های بقاع متبرکه‌ی تهران می‌توان به سقاخانه نوروزخان اشاره کرد که نظر به قدمت و اهمیت آن در جایی دیگر با تفصیل بیشتر بدان پرداخته خواهد شد. ضمناً در باب وجود سقاخانه در سایر بقاع مورد بررسی تهران نیز به دلیل تغییرات بافت محله‌ها و نیز احتمال جایگزینی منبع‌های سقاخانه‌های موقتی و دستگاه‌های آب سردکن، نتیجه قابل استنادی به دست نیامد.

سقاخانه‌های معیر

به طوری که از منابع کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی بر می‌آید، در تهران چندین سقاخانه وجود داشته که به نام سقاخانه معیر نامیده می‌شده‌اند. یکی از این سقاخانه‌ها که در کتاب تاریخ تهران نیز به عنوان نمونه‌ای از سقاخانه‌های مشهور تهران، از آن یاد

شده، سقاخانه منسوب به نظام‌الدوله معیر است. چنان که آورده‌اند بانی این سقاخانه، دوستعلیخان معیرالممالک نظام‌الدوله ثانی [تولد به سال ۱۲۳۶ ه.ق.] است. که پس از پدر، در سال ۱۲۷۴ شغل او را یافت و در سال ۱۲۸۸ وزیر مالیه گردید. او از ناصرالدین شاه منصب و لقب معیری را گرفت. وفات وی به سال ۱۲۹۰ هجری قمری گزارش شده است (حسینی بلاغی: ۱۳۵۰، ص ۱۸۹ م).

از معیرالممالک موقوفاتی چون مدرسه، مسجد، آب انبار و سقاخانه، که همگی به نام خودش موسوم‌اند، به جای مانده است. این رقبات به مساحت هزار و ششصد و هشتاد و نه متر، به پلاک ۳۵۶ واقع در بخش پنج تهران [حوالی خانی‌آباد]، ثبت گردیده‌اند. البته گویا این رقبات ذیل وقف مدرسه‌ای جهت تحصیل علوم دینی و لوازم آنان وقف شده، و تاریخ وقف آنها و همچنین سقاخانه، قبل از ۱۲۹۰ هجری قمری است (حسینی بلاغی: ۱۳۵۰، ص ۱۸۹ م).

بررسی میدانی که در رابطه با این اماکن به عمل آمد، معلوم داشت که سقاخانه آن - که گویا در جنب مسجد معیرالممالک قرار داشته - مدت‌هاست که ویران شده است. ولی بنای مسجدی بزرگ و نیز حمام موقوفه‌ای به نام معیرالممالک در وضعیت نسبتاً مطلوبی، در کوچه‌ای موسوم به آب انبار معیر منشعب از خیابان خیام، هنوز پذیرای مراجعین است. ضمناً این موقوفات در نزدیکی بقعه‌ی امامزاده سید ناصرالدین (س)، قرار دارند.

مناسب است که در اینجا از دو سقاخانه‌ی دیگر تهران که به همین نام موسوم‌اند و حین پژوهش میدانی در محله‌های تهران مشاهده شدند، شرحی آورده شود.

سقاخانه معیر، کوچه‌ی احمدیان

از دیگر سقاخانه‌های منسوب به معیرالممالک، سقاخانه‌ای واقع در بازارچه شاپور - بازارچه معیرالممالک - کوچه‌ی عبدالله احمدیان است، که امروزه جزء دو

قطعه کاشی نقش‌دار بر دیوار معبری تازه باز شده (تصویر ۱۵)، چیزی از آن باقی نمانده است. به طوری که از گفتار مردم پیداست، سقاخانه فوق چون بازارچه و تعدادی از مغازه‌های آن، موقوفه‌ی معیرالممالک بوده‌اند.

قدمت این سقاخانه بیش از ۷۰ سال تخمین زده می‌شود و مردم محلی، حتی برای اندک آثار به جای مانده از آن احترام بسیاری قایل هستند. گویا این مکان شامل یک دکان یک بابی در دو طبقه بوده است، که در طبقه بالای آن تا همین اواخر متولی آن که شخصی به نام اسداله خان اناری بوده، سکونت داشته است. پس از فوت وی، گروهی ناشناس به بهانه‌ی گشاد کردن معبر کنار سقاخانه، اقدام به خراب کردن سقاخانه و اتاقک بالای آن می‌کنند و از آن به بعد هم دیگر این سقاخانه بازسازی نمی‌شود. با این حال گفته می‌شود، هنوز هم گروهی از مردم مخلص، در شب‌های عزاداری، در کنار کاشی‌های زیبای به جای مانده از این سقاخانه، که مزین به تمثال‌هایی از ائمه (ع) است، شمع می‌افروزند.

سقاخانه معیر، کوچه‌ی شهید معیر

سقاخانه‌ی دیگری که آن نیز به سقاخانه‌ی معیر شهرت دارد، در همین محله و با فاصله‌ای نه چندان دور نسبت به سقاخانه فوق، در کوچه‌ای موسوم به شهید معیر قرار دارد. بنای این سقاخانه، نسبتاً جدید به نظر می‌رسد و در واقع مرمت و بازسازی شده سقاخانه‌ای است که قدمتی بیش از ۶۰ سال را در اذهان اهالی به یادگار دارد (تصویر ۱۶). بانی اولیه‌ی این سقاخانه متأسفانه مشخص نیست، ولی در سال‌های اخیر توسط شخصی به نام سید محمد نصیری از محترمین محل، بازسازی شده و دارای آب لوله‌کشی شده است. بنای آجری و مکعبی شکل این سقاخانه، که به گونه‌ای تقریباً مستقل از بناهای اطراف ساخته شده، شامل اتاقک نسبتاً بزرگی است که سطح داخلی آن، با لایه‌ای از گچ اندود شده و سطح خارجی بنا ضمن اینکه به رنگ آبی درآمده، در زیر ازارهِ سقف، واجد کتیبه‌ی کاشی سفید رنگ در زمینه‌ی لاجودی

بوده که دور تا دور بنا - لااقل در دو وجهی که به بناهای اطراف اتصال ندارد - کشیده شده است. سقف این بنا، ساده و مسطح است و لبه ازاره آن نیز با قطعه سنگ‌های تخت و ساده‌ای پوشانیده شده است. این سقاخانه در هنگام مشاهده، مأمن پیر مردی بود که به دلیل نداشتن منزل، از آن به عنوان اطاقکی نه چندان ایمن از سرما و کرما استفاده می‌کرد و به همین دلیل آبخوری آن قابل استفاده نبود.

سقاخانه‌ی نوروزخان

سقاخانه‌ی نوروزخان واقع در جنوب خیابان بوذرجمهری، در سر راهی که به بازار حلبی‌سازها و مسجد جامع می‌رفت، قرار داشت (حسینی بلاغی: ۱۳۵۰، ص ۲۰۸ ط). این سقاخانه از معروف‌ترین و مفصل‌ترین سقاخانه‌های تهران قدیم است (نجمی: ۱۳۶۷، ص ۲۸۶). این مکان در حال حاضر شامل یک باب دکان است که به سقاخانه‌ای بزرگ و مفصل تخصیص یافته و به واسطه پلکانی در جنب آن به طبقه فوقانی مسجد مشرف به آن، راه دارد (کریمان: ۱۳۵۶، ص ۱۶۱). سقاخانه فعلی به جای سقاخانه‌ای که پیش از احداث خیابان بوذرجمهری در زیر بازارچه معروف به نوروزخان واقع بود، ساخته شده و بازارچه فوق نیز از محل کوچه جنب سقاخانه‌ی فعلی به سوی جلوخان مسجد شاه سابق - مسجد امام فعلی - امتداد داشته است (مصطفوی: ۱۳۶۱، ص ۸۲). از مهمترین دلایل شهرت بسیار این سقاخانه، وجود جایای سنگی واقع در آن است، که بسیار متبرک دانسته شده و این مکان را به صورت یکی از زیارتگاه‌های پرباشی تهران در آورده است. چنان که در بحث بقاع متبرکه تهران نیز آورده شد، این مکان به عنوان یکی از اماکن متبرکه‌ی تهران شناخته شده که تا قبل از برپایی حصار شاه طهماسبی هم در این شهر وجود داشته و مورد توجه و استقبال عمومی اهالی بوده است (تکمیل همایون: ۱۳۷۷، ص ۱۴۲).

وضعیت اولیه‌ی سقاخانه:

بنای این سقاخانه به نام نوروزخان ایشیک آقاسی، بانی آن شهرت دارد. نوروزخان پسر الهوردی خان عزالدین لوی قاجار، از یاران محمد حسن خان قاجار بود (اعتماد السلطنه: ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۸۵۸). وی در دوره سلطنت فتحعلی شاه قاجار، سمت ایشیک آقاسی باشی - رئیس تشریفات - و حاجب باری او را داشته است. از آثار منسوب به این شخصیت، تکیه‌ی نوروزخان، سقاخانه‌ی نوروزخان و حمام نوروزخان، در تهران بوده که حمام آن خراب و به کلی از میان رفته، ولی آثاری از تکیه و سقاخانه‌اش تا مدت‌ها پایدار مانده و به نام او شهرت داشته است (بامداد: ۱۳۴۷، ج ۳، ص ۳۹۴). البته گاهی تکیه‌ی نوروزخان را تکیه‌ی حسام السلطنه نیز می‌خوانند، که منظور حسام السلطنه سلطان مراد میرزا^(۱)، است که خانه‌های وسیع او نزدیک سقاخانه نوروزخان و در حقیقت در اول محله بازار، قرار داشت. وی عموی ناصرالدین شاه و فاتح هرات بود (حسینی بلاغی: ۱۳۵۰، ص ۵۲ ط) و به عقیده‌ی آقای حسینی بلاغی، بنای تکیه‌ی نوروزخان واقع در قرب مدرسه آصفیه، از حسام السلطنه است (همان، ص ۸۰ ط).

اینکه چرا این گونه اماکن خاص برای تکیه و سقاخانه در نظر گرفته می‌شده، چنان که قبلاً نیز گذشت ریشه‌ای قدیمی‌تر از زمان نوروزخان و قاجاریه داشته است، به طوری که به عقیده‌ی آقای کریمان به احتمال زیاد، بیشتر این آثار متعلق به روزگاری است که تهران صورت دیه داشته و شاید که اصل و منشأ پاره‌ای از اماکن متبرکه تهران، حتی به روزگار پیش از اسلام دیه طهران نیز برسد (کریمان: ۱۳۵۶، ص ۱۶۱).

۱- حسام السلطنه سلطان مراد میرزا پسر عباس میرزا نایب السلطنه، متولد در سال ۱۲۳۳ و متوفی به سال ۱۳۰۰، وی فتنه سالار را در سال ۱۲۶۵ دفع نمود، هم اوست که هرات را در سال ۱۲۷۲ فتح کرد و در سال ۱۲۷۳ والی فارس گردید، در سال ۱۳۰۰ هنگامی که مجدداً نامزد ایالت خراسان شده بود، در تهران وفات یافت (حسینی بلاغی: ۱۳۵۰، ص ۱۲۸ ط).

به هر تقدیر قدمت سقاخانه، آرایه‌بندی‌های بنا، و تزیینات داخلی سقاخانه، به همراه جایای سنگی آن، سقاخانه نوروزخان را در سراسر شهر تهران مشهور کرده بود. دیر زمانی بود که مردم این شهر از نقاط دور و نزدیک، برای زیارت جایای سنگی این سقاخانه، گرد می‌آمدند و در پای آن مراد خواسته و شمع می‌افروختند و نذر و نیازی می‌کردند.

موقعیت کنونی سقاخانه

سقاخانه‌ی نوروزخان تا زمان سلطنت رضاخان پهلوی، برپا بود. به هنگام ساختن خیابان بوذرجمهری بود که بازارچه و سقاخانه نوروزخان را تخریب کرده، جزء خیابان کردند و نظر به ارادت شدید مردم، به جای آن، سقاخانه‌ی دیگری در جبهه‌ی جنوبی خیابان بوذرجمهری و در مشرق جلوخان شمالی مسجد شاه سابق - و مسجد امام فعلی - ساختند (تصویر ۱۷). سقاخانه‌ی کنونی بنای تازه‌ای است که آن را به اعتبار سقاخانه قدیم نوروزخان، به آن نام می‌خوانند (بلوکباشی، ص ۱۵). این بنای جدید، در ابتدا به همت سید کمال شیخ رضایی، مشهور به آقا سید کمال ناظم مجلس دارالشورای ملی، که برادر حضرت شمس العرفا نیز بود، در سال ۱۳۶۳ هجری قمری بازسازی شده است. در جنب سقاخانه‌ی فوق نیز مسجد و مأذنه‌ای، بنا شده که شبستان آن تا پشت بام سقاخانه امتداد داشته و هنوز هم آباد و پررونق است (مصطفوی: ۱۳۶۱، ص ۸۲).

به طوری که اشاره شد، سقاخانه‌ی نوروزخان بسیار مورد توجه ساکنان تهران بوده، و مردم از نقاط دور و نزدیک برای طلب نیاز بدان روی آورده، و متوسل به موکل آن می‌شدند. زمانی هم که سعی شد تا مردم را از توسل به آن منع کنند، با این که پنجره‌های آن را آهنی کردند، قفل‌هایی به درش زدند (تصویر ۱۸) و از استفاده از آب آن جلوگیری کردند؛ باز مردم همچنان بدان توسل می‌جستند و نذورات خود را به

داخل آن می‌ریختند (شهری: ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۱۲۷). نظر به این توجه و استقبال بود که کم‌کم تمهیداتی فراهم کرده و آب آن را به صورت بهداشتی در آوردند؛ ولی پنجره‌های آهنی همچنان باقی ماند. این سقاخانه به صورت یکی از مشهورترین سقاخانه‌های تهران، حیات اجتماعی خود را تا به امروز ادامه داده و همچنان استوار و پررونق باقی مانده است.

طبق گزارش محققان در جریان خیابان کشی و تخریب بنای قبلی سقاخانه‌ی نوروزخان، جاپای سنگی آن مفقود شد. احتمال داده می‌شد که جای پا، در زیر خیابان مانده باشد. ولی براساس مشاهدات اخیر از این سقاخانه، جاپای سنگی در بنای در حال بازسازی و نوسازی سقاخانه مشاهده شد. امروزه این جاپای سنگی، در حالی که به رنگ طلائی مزین شده و در قابی سنگی جای گرفته است، با ابهتی هر چه تمامتر بر دیوار داخلی و در مقابل پنجره‌ی سقاخانه جلب توجه می‌کند. البته ترک‌هایی چند نیز بر سطح این جاپای سنگی به چشم می‌خورد (تصویر ۱۹).

از جمله سایر تزیینات بنای در حال بازسازی سقاخانه‌ی نوروزخان، می‌توان به آئینه‌کاری‌ها و تزیینات کاشی‌کاری زیبای آن اشاره کرد (تصاویر، ۱۷ الی ۲۰). چنانکه مشاهده می‌شود هیأت این سقاخانه در جریان نوسازی، تغییرات کلی یافته و از کتیبه‌های کاشی و نیز کاشی نگاره‌ی زیبای سقاخانه‌ی قدیمی، اثری باقی نیست. ضمناً باید اضافه کرد که این سقاخانه در گذشته شمع‌خانه‌ای نسبتاً مفصل داشته که به جهت استقبال بسیار مریدان آن، به طور دائم روشنی بخش فضای پرفیض آن بوده است (ماسه: ۱۳۵۵، ص ۴۰۳). اما امروزه از این شمع‌خانه، نشانی باقی نیست مضاف بر این که حتی از افروختن شمع بر لبه‌ی درگاه آن هم - به جز در ایام عزاداری - ممانعت می‌شود.

سقاخانه‌های دیگر تهران

شمار سقاخانه‌های کنونی تهران، با آن که به نظر می‌رسد در این زمان به دلیل تغییر در بافت شهری محله‌های قدیمی از کارایی چندانی برخوردار نباشند؛ رقم نسبتاً قابل ملاحظه‌ای است. گزارشی از کتاب تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، تعداد سقاخانه‌های دایر آن زمان تهران را که در فهرست اماکن عمومی شهر آورده شده، حدود ۴۵ آنگیر ذکر کرده است. البته این تعداد در سال‌های بعد به طور فاحشی تغییر پیدا کرده است. به طوری که گاهی در برهه‌ای از زمان تعداد این سقاخانه‌ها افزایش یافته و زمانی نیز به دلایل گوناگون از تعداد این سقاخانه‌ها افزایش یافته و زمانی نیز به دلایل گوناگون از تعداد آنها کاسته شده است. علت این امر نیز چیزی جز سیاست‌های دول حاکم نبوده است. به این ترتیب که با توجه خاص پادشاهان قاجار نسبت به سقاخانه‌سازی، این مکان‌ها ارزش می‌یابند و حتی تصدی سقاخانه‌ی سلطنتی، به صورت یکی از مشاغل مهم دربار در می‌آید (بامداد: ۱۳۴۷، ج ۱، ص ۲) و لقب "سقاباشی" نیز از القاب مورد افتخار این دوران می‌شود.

ولی در زمان حکومت پهلوی به عکس عمل شده و به دلیل سیاست‌های جاری دولت که شاید تا حدودی نیز در جهت فاصله‌انداختن بین مردم و دیانتشان عمل می‌کرده است، اقدام به بستن و تعطیل کردن تعداد بسیاری از سقاخانه‌ها می‌کنند. لیکن از آنجایی که ساختن بنایی جهت سقایت رایگان مردم، از ضروریات جوامع اسلامی به شمار می‌آمده و حتی جزء قسمتی از فرهنگی ملی مردم ایران محسوب می‌شده است، این عمل کرد دولت با مخالفت‌های مردمی مواجه شده و با کوشش مردم، تعدادی از این سقاخانه‌ها دوباره حفظ و بازگشایی می‌شوند. همچنین با برپایی خیل کثیری از سقاخانه‌های به اصطلاح سیار و موقتی، کمبود، این ضرورت اجتماعی جبران می‌شود.

در این قسمت سعی بر این است تا ابتدا به اختصار، نام و شرحی از شماری دیگر از سقاخانه‌های قدیمی تهران، که در منابع تاریخی و بخصوص مرقومات آقای

حسینی بلاغی آمده، ارائه شود. آنگاه با ارائه‌ی مطالبی در باب وضعیت و چگونگی گروهی از سقاخانه‌های دایر و کنونی تهران، تعداد دیگری از این اماکن که غالباً هم کمتر نامی از آنها در منابع تاریخی رفته و هنوز هم میراث‌دار خاطره این بناهای کوچک مذهبی - خدماتی در اذهان تهرانی‌ها هستند؛ معرفی شوند.

شماری از سقاخانه‌های قدیم تهران:

سقاخانه‌های قدیمی تهران را که ذکری از آنها در منابع تاریخی آمده، به ترتیب احتساب قدمت، به شرح ذیل می‌توان نام برد:

- یکی از این قبیل سقاخانه‌ها که جزء موقوفات عهد آقا محمدخان قاجار در دارالخلافه تهران محسوب می‌شده است، سقاخانه‌ای است که در بخش شش تهران قدیم [محلہ گمرک] قرار داشته، و نام آن نیز در فهرست موقوفات تهران آمده است. این سقاخانه را به جهت استفاده در تعزیه داری حضرت سیدالشهدا علیه السلام وقف کرده بودند. واقف این مکان شخصی به نام حاجی رجبعلی اصفهانی ذکر شده، و تاریخ وقف آن نیز به سال ۱۲۰۳ هجری قمری ثبت گردیده است (حسینی بلاغی: ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۶۵م).

- سقاخانه‌ی تکیه رضاقلیخان واقع در بخش ۹ تهران [عودلاجان] به مساحت هفت متر مربع، از رقبات موقوفه تکیه رضاقلی خان بوده است (همان، ص ۵۹ط). از آنجا که قدمت تکیه‌ی فوق بیش از صد و بیست سال ذکر شده، احتمالاً سقاخانه آن نیز به همین قدمت است. باید اضافه کرد که امروزه سقاخانه و تکیه‌ای نیز به همین نام به نشانی میدان بهارستان، کوچه شهید رضا جاویدی، کوچه سقاخانه، تکیه‌ی رضاقلی خان، وجود دارد که به نظر می‌رسد قدمت بسیاری داشته باشد. متأسفانه بنای این سقاخانه، که در خارج تکیه و جنب خانه‌ای مسکونی و قدیمی قرار گرفته، در حال حاضر وضعیت مساعدی نداشته و در حال ویرانی است.

- سقاخانه‌ای به پلاک ۶۴ واقع در بخش پنج تهران [خانی آباد] که جزیی از موقوفات خانمی به نام میرزا السلطنه بوده و مساحت آن یک متر مربع ذکر شده است (حسینی بلاغی: ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۱۵۵ ش). در مورد قدمت واقعی و وضعیت کنونی این سقاخانه، اطلاع چندانی به دست نیامد؛ فقط همین قدر روشن شد که قدمت این سقاخانه احتمالاً باید بیش از ۹۰ سال باشد و از جمله سقاخانه‌های موقوفه‌ی تهران به شمار می‌آید.

- همچنین در مورد سقاخانه موقوفه‌ی دیگری موسوم به حاج فخرالملک، به مساحت ۹ متر مربع، نیز وضعیتی مشابه فوق وجود دارد. این سقاخانه در بخش ۹ تهران قدیم قرار داشته است (همان، ص ۲۰۸ ط). امروزه از این سقاخانه نیز نشانی بر جای نیست.

- سقاخانه‌ی منسوب به سید عزیز و زرین قلم، با مساحت ۴ متر مربع که در بخش ۲ تهران [محدوده خیابان‌های شاه‌آباد، لاله‌زار و پارک امین‌الدوله]، نیز در شمار دیگر سقاخانه‌های قدیمی تهران محسوب می‌شود (همان جا). قدمت این سقاخانه بیش از ۸۰ سال تخمین زده شده است.

- سقاخانه‌ی کوچه خرقانی‌ها با مساحت ۶ متر مربع، که در بخش ۹ تهران قدیم [عودلاجان] واقع شده بود و نیز سقاخانه کوچه چاپخانه با مساحت ۴ متر مربع در همین منطقه، در شمار دیگر سقاخانه‌های قدیمی تهران آورده شده‌اند (همان جا). در باب قدمت این دو سقاخانه و نیز چگونگی آنها، اطلاع در خوری به دست نیامد.

- سقاخانه‌ی محمود تهرانیان واقع در خیابان نواب جزء بخش ۱۱ تهران، نمونه دیگری از این گونه سقاخانه‌ها است. بانی این سقاخانه شخصی به نام محمود تهرانیان ذکر شده و سال ساخت آن، به طوری که بر کاشی بیرونی آن مرقوم گردیده ۱۳۳۰ هجری قمری است (حسینی بلاغی: ۱۳۵۰، ص ۲۰۸ ط).

- در خاتمه‌ی این فهرست، مناسب است اشاره‌ای نیز به سقاخانه‌ای شود که در

ذیل شمار اماکن خدماتی تهران در سال ۱۳۱۷ هجری قمری آورده شده است. این سقاخانه که به نام "سقاخانه‌ی مشهدی اسماعیل" شهرت داشته، در خیابان دوشان تپه بعد از پارک و عمارت امین الدوله و نیز خانه‌ی شخصی به نام محمد خان، قرار گرفته بود (آمار دارالخلافه تهران: ۱۳۶۸، ص ۳۷۱). در مورد چگونگی و قدمت واقعی این بنا هم اطلاعی در دست نیست.

نمونه‌هایی دیگر از سقاخانه‌های دایر تهران:

این قسمت در واقع گزارشی است مختصر، در باب چگونگی گروه دیگری از سقاخانه‌های دایر و کنونی تهران؛ که براساس مشاهده مستقیم، مصاحبه و جمع‌آوری اطلاعات از افراد مطلع و اهالی سال خورده‌ی محله‌های قدیمی تهران، تنظیم شده است. مراجعات مکرر به سازمان اوقاف تهران و مصاحبه‌ی حضوری با گروهی از این مسئولان، نتوانست کمک چندانی در راه مستندتر شدن این گزارش کند. چرا که طبق اظهارات این مسئولان، اکثر سقاخانه‌های کنونی تهران، فاقد وقف‌نامه و اسنادی در خصوص وقف محل هستند و در این گونه موارد بیشتر به شکل سنتی و موروثی عمل شده و بازماندگان و اهالی محل، خود را تأمین هزینه‌ها و نگهداری از این گونه سقاخانه‌ها همت کرده‌اند. همین دلایل موجب شده تا سال ساخت و نام بنیان اولیه‌ی بسیاری از سقاخانه‌ها، به مرور زمان به دست فراموشی سپرده شود و حتی وضعیت کنونی این اماکن نیز به علت بازسازی‌ها و نوسازی‌های مکرر، نمی‌تواند اطلاعات مفیدی در این موارد ارائه دهد. لذا در ذیل این قسمت تا جایی که مقدور است به شرح چگونگی و وضعیت فعلی گروهی از این سقاخانه‌ها - البته با حفظ ترتیب فهرست الفبایی نام و شهرت مکان پرداخته و در باب بنیان و موقعیت قبلی این بناها نیز به استناد اظهارات افراد محلی، مطالبی چند ارائه خواهد شد.

- سقاخانه‌ی حضرت ابوالفضل (س): چنان که اشاره شد اصولاً فلسفه احداث سقاخانه‌ها ارتباط تنگاتنگی با واقعه‌ی اسفبار عاشورا، به خصوص شهادت حضرت ابوالفضل العباس (س) دارد، که موکل اصلی آب این گونه مکان‌ها نیز شمرده می‌شود. بنابراین سقاخانه‌های متعددی را در تهران می‌توان مشاهده کرد که به نام یا القاب این شخصیت بزرگ شیعه، مسمی گشته‌اند. البته در مورد دیگر سقاخانه‌هایی که به نام‌های دیگری چون نام بانی یا نام محله، کوچه و گذر، شهره هستند نیز در واقع وضعیت به گونه‌ی فوق است، با این تفاوت که شهرت اشخاص یا مناطق مورد نظر، موجباتی برای مشخص کردن این سقاخانه‌ها، از دیگر سقاخانه‌های احتمالی موجود در محله فراهم کرده است و این موضوع به هیچ وجه از اهمیت و ارادت به موکل این مکان‌های مقدس - که دلیل اصلی احداث آنهاست - را کم نمی‌کند. به عنوان نمونه‌هایی چند از سقاخانه‌هایی که به نام یا القاب این سردار بزرگ اسلام شهره هستند، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- سقاخانه‌ی حضرت ابوالفضل (س) واقع در خیابان خیام، کوچه مشتاقی، انتهای کوچه صفری؛ که از نمونه سقاخانه‌های کوچک و محقر تهران است. این سقاخانه که گاه به نام سقاخانه‌ی سید نصرالدین^(۱) نیز خوانده می‌شود، به شکل فرورفتگی مختصر رفی شکلی دیوار آجری خانه مجاور خود است. افراد محلی قدمت این سقاخانه کوچک را حدود ۷۰ سال ذکر می‌کنند. بانی این سقاخانه مشخص نیست و با این که در واقع جزیی از ملک خانه مجاور خود است، ولی فعلاً به صورت مستقل اداره می‌شود و تولیت آن را اهالی محل بر عهده گرفته‌اند. در حال حاضر فضای داخلی این سقاخانه که در طول زمان بارها مرمت شده، پوشیده از کاشی سفید رنگ ساده‌ای است و منبع آب آن نیز از لوله کشی شهری تأمین می‌گردد (تصویر ۲۱). دو

۱- قبلاً به این موضوع در بحث سقاخانه بقعه امامزاده سید نصرالدین (س)، اشاره شد.

دریچه‌ی فلزی ساده، فضای کوچک داخلی سقاخانه را از بیرون حفاظت می‌کنند. به طوری که اهالی محل اظهار می‌دارند در قدیم داخل این مکان، مملو از شمع‌هایی بوده که به نذر روشن گشته و روشنائی دلچسب آن در شب‌های تاریک، بهترین راهنمای رهگذران این کوی بوده است.

- نمونه‌ی دیگری از سقاخانه‌های دایر کنونی تهران که در وضعیت نسبتاً خوبی قرار دارد، سقاخانه‌ای موسوم به سقاخانه‌ی حضرت ابوالفضل (س) واقع در کوچه آب انبار معیر، کوچه مهدویان احدی، به شماره پلاک ۷۰ است. فضای داخلی و دود گرفته این سقاخانه‌ی کوچک، واجد تزیینات گچ کاری و آینه کاری‌های زیبا و ارزشمندی است. چشمه‌ی آب این سقاخانه نیز شامل شیر آبی است که به آب لوله کشی شهری متصل بوده و در فصول سرد سال معمولاً بسته می‌شود. قدمت بنای این سقاخانه را بیش از ۳۵ سال تخمین می‌زنند. بانی خیر این سقاخانه شخصی به نام آقای مشتاقی بوده که بنای آجری سقاخانه فوق، در جنب خانه وی قرار داشته است. در حال حاضر تولیت این بنا برعهده صاحب کنونی خانه است.

- سقاخانه‌ی حضرت ابوالفضل (س) واقع در محله دروازه دولا، بازارچه‌ی سیّد ابراهیم، کوچه آبشار، نیز نمونه دیگری از این قبیل سقاخانه‌ها است. بنای ساده آجری این سقاخانه، دارای پنجره فلزی است که قفل و دخیلی چند بر آن بسته‌اند. قدمت این بنا به قول متقدمین محلی، حدود ۱۰۰ سال تخمین زده می‌شود. البته بنای حاضر در واقع صورت دوباره سازی شده سقاخانه‌ی قدیمی محل است و در حدود ۲۵ سال پیش بنا شده است. در باب مشخصات و تزیینات بنای اولیه این سقاخانه اطلاع چندانی در دست نیست. فقط همین قدر مشخص شده که بنای قدیمی دارای کاشی کاری‌هایی بوده که به دلیل مرور زمان صدمات فراوانی دیده و حین بازسازی به کلی از بین رفته است.

- سقاخانه‌ی باب الحوائج [یا سیّد جزایری] واقع در خیابان امیرکبیر، کوچه‌ی

شهید علی‌رضا جاوید، پلاک ۱۱۸، نمونه دیگری از سقاخانه‌های منتسب به حضرت ابوالفضل (س) است. قدمت این سقاخانه را بیش از ۷۰ سال تخمین می‌زنند. بانی این مکان، جد بزرگ حاج علی اکبر جزایری از معتمدان محل می‌باشد. این سقاخانه به صورت فرورفتگی سرتاسری استوانه‌ای شکلی، به ارتفاع حدود دو متر، در دیوار خانه‌ی مسکونی آقای جزایری است. مصالح این بنا از آجر بوده و جدار فضای داخلی آن با لایه‌های ضخیمی از گچ - که نشان از مرمت‌های مکرر آن دارد - اندود شده است. همچنین قسمت بیرونی و اطراف سردر قوسی شکل این بنا، پوشیده از کاشی‌های کتیبه‌داری، مزین به متونی در باب نام سقاخانه و نیز سلام و ثنای حضرت حسین ابن علی (ع) و اصحاب وی است. نام استاد کاشی‌کار در ذیل این کتیبه‌ها، استاد اسدالله ذکر شده است. گویا قبل از آمدن آب لوله‌کشی، در داخل این سقاخانه، منبع آب فلزی تعبیه گشته بود که به شکل دستی از آب قنات حاج علی‌رضا - بهترین آب آشامیدنی اهالی محل - پر می‌شده است. در حال حاضر این سقاخانه با وجود لوله‌کشی داخل آن، فاقد آب است. پنجره‌ای با نرده‌های آهنین، که قفل و دخیلی چند بر آن بسته‌اند نیز حافظ فضای داخلی بی‌تکلف این سقاخانه است. سینی جاشمعی و تعدادی شمع نیم سوخته‌ی داخل آن، نشان دیگری از ارادت مریدان این مکان است. - شایسته است اشاره‌ای نیز به سقاخانه کاملاً نوسازی شده قمر بنی هاشم، واقع در بازارچه حاج تقی طرخانی - بازارچه شاپور یا قوام‌الدوله سابق - بشود. قدمت وجود این سقاخانه محلی، بیش از ۶۰ سال تخمین زده می‌شود. این بنا در سال‌های اخیر از محل کمک‌های کسبه‌ی محل به طور کامل، نوسازی شده و به ساختمانی آجری، با تزیینات کاشی زیبایی مبدل گشته است (تصویر ۲۲). از اشیای قدیمی واقع در بنای این سقاخانه که - در گذشته خشتی و آجری بوده - اثری باقی نمانده است. در حال حاضر آبگیر آن را یخچال آب سردکنی که موقوفه‌ی خانمی به نام مرحومه خانم شاه محمود است، تشکیل می‌دهد. این سقاخانه در حال حاضر شمع خانه ندارد و

نذورات آن را که معمولاً نقدی است؛ معتمد محل جمع‌آوری و صرف مخارج و هزینه‌های آن می‌کند.

- **سقاخانه‌ی البرز**، که در میدان وحدت اسلامی، خیابان حافظ، خیابان البرز، قرار گرفته سقاخانه‌ای بزرگ است که تقریباً تمام نمادهای مطرح در حماسه‌ی کربلا را در خود دارد. سر در هلالی شکل این بنا، دارای کاشی‌کاری‌های زیبایی است که تا بالای درگاه آجری بنا امتداد یافته است. داخل سقاخانه نیز با کاشی‌های تزیینی زیبایی مزین گشته، و شمایل قاب شده حضرت ابوالفضل (س) هم تکمیل‌کننده این فضای روحانی است. بر سکوی داخلی سقاخانه، منبع فلزی پر از آبی قرار گرفته که آب غالباً خنک آن عطش مراجعان را فرو می‌نشاند. پنجره مشبک این سقاخانه به شکل پنجه دست بزرگی طراحی شده و روی آن با پنجه‌های کوچک و اشکالی چون سپر جنگی تزیین شده است. پرچم‌های عزا با رنگ‌های مختلف و با شعارهایی در تقدیر از شهدای کربلا، از دیگر اجزای تزیینی این سقاخانه هستند. این مکان که یکی از پرطرفدارترین سقاخانه‌های کنونی تهران است؛ به خوبی ارتباط بین فضای سقاخانه‌ها را با مراسم و شبیه خوانی، نمایان می‌سازد.

- **سقاخانه‌ی بهارستان**، واقع در میدان بهارستان، جنب کمیته‌ی امداد، سقاخانه‌ای است نه چندان مشهور. این سقاخانه مدتی است به دلایل نامعلوم بسته شده است. گویا این اقدام از جانب کمیته‌ی امداد - که ساختمان آن در جنب سقاخانه قرار دارد - صورت گرفته است. کاشی‌های آبی و لاجوردی رنگی دور تا دور درگاه این بنای نسبتاً ساده را پوشانیده است و از دور منظره دلنوازی به این مکان می‌دهد. فضای داخلی مکعب شکل این سقاخانه کوچک مشخصه خاصی ندارد.

- **سقاخانه‌ی پامنار**، واقع در سه راه پامنار، سقاخانه‌ی کوچک و ساده‌ای است که تزیین چندانی ندارد. قدمت این سقاخانه حدود ۴۰ سال تخمین زده می‌شود و نام بانی آن نیز چندان مشخص نیست. این سقاخانه در بیرون پنجره فلزی ساده خود

فضایی کوچک برای افروختن شمع دارد. به نظر می‌رسد که بنای آجری سقاخانه مدتهاست که مرمت نشده است. با این حال هنوز گهگاه مردم قفل و دخیلی بر نرده‌های فلزی پنجره‌ی آن می‌زنند و شمعی در آن می‌افروزند.

- **سقاخانه‌ی پل امیر بهادر**، که در کوچه اهلای شیرازی و جنب فروشگاه‌ی به نام پرندگان خوش آواز، قرار دارد. این سقاخانه کوچک و محقر در کوچه‌ای نسبتاً آرام، هنوز محلی مناسب برای مشتاقان و مریدانش است تا شمعی در آن افروخته و طلب نیازی کنند. بنای این سقاخانه قدمتی بیش از ۴۰ سال دارد و در حال حاضر منبع آبی ندارد. اطلاع دقیقی در مورد بانی آن به دست نیامده است.

- **سقاخانه‌ی پلاک ۱۱**، که در خیابان ری، کوچه در دار غربی، نرسیده به سه راه امین حضور قرار دارد. این سقاخانه رفی شکل، شامل فضایی فرو رفته در دیوار خانه مجاور است و قدمتی بیش از ۶۰ سال دارد. سقاخانه مشخصه‌ی تزیینی خاصی ندارد. یک سینی نسبتاً بزرگ، به همراه شمعدان‌های ساده آهنینی که به دیوار داخلی سقاخانه متصل است، شمع‌خانه آن را تشکیل می‌دهد. پنجره نرده‌دار آن بسیار ساده، با طرح ضربدری و در دولنگه تعبیه شده است که تعدادی قفل و دخیل نیز بر آن بسته‌اند. بانی این سقاخانه شخصی به نام عزت‌الله لطفی، صاحب خانه مجاور آن است. طبق اظهارات اهالی قدیمی محل، تا قبل از آمدن آب لوله‌کشی، سقاخانه واجد منبع آن ساروجی بوده که مدتهاست ویران شده و بعد از آن نیز منبع آبی برای آن تهیه نشده است.

- **سقاخانه‌ی پلاک ۲۹**، واقع در خیابان ری، کوچه در دار غربی، بازارچه حمام نواب، کوچه‌ی بی‌دل، از جمله سقاخانه‌های کوچک و رفی شکلی است که قدمتی حدود ۴۰ سال دارد و تزیینات خاصی ندارد. این مکان دودآلود، مدتهاست که مرمت نشده است و امروزه فقط برای افروختن شمع کاربرد دارد. گویا این سقاخانه از ابتدا فاقد منبع آب بوده است. از دیگر مشخصه‌های آن پنجره فلزی ساده و مشبکی است

که فضای داخلی دود گرفته‌ای این سقاخانه را حفاظت می‌کند.

- **سقاخانه‌ی پلاک ۴۰**، واقع در خیابان امیرکبیر، کوچه دکتر اصلانی، جنب مسجد هندی‌های سابق، نیز از جمله سقاخانه‌های رفی شکل است. گویا بانی این سقاخانه شخصی به نام دکتر محتشم اصلانی بوده، که حدود ۹۰ سال پیش سقاخانه را با نیت توسل به بارگاه حضرت ابوالفضل (س)، در جنب خانه مسکونی خود ساخته است. این سقاخانه به صورت سنتی خانوادگی، از طرف فرزندان این خاندان تولید و حفاظت می‌شود. از ویژگی‌های این سقاخانه به جز چشمه‌ی آب آن که مجهز به آب سردکنی برقی است، می‌توان مشبک زیبای پنجره‌های آن را نام برد، که به گونه‌ای شطرنجی طراحی شده و بر هر خانه آن، گل چهار پر زیبایی جای گرفته است. قبل از آمدن آب لوله‌کشی، آبگیر این سقاخانه متشکل از منبع آب فلزینی بوده که به صورت دستی پر می‌شده است.

- **سقاخانه‌ی چهارسو چویی**، در خیابان مولوی، ایستگاه سعادت، تقاطع کوچه شهید غفاری و شهید ذکایی، قرار دارد. بانی آن شخصی، به نام حاج عبدالحمید بوده که در حدود ۶۰ سال پیش این سقاخانه را ساخته است. فضای کلی سقاخانه دکانی شکل است و دارای شمع‌خانه و آب‌سردکنی برقی است. بنای فعلی سقاخانه به دنبال بازسازی‌هایی که در حدود ۸ سال پیش انجام شده؛ به وجود آمده است. در جریان این بازسازی‌ها، ساختمان قدیمی سقاخانه، به همراه حمام و چند مغازه موقوفه‌ی دیگر تخریب شده‌اند؛ ولی در حال حاضر فقط بازسازی بنای سقاخانه به اتمام رسیده است. این سقاخانه، سردری جناقی شکل با تزیینات زیبای آجر و کاشی دارد که کتیبه‌های متعددی، مزین به روایاتی از ائمه (ع)، بر کاشی‌های آن نقش شده‌اند (تصویر ۲۳). درگاه مشبک نسبتاً بزرگی حفاظت‌کننده فضای داخلی این سقاخانه است.

- **سقاخانه‌ی خیابان امام خمینی**، این سقاخانه در خیابان امام خمینی بین

خیابان‌های گلکار و وثوق قرار گرفته است. بانی این مکان شخصی به نام آقای کتابی بوده که قبلاً در همین محله به شغل نجاری و صندوق سازی اشتغال داشته است. قدمت این سقاخانه را حدود ۴۰ سال تخمین می‌زنند و گویا به دلیل توسعه‌ی مترو شهری، احتمال زیادی نسبت به تخریب آن وجود دارد. این سقاخانه کوچک به جز پنجره نرده‌ای فلزی که دخیلی چند بر آن نصب است، مشخصه دیگری ندارد و چنانکه از هیأت کلی این بنا بر می‌آید، مدتهاست که متروک مانده است.

- **سقاخانه‌ی خیابان امیرکبیر**، که بالاتر از حمام گلستان نو قرار گرفته است هم وضعیتی مشابه با سقاخانه فوق دارد. گهگاه مردم برای افروختن شمع بدان مراجعه می‌کنند. محلی‌ها قدمت این سقاخانه را حدود ۴۰ سال ذکر می‌کنند. بانی این مکان به احتمال زیاد، صاحب قبلی خانه مجاور آن بوده است. این سقاخانه فاقد آبگیر است.

- **سقاخانه‌ی خیابان امیریه**، که به نشانی چهارراه قلمستان، تقاطع اصفهان، خیابان شهید مسعود دروس قرار گرفته است. فضای مکعب شکل این سقاخانه در واقع متعلق به خانه مسکونی است که درب سقاخانه، به راهروی ورودی آن باز می‌شود. این سقاخانه پنجره‌ای به طرف خیابان دارد و از این طریق مراجعان تشنه خود را سیراب می‌کنند. قدمت این بنا را حدود ۵۰ سال تخمین می‌زنند. اهالی، بانی سقاخانه را صاحب اولیه‌ی این خانه مسکونی می‌دانند که وظیفه نگه‌داری از آن بعد از وی، بر عهده‌ی فرزنداناش گذاشته شده است. چند قاب عکس قدیمی، حاوی تمثال‌هایی چاپی از حضرت عباس (س)، شمعدانی ساده و چند پارچه مشکی که کتیبه‌های چاپی بر آن نقش شده، از اسباب و آرایه‌های داخلی این سقاخانه هستند. سینی شمعدان این سقاخانه در داخل حیاط کوچک خانه همراه آن قار داده شده و نذر داران برای افروختن شمع به این مکان مراجعه می‌کنند.

- **سقاخانه‌ی خیابان چراغ برق**، که در خیابان چراغ برق و تقریباً مقابل بازار بزرگ تهران قرار دارد. بنای ساده و مکعب شکل این سقاخانه فاقد مشخصه‌ی تزئینی

است. محلی‌ها قدمتی بیش از ۳۰ سال برای این مکان تخمین می‌زنند. بانی این سقاخانه کوچک، صاحب‌خانه مجاور آن است.

- **سقاخانه‌ی خیابان ری**، که در خیابان ری، داخل خیابان شیرمحمد، قرار گرفته است. سقاخانه کوچک و ساده‌ای است که مشخصه‌ی تزئینی چندانی نداشته و فقط شیر آبی در درون آن پذیرای مردم است. بنای این سقاخانه، قدمتی حدود ۴۰ سال دارد. این سقاخانه را می‌توان در شمار سقاخانه‌های رفی شکل تهران محسوب داشت.

- **سقاخانه‌ی خیابان ری**، واقع در کوچه آبشار، روبروی مسجد مهدیه، جنب گرمابه فرشته. این سقاخانه نیز از نمونه سقاخانه‌های رفی شکل است. قدمتی حدود ۴۰ سال دارد. امروزه گهگاه شمعی چند به نیت توسل به موکل سقاخانه، در آن می‌افروزند. بانی خیر این مکان، صاحب اولیه خانه مجاورش بوده است.

- **سقاخانه‌ی خیابان قائن**، واقع در میدان بهارستان، جنب پمپ بنزین خیابان قائن، که از سقاخانه‌های قدیمی و در شرف ویرانی تهران است. از مشخصات برجسته‌ی این بنا، که قدمتی بیش از ۵۰ سال دارد، کاشی نگاره هنرمندانه‌ای است که از شمایل حضرت عباس (س)، که بر دیوار مقابل فضای داخلی مکعب شکل این سقاخانه قرار گرفته است. همچنین سردر تزئینی این بنا نیز دارای آجرکاری‌ها و کاشی‌کاری‌های زیبایی است. تحقیقات محلی در مورد بانی این سقاخانه اطلاع چندانی به دست نداد.

- **سقاخانه‌ی خیابان ملت**، که در کوچه آذر طوس [چراغ‌گاز سابق] قرار گرفته است. هیأت کلی این بنا، فضایی مکعبی شکل است که در پیاده روی خیابان ملت قرار گرفته است. امروزه این ساخانه به تابلوی تبلیغاتی مبدل گشته است. قدمتی که برای این بنای آجری تخمین می‌زنند حدود ۶۰ سال است. امروزه این سقاخانه آب سردکنی با چند شیر آب در پشت پنجره مشبک فلزی خود دارد. در بنای آجری آن

مشخصه‌ی تزئینی دیگری به چشم نمی‌خورد.

- سقاخانه‌ی خیابان مهدی خانی، که در خیابان مهدی خانی، کوچه محمد وزیری (بابل سابق)، بعد از کوچه عروضی، واقع است. قدمت این سقاخانه تازه ساز، حدود ۳۰ سال تخمین زده می‌شود. شکل بنای این سقاخانه مکعبی ساده است و به جز شیر آبی که به لوله کشی شهری وصل است و پنجره‌های نرده‌ای سبز رنگ، مشخصه دیگری ندارد.

- سقاخانه‌ی دماوند، به نشانی میدان امام حسین، خیابان دماوند، جنب بازارچه؛ چند سالی است که به دلیل مجاورت شعبه‌ای از دانشگاه آزاد اسلامی، بر تعداد مریدان آن افزوده شده است. این امر جای بسی امیدواری است چرا که نشانه‌ای از توجه و علاقه نسل جوان، به این گونه یادمان‌ها فرهنگی - سنتی کشور است. محلی‌ها قدمت بنای ساده آجری این سقاخانه را بیش از ۴۰ سال تخمین می‌زنند که البته در طی این زمان چندین بار مرمت شده است. در فضای داخلی این سقاخانه شیر آبی به همراه مکانی برای قرار دادن منبع آن مشاهده می‌شود که گویا از بیش از ۱۰ سال پیش، شیر آب آن بسته و منبع آن خارج شده است. در حال حاضر فقط شمع خانه این سقاخانه محل توجه و توسل مریدان آن، به آستانه موکل و الامقام این مکان است. البته در نزدیکی این سقاخانه به فاصله‌ی چند متر، آب سردکنی نسبتاً بزرگ قرار گرفته که پذیرای مراجعان نسبتاً زیاد خود است. از جمله تزئینات مختصر این سقاخانه می‌توان به کاشی کتیبه‌های دور تا دور درگاه، همچنین پنجره نرده‌ای ساده‌ی آن که به رنگ سبز زیبایی مزین گشته، اشاره کرد.

- سقاخانه‌ی دنگی، واقع در سه راه دنگی، کوچه شهید حسن صادقی، نبش مسجد دنگی. این مکان از جمله سقاخانه‌های کوچک رفی شکل است و فقط شیر آبی تنها درون فضایی ساده، پذیرای مریدان آن است. قفل‌ها و دخیل‌های بسته شده به پنجره فلزی این مکان کوچک و محقر، نشان از توسل و اعتقاد به حاجت‌روایی این

سقاخانه در نزد مردم دارد.

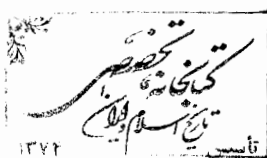
- سقاخانه دباغ‌ها، که در بازار مولوی، کوچه ابن سلطان، قرار گرفته است. این سقاخانه نیز وضعیتی کاملاً مشابه سقاخانه فوق داشته و قدمت این هر دو مکان را حدود ۵۰ سال تخمین می‌زنند.

- سقاخانه زیر بازارچه‌ی نایب آقا، که در میدان وحدت اسلامی، خیابان شهید فروش، کوچه شهید محمودیان و زیر بازارچه قرار گرفته است. این سقاخانه که امروزه جنب نانوايي محل قرار دارد، از جمله سقاخانه‌های قدیمی تهران محسوب می‌شود. افراد محلی قدمت این مکان را حدود ۱۰۰ سال تخمین می‌زنند. فضای داخلی این سقاخانه دکانی شکل است و گویا در قدیم، تگری سنگی - که احتمالاً سنگاب ساده‌ای بوده - منبع آب آن را تشکیل می‌داده است که امروزه اثری از آن موجود نیست. در حال حاضر شیر آبی متصل به آب لوله کشی شهری، چشمه آب این سقاخانه را تشکیل می‌دهد. این سقاخانه شمع خانه ندارد و مریدان آن شمع‌های نیاز شده‌ی خود را روی سکوی جلوی پنجره نرده‌ای زیبای آن می‌افروزند. نذورات مردم به این مکان بیشتر به صورت نقدی است که در داخل سقاخانه ریخته شده و هر چند یک بار توسط تولیت آن، جمع‌آوری و صرف مرمت و دیگر مخارج این سقاخانه و احتمالاً افراد نیازمند می‌شود. در هنگام بازدید، پرچم‌های عزرا و پارچه‌های مشکی، به مناسبت عزاداری‌های ماه محرم، سراسر فضای داخلی و بیرونی سقاخانه را پوشانیده بود. در مورد بانی اولیه این مکان اطلاع دقیقی در دست نیست و فعلاً کسبه‌ی محل، تولیت و نگه‌داری از این سقاخانه را به عهده دارند.

- سقاخانه سعادت؛ این سقاخانه از زیباترین و مفصل‌ترین سقاخانه‌های دایر تهران است که در خیابان فروش [خیابان مهدی خانی] منشعب از میدان وحدت اسلامی، نبش کوچه‌ی سعادت، به شماره پلاک ۲۲۹، واقع شده است. این سقاخانه در محل، به نام سقاخانه عزیزخان نیز شهرت داشته و بسیار مورد توجه مردم محله‌های

دور و نزدیک است. اخیراً این مکان توسط کارشناسان سازمان میراث فرهنگی کشور، مرمت و حفاظت شده است. اهالی، قدمت بنای اولیه‌ی این سقاخانه را بیش از ۲۰۰ سال ذکر می‌کنند. از جمله‌ی تعداد بسیارِ تزیینات زیبا و قابل توجه این بنا، که شامل کاشی‌کاری، آینه‌کاری، تزیینات آجری زیبا، حجاری و غیره هستند، می‌توان به کتیبه‌ای سنگی، که براساس اظهارات مردم، تاریخ ساخت آن بسیار جدیدتر از قدمت خود سقاخانه است، اشاره کرد. از مرقومات حجاری شده در این کتیبه چنین بر می‌آید که بانی این محل - یا بازسازی کننده آن - شخصی به نام حاج عباسعلی فرزند مرحوم عزیز محمد بوده که ذیل آن تاریخ ۱۲۹۹ هجری قمری درج شده است. این سقاخانه در حال حاضر واجد آب بهداشتی و شمع‌خانه است و نذورات فراوان آن حاکی از ارادت ویژه مردم به این مکان مقدس است. ضمناً باید اشاره کرد که کاشی‌های به کار رفته در این سقاخانه از جمله نفیس‌ترین تزیینات کاشی سقاخانه‌های تهران به شمار می‌آیند. تصاویر شماره ۲۴ الی ۲۶، تا حدودی وضعیت کنونی و تزیینات بسیار این سقاخانه زیبا را نشان می‌دهند.

- سقاخانه سه راه رشدیه، که به نشانی خیابان آذربایجان، سه راه رشدیه، واقع شده است. این سقاخانه هم یکی از سقاخانه‌های نسبتاً پرطرفدار تهران به شمار می‌آید. زمان ساخت این سقاخانه، در ذیل یکی از کاشی نگاره‌های آن ۱۳۲۸ هجری قمری قید شده است. چنانچه از اظهارات اهالی بر می‌آید در هنگام بنای این سقاخانه، هنوز منزل مسکونی چندانی در محل نبوده و فقط میدان تره‌باری وجود داشته است. به منظور روشن نگه‌داشتن و امنیت مسیر گذر مردم و گاری‌ها و درشکه‌های این میدان، فردی نیکوکار اقدام به ساختن سقاخانه‌ای در این محل می‌کند. البته این مکان بعدها ویژگی بیشتری یافته و به صورت کنونی در آمده است. بنای آجری این سقاخانه، امروزه در جنب یک میوه‌فروشی قرار گرفته است. از جمله تزیینات این سقاخانه، کاشی نگاره‌های زیبای آن است که به روش کاشی هفت رنگ و



بالعاب برجسته ساخته شده‌اند. نرده‌های فلزی این سقاخانه مملو از انواع قفل‌ها و دخیل‌هایی است که به طلب نیاز بسته شده‌اند. شمع‌خانه آن در هنگام بازدید پر از شمع‌های افروخته و نیم سوخته‌ای بود که گویا به مناسبت ایام عزاداری دهه اول ماه محرم، تعداد آنها افزایشی قابل ملاحظه می‌یابد. چشمه‌ی آب این سقاخانه را شیر آبی تشکیل می‌دهد که در تابستان‌ها، پذیرای مریدان فراوان آن است. این مکان، بارها مورد مرمت قرار گرفته و قدمت بنای آجری کنونی آن را مربوط به بازسازی‌های حدود چهل سال پیش، تخمین می‌زنند. تولیت فعلی این سقاخانه با شخصی از افراد ناشنوا و کم بضاعت محلی است که در پای همین سقاخانه شمع می‌فروشد.

- **سقاخانه‌ی سرچشمه**، واقع در خیابان سیروس، کوچه روحی، از جمله سقاخانه‌های کوچک و ساده تهران است که تزیینات چندانی ندارد. قدمت بنای فعلی این سقاخانه حدود ۵۰ سال تخمین زده می‌شود و بانی اولیه‌ی آن نامشخص است. بنای مکعبی شکل این سقاخانه از مصالح آجری ساخته شده که سطح داخلی آن با لایه‌ی ساده‌ای از گچ، اندود شده است. شیرآبی مسدود به همراه پنجره نرده‌ای فلزی، از تجهیزات مختصر این سقاخانه به شمار می‌آیند.

- **سقاخانه فرات**، واقع در خیابان ناصر خسرو، خیابان خداپنده‌لو، باغچه علیجان و مقابل کوچه‌ی مروی. بنای آجری این سقاخانه، فضای داخلی مکعب شکلی را ایجاد کرده که با سکویی به دو قسمت تقسیم شده است. چنانکه از اظهارات اهالی بر می‌آید قسمت پایین قبلاً به منبع آب سنگی و ساروجی سقاخانه اختصاص داشته که ابتدا به صورت دستی و بعدها به توسط لوله کشی آب شهری پر می‌شده است. در حال حاضر این منبع تخریب شده ولی سکوی آن همچنان باقی مانده و مکان مناسبی را برای قرار دادن وسایل هدیه شده به این مکان مقدس، پدید آورده است. امروزه در پایین این سکو، آبگیر کوچکی قرار دارد که توسط متولی فعلی سقاخانه تأمین شده است. اطراف سردر و ازاره این بنا، واجد تزیینات آجرکاری زیبایی است که روی آن

را از چند سال پیش نقاشی و دیوار نویسی کرده‌اند (تصویر ۲۷). از جمله اسباب این سقاخانه نسبتاً مجلل که در روی سکو و پشت پنجره شیشه‌ای و نرده دار آن قرار گرفته است، می‌توان به چند قاب عکس همراه تصاویری چاپی از وقایع عاشورا، چند چراغ پایه‌دار، یک قاب آیینه، رومیزی مخمل که با دست گلدوزی و منجوق دوزی شده، و نیز یک قندیل برنجین مشبک و نسبتاً بزرگ، که امروزه لامپ برقی درون آن روشنی بخش فضای سقاخانه است، اشاره کرد. بانی اولیه این سقاخانه شخصی به نام نقیب السادات بوده که در حدود سال ۱۳۰۰ هجری قمری اقدام به بنای این سقاخانه کرده است. تولیت این سقاخانه، مدت‌ها بر عهده‌ی شخصی به نام حاج غلامحسین بقال، بوده که در سال ۱۳۵۶ شمسی فوت نمود و بعد از آن نگاه‌داری از این سقاخانه، بر عهده‌ی اهالی و کسبه محل قرار گرفته است. تاریخ آخرین مرمت کلی این بنا را حدود ۴۰ سال پیش ذکر می‌کنند.

- سقاخانه کوچه‌ی افسانه، که در خیابان جمهوری، کوچه کاوه، کوچه افسانه قرار دارد. به نظر می‌رسد که این سقاخانه کوچک مدت‌ها مورد بی‌مهری قرار گرفته است. در حال حاضر این مکان در کنار خانه‌ای متروک و رو به ویرانی قرار دارد. در مورد بانی این سقاخانه اطلاع چندانی به دست نیامد. این سقاخانه دیر زمانی است که آبی ندارد و اهالی قدمتی بیش از ۵۰ سال را برای آن تخمین می‌زنند. گویا قبلاً این مکان بسیار مورد توجه مردم بوده ولی چند سالی است که به دلیل تغییر بافت محله و کم شدن رفت و آمد اهالی، چندان عنایتی به آن نمی‌شود و سطح آن را غبار فراموشی فرا گرفته است. فضای کلی این سقاخانه با وجود غبار آلودگی، زیبایی خاصی دارد. کاشی‌هایی با نقوش هندسی در سردر بنا، ازاره‌ی آجرکاری، به همراه پنجره‌ای فلزی با نقش‌ها و گل‌های ماریج، زیبایی خاصی به این سقاخانه متروک بخشیده‌اند. مریدان محلی از این سقاخانه گهگاه به عنوان مکانی برای افروختن شمع استفاده می‌کنند.

- **سقاخانه کوچه‌ی حسن دلاور**، واقع در خیابان ملت، کوچه حسن دلاور، نمونه‌ای از سقاخانه‌های دکانی شکل است. بنای این سقاخانه - لاقفل در قسمت خارج - از آجر ساخته شده و دور تا دور پنجره آن را تزیینات آجری زیبایی مزین کرده است. در سردر این سقاخانه، کاشی‌هایی کتیبه‌دار با عباراتی در مدح سقای دشت کربلا حضرت عباس (س)، مشاهده می‌شود. پنجره فلزی این مکان از شبکه‌ی فشرده لوزی ماندنی تشکیل شده که هنگام بسته بودن، دسترسی به فضای داخل را ناممکن می‌سازد. فضای داخلی این سقاخانه به وسیله سکوی نیمه استوانه‌ای شکلی به دو قسمت تقسیم شده و به این ترتیب محلی برای شمع‌خانه آن تعبیه گشته است. قدمت این سقاخانه بیش از ۴۰ سال تخمین زده می‌شود و در مورد بانی اولیه‌ی آن اطلاعی در دست نیست. در هنگام بازدید در پشت این سقاخانه، ساختمان عظیمی در حال احداث بود که بعدی نیست تا چندی بعد، موجبات ویرانی این سقاخانه کوچک را فراهم سازد.

- **سقاخانه کوچه‌ی قاسمی**، به نشانی خیابان مولوی، ابتدای کوچه شهید علی اکبر قاسمی، جنب منزل دولی. این سقاخانه از نوع سقاخانه‌های دکانی شکل است. بانی این مکان شخصی به نام حاج نعمت‌الله دولی بوده که این سقاخانه نسبتاً مجلل را در مجاورت خانه شخصی خود ساخته است. تاریخ دقیق بنای این سقاخانه چندان مشخص نیست. ولی تاریخ مرمت آن، که در ذیل یکی از کتیبه‌های سنگی بنا ثبت گردیده سال ۱۳۲۴ شمسی است (تصویر ۲۸). فضای داخلی این سقاخانه به وسیله سکویی به دو قسمت تقسیم می‌شود، که قسمت بالای آن شمع‌خانه سقاخانه را تشکیل می‌دهد. دیوارها و سقف این قسمت از بنا، واجد تزیینات آئینه کاری فشرده و زیبایی است. امروزه از فروختن شمع در این مکان، به جز در ایام عزاداری ممانعت می‌شود. چشمه‌ی آب این سقاخانه از شیر آبی ساده تشکیل شده، که در سکوی پایین سقاخانه جای گرفته است. طبق اظهارات همسر مرحوم دولی، قبل از آمدن آب

لوله‌کشی، منبع آب این سقاخانه را حوضچه‌ای سیمانی تشکیل می‌داده، که مردم به توسط جام‌هایی از آن آب بر می‌داشته‌اند. از دیگر تزیینات زیبای این سقاخانه می‌توان کتیبه سنگی دور تا دور درگاه سقاخانه را نام برد و چنان‌که گذشت در ذیل آن، با ذکر نام هنرمند حجار "عمل محمد حجار"، تاریخ ۱۳۲۴ هجری شمسی قید شده است. دریاچه مشبک آهنی و فشرده‌ای فضای داخلی سقاخانه را حفاظت می‌کند و قفل و دخیلی چند نیز به نشانه مرادخواهی بر آن بسته شده است.

- **سقاخانه کوچه لاجوردی**، که در خیابان سید نصرالدین، کوچه لاجوردی، پلاک ۴۲، قرار گرفته است. این سقاخانه در هیأت کلی مغازه‌ای قدیمی، با سقفی چوبی و مصالح خشتی و آجری بنا شده است. در داخل این بنا سکویی مشاهده می‌شود که حدود ۸۰ سانتیمتر از سطح زمین بلندتر است. لوله آب این سقاخانه که مدتی است بسته شده، در پایین همین سکو جای دارد. قدمت بنای متروک و رو به تخریب این سقاخانه، حدود ۶۰ سال ذکر شده و ۱۰ سالی هست که جلوی سقاخانه را با کرکره فلزی به طور کامل مسدود کرده‌اند. گویا مکان این سقاخانه وقف مسجدی به نام ملک آباد در نزدیکی سقاخانه بوده و ظاهراً بانی سقاخانه نیز همان بانی مسجد و شخصی به نام ملک است که در مورد او اطلاع چندانی به دست نیامد. تولیت این سقاخانه تا حدود ۲۰ سال پیش بر عهده‌ی خادم مسجد، که خانه‌اش در مجاورت سقاخانه قرار داشت؛ بوده است. ولی با مخروبه شدن خانه و مهاجرت او، سقاخانه نیز بدون تولیت مانده است. از تزیینات مختصر موجود در این سقاخانه رو به ویرانی می‌توان به کتیبه کاشی بالای سردر بنا اشاره کرد (تصویر ۲۹). مضمون این کتیبه که به خط سفید و در زمینه کاشی لاجوردی نقش شده، عباراتی در ثنای ائمه اطهار (ع) و لعن دشمنان آنها است.

- **سقاخانه کوچه ی همراز**، واقع در خیابان فخرآباد، کوچه پانزدهم، کوچه همراز. این سقاخانه که امروزه جزء سقاخانه‌های رفی شکل، قابل دسته‌بندی است،

گویا در ابتدا به صورت سقاخانه‌ای دکانی شکل، در جنب خانه مسکونی بانی آن که شخصی به نام دکت معزی بوده؛ قرار داشته است. پس از مرگ دکت، پسر او که تصمیم به بازسازی خانه داشته، سقاخانه را نیز تخریب می‌کند. ولی شبی در خواب می‌بیند که پدر از عمل وی بسیار ناراحت و غمگین است. در نتیجه مصمم به احداث سقاخانه‌ای جدید شده و بنای فعلی را در ابعادی کوچکتر، ولی با همان کارایی، به جای سقاخانه قدیمی بنیان می‌نهد. امروزه این سقاخانه که قدمتی حدود ۳۵ سال دارد؛ ویژگی خاصی نداشته و فقط پنجره نرده‌ای آهنی دارد که از فضای داخلی آن حفاظت می‌کند. آنگیز مختصر این سقاخانه نیز پذیرای مریدانی است که گهگاه بر کنار پنجره آن، شمعی به نیاز می‌افروزند.

- **سقاخانه کوچه غلامرضا زندگی**، که در زیر بازارچه چهارسو، کوچه غلامرضا زندگی، قرار دارد. این مکان شامل سقاخانه رفی شکل ساده‌ای است که قدمتی بیش از چهل سال، برای آن تخمین زده می‌شود. بانی این سقاخانه احتمالاً صاحب اولیه‌ی خانه مجاور آن - که بارها دست به دست گشته - بوده است. این سقاخانه آنگیزی ندارد و فقط گهگاه روی سکوی آن شمعی چند افروخته می‌شود. فضای دود گرفته داخلی بنا، به خوبی می‌نماید که مدت‌هاست مورد توجه و مرمت قرار نگرفته است.

- **سقاخانه‌ی گذر قلی**، واقع در خیابان خیام، کوچه مشتاقی، کوچه فتاحی، جنب کوچه بن‌بست. این سقاخانه نسبتاً تازه ساز که قدمتی حدود ۳۵ سال دارد، مکانی وقفی است که در واقع قسمتی از خانه سه طبقه مجاور آن محسوب می‌شود. متولی فعلی این مکان، شخصی به نام سید محمد است که در نزدیکی سقاخانه سکونت دارد. این سقاخانه حدود سه سال پیش مورد مرمت قرار گرفته و در حال حاضر در وضعیت نسبتاً خوبی قرار دارد. از تزیینات بنای این سقاخانه می‌توان کاشی‌کاری‌های داخلی و خارجی بنا را نام برد که البته کاشی‌های قسمت داخلی بنا، از

قدمت بیشتری برخوردارند. کاشی‌های به کار رفته در این بنا، از نوع کاشی هفت رنگ، با لعاب برجسته است که عباراتی در رثای ائمه اطهار (ع) بر آنها نقش شده است (تصویر ۳۰). چنان که مشهود است استقبال اهالی از این سقاخانه بسیار زیاد بوده و در اکثر شبهای جمعه، گروه بسیاری برای افروختن شمع به این محل مراجعه می‌کنند. این سقاخانه با وجود قدمت نه چندان زیادش، به مراد دهنده‌گی مشهور است و اهالی بدان اعتقاد راسخ دارند.

- **سقاخانه‌ی گلستان**، که در خیابان امیرکبیر، نبش حمام گلستان نو، قرار گرفته است. این سقاخانه شامل بنای کوچک و مکعب شکلی است که تمامی فضای داخلی آن، با کاشی‌های سفید ساده‌ای پوشانیده شده است. این سقاخانه به جز شیر آب و پنجره‌ای آهنی، مشخصه‌ی دیگری ندارد. اهالی قدمت این بنا را حدود ۴۰ سال تخمین زده‌اند.

- **سقاخانه‌ی مسجد**، که در خیابان مصطفی خمینی [سیروس سابق] کوچه شهید محمد حسین افشار [پرسور شهاب سابق] جنب مسجد چهار سادات، قرار دارد. مکان این سقاخانه به انضمام دو باب مغازه، از طرف خانمی به نام عزیز خانم وقف شده بود تا از راه مخارج آن مغازه‌ها، سقاخانه نیز آب اندازی و نگه‌داری شود. ولی در حدود سال ۱۳۵۸ هجری شمسی سقاخانه و آن دو باب مغازه به اضافه مسجد کوچک مجاور آنها، تخریب شده و به جای آنها مسجدی بزرگتر بنا گردیده که سقاخانه نسبتاً ساده فعلی را در دیوار شرقی خود جای داده است. شکل کنونی بنای این سقاخانه، شامل اتاقکی کوچک است که توسط سکویی به ارتفاع ۸۰ سانتیمتر از سطح زمین فاصله گرفته است و تنها شیر آبی در این فضا، پذیرای مراجعان آن است. این سقاخانه شمع خانه‌ای نیز دارد. تمامی سطوح خارجی و داخلی سقاخانه و مسجد مجاور آن، با سنگ تزئینی سفیدی پوشانیده شده است. از چگونگی وضعیت ابتدایی سقاخانه قدیمی اطلاع چندانی در دست نیست. فقط همین قدر مشخص شد که بنای

قدیمی شامل اتاقکی با سقف رومی بوده که منبع آب سنگی ساروجی سقاخانه را در خود جای می‌داده است.

- **سقاخانه‌ی مسجد باب‌الحق**، که به نشانی خیابان مولوی [اسماعیل بزاز سابق] کوچه مسجد قرار گرفته است. تاریخ ساخت بنای این سقاخانه سال ۱۳۵۶ هجری قمری ذکر شده است (حسینی بلاغی: ۱۳۵۰، ص ۱۳ط). این بنا از جمله سقاخانه‌های قدیمی و ساده‌ای است که هنوز چون گذشته مورد عنایت اهالی محل قرار دارد. آبگیری مختصر، شمع‌خانه‌ای متشکل از یک سینی فلزی و بقایای تعدادی شمع سوخته، به همراه پنجره‌ای با نرده‌های مارپیچ زیبا، از جمله تجهیزات اندک موجود در این سقاخانه‌ی کوچک، هستند.

- **سقاخانه‌ی مسجد قندی**، که در خیابان مهدی خانی، پشت مسجد قندی، قرار گرفته است. این سقاخانه کوچک و ساده، مشخصه‌ی خاصی ندارد. قدمتش بیش از ۲۵ سال را برای صورت فعلی این بنا تخمین می‌زنند. گویا این بنا به جای سقاخانه‌ی قدیمی محل ساخته شده است. ولی در باب بانی و قدمت احتمالی سقاخانه‌ی قدیمی، اطلاع چندانی به دست نیامد.

- **سقاخانه‌ی مشیر**، از جمله سقاخانه‌های قدیمی و دایر تهران است که پشت مسجد ساعت مشیرالسلطنه [مسجدالاقصای کنونی] قرار گرفته است. بنابر اظهارات کسبه قدیمی محل، قدمت این سقاخانه معادل با خود ساعت مشیرالسلطنه، یعنی حدود ۱۲۲۱ هجری قمری است (یحیی پور: ۱۳۷۳، ص ۶۱). البته این بنای مکعب شکل کوچک، در طول زمان مکرراً مورد مرمت و بازسازی قرار گرفته است. هنوز مریدانی چند، به موکل آن توسل جسته و دخیلی بر پنجره آهنی آن می‌زنند. این سقاخانه در حال حاضر آبی ندارد.

- **سقاخانه‌ی نهر فیروزآباد**، این سقاخانه در خیابان هلال احمر، سرپل امامزاده معصوم، خیابان ملارضا شیخ محمدی، روبروی خیابان جعفری، قرار گرفته است.

انبوه قفل‌ها و دخیل‌های زده شده به این سقاخانه نشانه‌ی ارادت بسیار اهالی، به این بنای ساده و بی‌تکلف است. فضای کوچک و مکعب شکل این سقاخانه، توسط دو دریچه با بیرون ارتباط می‌یابد که چنان که گذشت، نرده‌های فلزی سبز رنگ یکی مملو از قفل و دخیل‌های بسته شده است و دریچه دیگر که کوچکتر نیز هست، برای ریختن نذورات نقدی مردم تعبیه گشته است. تولید فعلی این بنای ساده بر عهده کسبه محل و نیز پیر زنی کم‌بضاعت قرار دارد که هر چند یک بار می‌آید و نذورات را جمع‌آوری می‌کند. فضای داخلی این سقاخانه، با اندود ساده‌ای از گچ پوشانده شده و در آن چند تصویر چاپی ساده از ائمه (ع) مشاهده می‌شود. قسمت خارجی بنای آجری این سقاخانه، مشخصه‌ی خاصی ندارد. محلی‌ها قدمت این سقاخانه را بیش از ۵۰ سال تخمین می‌زنند.

پ - سقاخانه در محله‌های شمالی تهران

به طوری که ملاحظه شد تهرانی‌های قدیم، توجه بسیاری به سقاخانه و سقاخانه سازی داشته‌اند. این امر فقط محدود به مناطق مرکزی شهر، که طبعاً پر رفت و آمد بود و غالباً در فصول گرم سال حرارت طاقت فرسایی داشت، نمی‌شد. بلکه در محلات شمالی تهران که هوایی مطبوع‌تر و جمعیتی کمتر داشته نیز مردم به این سنت، توجهی خاص داشتند. به طوری که از منابع تاریخی موجود بر می‌آید، از مدت‌ها پیش این مناطق در فصول گرم سال، همچون ییلاقی مورد استفاده اکثر تهرانی‌ها قرار می‌گرفته است. مکان‌هایی که در این منطقه توجه گروه بیشتری از مردم را به خود جلب می‌کرده، همانا بقاع امزادگان و اماکن متبرکه این نواحی بوده است. همین امر توجیهی مناسب برای تمرکز بیشتر سقاخانه‌ها، در اطراف بقاع متبرکه محله‌های شمالی تهران است.

از جمله منابعی که مختصر اطلاعاتی در مورد سقاخانه‌های قدیمی مناطق شمالی تهران در اختیار می‌گذارد، کتاب "تاریخ تهران" حسینی بلاغی است. مؤلف این کتاب، ضمن برشمردن اسناد مربوط به بناهای وقفی محله‌های مختلف این سامان، از تعدادی سقاخانه‌ی موقوفه نیز بدین شرح یاد می‌کند:

از جمله موقوفات مربوط به منطقه جماران، از سقاخانه‌ای نام برده شده که به اتفاق یک اصله درخت چنار وقف گردیده است. مساحت این سقاخانه دو متر مربع گزارش شده است. همچنین در فهرست موقوفات قصبه دزاشیب، به سقاخانه‌ای با مساحت یک متر مربع اشاره شده است. این سقاخانه به همراه سایر موقوفات در فاصله یک کیلومتری شرقی امامزاده صالح واقع شده و به ثبت رسیده‌اند. نمونه‌ای دیگر از سقاخانه‌های وقفی این مناطق، بنای سقاخانه‌ای است به مساحت یک متر مربع، که وقف آستانه مطهر حضرت امامزاده ابراهیم (س)، واقع در ده پس قلعه شمیران شده است (حسینی بلاغی: ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۴۷-۴۱).

توجه به این نکته لازم است که موارد اشاره شده در فوق، فقط شامل آن دسته از سقاخانه‌های موقوفه‌ای است که اسناد وقفی آنها موجود است. اگر به این نکته توجه شود که اکثر سقاخانه‌های تهران فاقد سند وقفی بوده، بلکه غالباً با سنتی موروثی احداث و حفظ گردیده و یا با همکاری اهالی محل، به پاس پیروی از عمل خیر بانیان اولیه‌ی آنها، نگهداری و حراست می‌شده‌اند؛ این تعبیر قوت می‌یابد که حتماً تعداد سقاخانه‌های این نواحی بیش از تعداد اشاره شده بوده است.

۳- ویژگی‌های عمومی سقاخانه‌های تهران

به دلیل نوپایی و توسعه بسیار، همراه با تغییر بافت سریع محله‌های شهر تهران و نیز کمبود منابع تاریخی، در توجیه چگونگی ساختار و معماری اولیه‌ی سقاخانه‌های این شهر؛ بحث در باب شکل بنیادین این سقاخانه‌ها میسر نیست. لذا آنچه که تحت این عنوان بدان پرداخته خواهد شد، وضعیت و نمای کنونی سقاخانه‌های تهران است که در جای جای محله‌های قدیمی این شهر پراکنده‌اند و قدمتی که برای این گونه بناها تخمین زده می‌شود، در هیچ مورد - لااقل آن تعدادی که مشاهده شده‌اند - بیش از ۹۰ - ۸۰ سال نیست. ضمناً باید توجه داشت که تخمین قدمت سقاخانه‌ها، اغلب از طرف افراد محلی و با روشی نه چندان دقیق انجام پذیرفته است. این مشکل در بررسی تزیینات و اسباب خاص سقاخانه‌ها نیز مشاهده می‌شود که باید در بحث ذیل لحاظ گردد.

با این مقدمه، بررسی ویژگی‌های سقاخانه‌های تهران را ابتدا با تشریح وضعیت معماری و تزیینات بنای آنها آغاز کرده؛ سپس به اختصار، به گروهی از اسباب و وسایل مرسوم در سقاخانه‌های این شهر اشاره خواهد شد.

الف - معماری سقاخانه‌های تهران

از نظر معماری و شکل بنا، سقاخانه‌های تهران را می‌توان به طور نسبی در سه گروه کلی جای داد و خصوصیات مشترکی را نیز برای هر گروه تعریف کرد: گروه اول سقاخانه‌هایی که ساختمان آنها با بناهای اطراف خود پیوند و بستگی ندارد و به

تعبیری مستقل هستند. این بناها معمولاً مکعبی شکل بوده و گاه به صورت بنایی استوانه‌ای و یا هشت گوش ساخته می‌شدند به گونه‌ای که از چهار جهت نما داشته و قابل بهره‌برداری بودند. گروه دوم، که در تهران از کثرت بیشتری نیز برخوردارند را می‌توان سقاخانه‌های دکانی شکل نامید. نمای کلی این سقاخانه‌ها به گونه دکانی نیم بابی یا یک بابی است که در کنار مجموعه‌ای از دکان‌ها و یا منازل و بناهای اطراف قرار گرفته است.

محل احداث این نوع سقاخانه‌ها بیشتر در کنار معابر اصلی و پر رفت و آمد شهر بوده است. گروه سوم را می‌توان سقاخانه‌های رفی شکل نامید. این گونه سازه‌ها در شکل کلی کاملاً وابسته به بنای همراه خود بوده و از نظر تملک جزیی از بنای خانه یا مسجد مجاور خود قلمداد می‌شوند. نمای عمومی این گروه از سقاخانه که اکثراً کوچک و محقر هستند؛ به صورت فرو رفتگی مختصر رف مانند یا تاقچه ماندی در دیوار بنای پستی خود است. این گروه از سقاخانه‌ها بیشتر در معابر فرعی و کوی‌ها، قرار داشته و اکثراً فاقد وقفنامه‌ای مستقل هستند. صاحبان منازل یا بناهای اصلی - که در واقع این سقاخانه‌ها جزیی از آنها محسوب می‌شوند - اکثراً خودبانی این مکانها بوده و مخارج آنها را نیز تقبل می‌کنند.

چنانچه گذشت اکثر سقاخانه‌های تهران در دو گروه دُوم و سَوم از تقسیم بندی فوق جای می‌گیرند. به این معنی که فضای سقاخانه‌ها یا به صورت دکانی شکل و در ردیف سایر بناهای اطرافشان است؛ و یا شامل فرو رفتگی رف ماندی در دیوار بنای مجاور بوده و در واقع به صورت جزیی از آن بنا تلقی می‌شوند. این شکل کلی در سقاخانه‌های تهران، باعث مستطیلی شکل شدن پلان - زیربنای - اکثریت قریب به اتفاق آنها گشته و فضای داخلی مکعب شکلی را درون سقاخانه ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد که این فضای مکعب شکل، همان طرح ابتدایی این سقاخانه‌ها بوده که پس از نوسازی و بازسازی‌های مکرر، همچنان حفظ شده است.

- از نمونه‌های معدود سقاخانه‌های مستقل تهران، که تا حد زیادی خصوصیات این نوع از بناها را واجد است، سقاخانه صحن مسجد جامع تهران است که قبلاً نیز تا حدودی بدان پرداخته شد. مقطع تقریباً مربعی شکل این بنا همراه با چهار ستون سنگی اطراف، شکل مکعبی نسبتاً کاملی، به سازه‌ی فوق داده و تجهیزات دو قسمتی هر وجه، که شامل پنجره و آبگیر است نیز نمای این شکل را تشدید می‌کنند (تصویر ۱۱). سقف بنای این سقاخانه، آجری و فاقد هرگونه تزیینات دیگری است. گویا منبع آب اولیه این سقاخانه - قبل از لوله‌کشی آب داخل آن - شامل آبگیر سنگی درون این فضا بوده که به توسط پنجره‌ها، با بیرون تبادل هوایی داشته و به طور دستی آب می‌شده است. امروزه آب سردکنی برقی این فضا را اشغال کرده است.

- از سقاخانه‌های بزرگ و مشهور کنونی تهران که قابل بررسی در گروه دوم سقاخانه‌ها هستند، می‌توان به سقاخانه‌های: نوروزخان، آئینه، سعادت، بین الحرمین، ناظم الرعایا، سقاخانه مسجد سید عزیرالله و... اشاره کرد. البته اندازه‌ی فضای اشغال شده توسط هر یک از آنها متفاوت بوده، ولی شکل کلی که شامل، فضای مستطیل شکل داخلی، همراه با یک ورودی بزرگ پنجره مانند است، همچنین ارتباط با بناهای اطراف از دو یا سه طرف، در همه آنها حفظ شده است. در این سقاخانه‌ها گاهی کف فضای داخلی، مقداری از سطح زمین فاصله گرفته و زمانی ارتفاع این قسمت سکو مانند به اندازه‌ای است که فضای داخلی بنا را، به حدود یک دوم محدود می‌کند. در این گونه موارد، غالباً آبگیر و شیرگاهی در خارج و زیر این سکوها جای می‌گیرد. نمونه بارز این گونه بناها را در سقاخانه فرات^(۱)، واقع در باغچه علیجان (تصویر ۲۷) می‌توان مشاهده کرد. با توجه به اظهارات قدما و مطلعان محلی، در قدیم درون این قسمت سکو مانند، مخزن و آبگیر سنگی یا ساروجی سقاخانه‌ها قرار

۱- نشانی: خیابان ناصر خسرو، خیابان خداپنده‌لو، باغچه علیجان، سقاخانه فرات.

می‌گرفته که بعد از آمدن آب لوله‌کشی، آبگیرهای‌شان برداشته یا پر شده است و این سکوها را به یادگار گذاشته‌اند. سطح روی این سکوها معمولاً محلی مناسب برای شمع‌خانه و یا قرار دادن سایر اسباب موجود در سقاخانه بوده است.

- در مورد نوع سَوم سقاخانه‌ها یا "سقاخانه‌های رفی شکل" که در اکثر پس‌کوچه‌های محله‌های قدیمی تهران به فراوانی مشاهده می‌شوند، باید گفت که اغلب این فضاها بسیار ساده و محقر تعبیه شده و کمترین اجزاء تزئینی را واجدند. این گونه سقاخانه‌ها که امروزه غالباً متروک مانده و یا فقط به عنوان محلی برای آفرودختن شمع مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ بیشتر حالتی ناقصه مانند داشته و کمتر به صورت تورفتگی سرتاسری در دیوار بنای پشتی خود جلوه می‌کنند. این نوع سقاخانه‌ها از نظر مالکیت مستقل نبوده و قسمتی از همان بنای اصلی، محسوب گشته و طبعاً فاقد وقف نامه هستند [مگر در مواردی خاص که بنای اصلی آنها نیز وقف شده باشد]. براساس اظهارات مطلعان محلی، این گونه سقاخانه‌ها در ابتدای احداث فقط به منظور ایجاد روشنایی و امنیت کوچه‌ها تعبیه شده و فاقد مخزن و آبگیری ثابت بوده‌اند. آب این گونه سقاخانه‌ها، بیشتر به وسیله قرار دادن مشک، کوزه و یا منبع آب فلزی، درون آنها تأمین می‌شد که کم‌کم این رسم منسوخ گشته و امروزه فقط تعداد محدودی از این سقاخانه‌ها دارای آب لوله‌کشی شده‌اند.

از جمله سقاخانه‌های رفی شکل تهران می‌توان به سقاخانه‌ی حضرت ابوالفضل واقع در خیابان خیام داخل کوچه مشتاقی (تصویر ۲۱) - سقاخانه‌ی پلاک ۱۱ در خیابان ری و ابتدای کوچه در دار غربی؛ سقاخانه‌ی باب‌الحوائح یا سید جزایری در خیابان امیرکبیر^(۱)، سقاخانه‌ی پلاک ۲۹ واقع در بازارچه حمام نواب^(۲)، سقاخانه‌ی سه راه رشیدیه

۱- نشانی: خیابان امیرکبیر، کوچه شهید علی‌رضا جاویدی - یا میرزا محمد وزیر سابق - پلاک ۱۱۸.

۲- نشانی: خیابان ری، کوچه در دار غربی، بازارچه حمام نواب، کوچه بی‌دل پلاک ۲۹.

در خیابان جمهوری اسلامی و... اشاره کرد.

در مورد آبگیرها و مخازن آب سقاخانه‌های تهران که امروزه شیرهای آب و آب سردکن‌های برقی جای گزین آنها شده‌اند، باید گفت که در قدیم اکثریت آنها با مصالح سنگی و ساروجی در داخل فضای سقاخانه‌ها تعبیه می‌شده‌اند و در کمتر مواردی به سنگاب‌های مصنوع یک پارچه، برخورد می‌شود. از نمونه‌های انگشت شمار سنگاب‌های سقاخانه‌های تهران، می‌توان سنگاب سقاخانه مسجد امام [مسجد شاه سابق] را نام برد، که در حال حاضر هم با وجود بهره‌گیری از لوله‌کشی آب شهری، مورد استفاده مراجعان قرار می‌گیرد.

تزئینات معماری

تزئینات معماری در سقاخانه‌های تهران، از نظر مصالح و شکل استفاده در بنا، قابل بررسی در سه گروه عمده است. گروه اول تزئینات سنگی و آجری سقاخانه‌ها هستند که در واقع از اجزاء و مصالح ساختمانی خود بنا و یا روکار آن محسوب می‌شوند. نظر به کوچکی فضای سقاخانه، این نوع تزئینات و آجر چینی‌ها غالباً به طور محدود و ساده در خارج بنا، بخصوص در محل سردر و ازاره، و گهگاه نیز در نمای بیرونی درگاه سقاخانه‌ها ایجاد شده‌اند. از این گونه تزئینات می‌توان به آجرکاری‌های زیبای سقاخانه سعادت و سقاخانه فرات (تصاویر ۲۴ و ۲۵) اشاره کرد.

گاهی از قطعات سنگی نیز جهت ایجاد استقامت بیشتر در قسمت خارجی بنای آجری سقاخانه‌ها استفاده می‌کرده‌اند، که در این صورت محل استفاده از آنها بیشتر در اطراف و زیر آبگیرهای آنها بوده است. گهگاه نیز این قطعات سنگی، واجد حجاری‌های تزئینی مختصر و کتیبه‌هایی نیز بوده‌اند که علاوه بر موارد فوق، به عنوان تزئینی برای سردر و درگاه سقاخانه استفاده می‌شدند. نمونه‌ای از این تزئینات

را در سقاخانه مسجد عزیرالله (تصویر ۱۲) واقع در بازار، و سقاخانه کوچه قاسمی (تصویر ۲۸) که تحت مالکیت منزل دولی است^(۱)، می‌توان مشاهده کرد.

گروه دوم از تزیینات سقاخانه‌های تهران را انواع کاشی‌کاری‌های موجود در آنها تشکیل می‌دهند. معمولاً هر بنای سقاخانه، هر قدر هم که کوچک و محقر باشد، واجد فضای کاشی‌کاری شده، حداقل به عنوان پوششی محقر برای کف سقاخانه است. کاشی‌های تزیینی به کار گرفته شده در گروهی از این بناها، اکثراً از نوع کاشی هفت رنگ تهیه می‌شدند. در سقاخانه‌های تهران نمونه‌هایی از ساده‌ترین تا نفیس‌ترین گونه این کاشی‌ها را می‌توان مشاهده کرد. این کاشی‌ها طرح‌های متنوع و گوناگونی داشته‌اند و در این میان کاشی‌های کتیبه‌دار از محبوبیت بیشتری برخوردار بوده‌اند.

از نمونه طرح‌هایی که مکرراً در کاشی‌کاری سقاخانه‌ها مشاهده می‌شود؛ صحنه‌هایی از واقعه عاشورا و تمثال مبارک ائمه اطهار (ع)،

به ویژه سیدالشهدا (ع) و حضرت ابوالفضل (س) است که گاهی سوار بر اسب و گاهی پیاده، در حالتی که زره پوشیده و علمی در دست دارند؛ یا مشک آبی بر شانه - در مورد حضرت عباس (س) - با مظلومیتی خاص تصویر شده‌اند. این تصاویر به ظاهر ساده، تأثیر زیادی بر هر بیننده‌ی دل سوخته می‌گذارد و شاید همین، عامل شکل‌گیری سبکی به نام "مکتب سقاخانه" در هنر مدرن ایران، بوده است. به هر حال این تصاویر را می‌توان تجلیاتی از مذهب تشیع دانست. به عقیده آقای ویلسون این گونه تصاویر: "و نمادپردازی‌ها از حد مرزهای مادی خویش بسیار فراتر می‌رود. اگر در ماهیت انتزاعی و اصیل شکل‌های نمایشی تعزیه و جادوی نیرومند تصاویر سقاخانه تأمل کنیم، پی می‌بریم که تشیع حتی در عامیانه‌ترین سطح خود، نه تنها از

۱ - متعلق به منزل دولی به نشانی خیابان مولوی، ابتدای کوچه شهید علی اکبر قاسمی.

استعلای خاص اسلام، بلکه از استعلایی از آن خویش بهره‌مند است" (ویلسون: ص ۴۱).

این نوع کاشی نگاره‌ها در بنای سقاخانه، گاهی در قالب سطوح یک پارچه‌ی کاشی، و زمانی به صورت قاب نسبتاً بزرگی مرکب از قطعات کاشی مربع شکل، قسمتی از دیوار داخلی و یا نمای بیرونی بنا را تزیین می‌کنند. متأسفانه به دلیل مرور زمان و عدم رسیدگی کافی به این گونه بناها، همچنین به علت مرمت‌های ناشیانه و یا دوباره‌سازی سقاخانه‌ها، دسترسی به گونه‌های مختلف و قدیمی کاشی نگاره‌های سقاخانه‌ای میسر نیست. ولی نگاهی به سقاخانه‌های زیبای سعادت (تصویر ۲۵)، سقاخانه ناظم الرعایا (تصویر ۱۴)، و سقاخانه‌ی رو به تخریب خیابان قائن^(۱)، یا سقاخانه تخریب شده معیرالممالک که فقط دو قطعه کاشی لعای برجسته بر دیواری از آن به یادگار است (تصویر ۱۵)؛ تا حدودی تنوع بسیار و زیبایی این گونه تزیینات را نشان می‌دهد.

گروه سوم تزیینات معماری سقاخانه‌ها را می‌توان آئینه کاری‌ها دانست که معمولاً به سبک آئینه کاری‌های سایر اماکن مذهبی، چون مساجد و بقاع امامزاده‌ها، انجام می‌شد. این تزیینات نسبتاً گران قیمت، فقط محدود به سقاخانه‌های معروف و پر زایر بوده و غالباً توسط ممولان محل انجام محل انجام می‌شده است. سبک آئینه کاری‌ها به نسبت سادگی و کوچکی بنا، طبعاً چندان پیچیده نبوده، ولی همیشه زیبایی و صمیمیتی بی‌شائبه در آن موج می‌زند. پر واضح است که به دلیل ظرافت بسیار، این گونه تزیینات بیشتر مختص فضاهای داخلی بنا بوده است. ولی در محله‌های سرپوشیده مثل بازارها و بازارچه‌ها، این تزیینات گاه در نمای بیرونی و سردر سقاخانه‌ها نیز کاربرد می‌یافته است. از نمونه سقاخانه‌های مزین به این

۱- نشانی: میدان بهارستان، جنب پمپ بنزین خیابان قائن.

تزیینات، می‌توان به آئینه کاری سقاخانه‌ی بین‌الحرمین و مسجد عزیزالله در بازار تهران (تصاویر ۱۰ و ۱۲)، سقاخانه‌ی سعادت (تصویر ۲۶)، سقاخانه کوچه قاسمی، و نیز معروف‌ترین آنها یعنی سقاخانه‌ی آئینه - که متأسفانه در حال حاضر آئینه ندارد اشاره کرد.

ب - کتیبه نویسی در سقاخانه‌ها

اصولاً کتیبه نویسی در بناهای سنتی - مذهبی، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد و مکان‌های کوچک و مقدس سقاخانه‌ها نیز غالباً دور از این مشخصه نیستند. گذشته از کتیبه‌هایی که صورت وقفنامه دارند و یا معرّف نام بانی و یا واقف سقاخانه‌ها هستند؛ برخی نوشته‌هایی که در غالب کتیبه، در سردر یا محل‌های دیگری از سقاخانه‌ها نصب شده، غالباً از بهترین معرفان فضای سقاخانه‌ها به شمار می‌آیند. این خط نوشتارها به طور عمده از ادبیات غنی حماسه عاشورا و تعزیه‌ها منشأ گرفته و از این طریق رهگذران را به لحظه‌ای تأمل، و نوشیدن آب به یاد لب تشنه آن بزرگواران شهید در صحرای کربلا، دعوت می‌کنند. مشهورترین و متداول‌ترین این ابیات، در کتیبه‌های سقاخانه‌های تهران به گونه ذیل است:

"آبی بنوش و لعنت حق بر یزید کن جان را فدای مرقد شاه شهید کن"^(۱)

(حسینی بلاغی: ۱۳۵۰، ص ۲۰۸ ط)

"هر که آبی ز جام ما نوشد خلعت از شاه کربلا پوشد"

(همان، ص ۲۰۵ ط)

و یا تک مصرع: "بنوش به یاد لب تشنه حسین"

(همانجا)

۱- بر سردر سقاخانه محمود تهرانیان، بیت دوم بدین صورت آورده شده:
 "یاد از لبان تشنه شاه شهید کن" (حسینی بلاغی: ۱۳۵۰، ص ۲۰۸ ط).

گاهی ابیات ارائه شده در کتیبه‌های برخی سقاخانه‌ها، صورتی مفصل‌تر داشته و شامل چندین بیت می‌شده‌اند. در این گونه موارد بیشتر از شعرهای تعزیه نامه‌ها، بهره گرفته شده است. مثلاً، بر قسمت فوقانی دو قطعه کاشی منقوش به یادگار مانده از سقاخانه منتسب به معیر^(۱)، چنین نوشته شده است:

"آبی بنوش و لعنت حق بر یزید کن جان را فدای مرقد شاه شهید کن
آبی بنوش به صد شور نی نوا لعن خدا به قاتل مظلوم کربلا"

(تصویر ۱۵)

و یا بر کتیبه سردر سقاخانه آینه، واقع در کوچه ارامنه (تصویر ۹)، نوشته شده:
"شرط وفا به عالم امکان نشان دهم آب فرات در کف و لب تشنه جان دهم
مأمورم آنکه آب رسانم به خیمه گاه بر کودکان شه لب تشنگان دهم"
همچنین در کتیبه‌های حجاری شده سردر سقاخانه کوچه قاسمی (تصویر ۲۸)، نمونه‌هایی دیگر از این ابیات دیده می‌شود، مثلاً:
"نوش جان کن شیعه این آب، از ره مهر و وفا

یادآور، از لب خشک شهید کربلا

یادآور، از لب عطشان عبّاس علی

پور حیدر، آن علمدار حسین شیر خدا"

[سقاخانه کوچه قاسمی]

در کتیبه‌های کاشی سقاخانه ناظم‌الرعیاء، قسمتی از قصیده مشهور محتشم کاشانی مزین‌کننده دو تا دور درگاه این بنای مکرم است. این کتیبه‌ها در پنج بیت، به صورت زیر آورده شده‌اند:

۱- نشانی: بازارچه شاپور، بازارچه معیرالممالک، کوچه عبدالله احمدیان، سقاخانه معیر - یا معیرالممالک.

"کشتی شکست خورده طوفان کربلا در خاک و خون فتاده به میدان کربلا"
 زان تشنگان هنوز به عیوق می‌رسد فریاد العطش ز بیابان کربلا
 بودند دیو و دد همه سیراب و می‌مکید خاظم^(۱) ز قحط آب سلیمان کربلا
 آه از دمی که لشگر اعداد نکرد شرم کردند رو به خیمه سلطان کربلا
 نگرفته دست هر گلابی به غیر اشک

مصرع دوم بیت آخر این کتیبه در اثر مرور زمان از بین رفته است
 (تصویر ۱۴).

چنان که گذشت سقاخانه سعادت از جمله سقاخانه‌های مجلل و مورد ارادت
 تهرانی‌ها است. اشعاری که بر کاشی نبشته‌های نفیس و زیبای این سقاخانه نقش بسته
 نیز گونه‌هایی ارزنده از کتیبه‌هایی مربوط به سقاخانه‌ها را به نمایش می‌گذارند. جا
 دارد در اینجا به بخش‌هایی از این اشعار اشاره شود:

"هر کس که به کربلا فنا می‌گردد	خشت لحدش قبله نما می‌گردد
هر ذره او سجده گه خلق شود	خاکش همه مهر کربلا می‌گردد
یک شب به بیابان نجف خوابیدم	زان عالم غیب این ندا بشنیدم
کان غافله سالار بیابان نجف	صد ساله گناهان ترا بخشیدم
اندر لحدم نکیر و منکر دیدند	اعضای گنه کار مرا پوئیدند
اعمال تو ای عزیز مقبول خدا	زیرا که به میزان، عملت سنجیدند"

(تصویر ۲۵)

گاهی در کتیبه سقاخانه‌ها به جای شعر، عبارات و جملات زیبایی نگاشته‌اند. در
 این صورت هم باز بر آستان پرافتخار شهدای کربلا تمسک جسته و از ته دل سلامی
 به آن بزرگواران فرستاده می‌شود:

۱- یا خاتم، که شکل نگاشته شده در کتیبه "خاظم" است.

"سلام بر حسین"، "فدای لب تشنه‌ات یا حسین"، "بنوش به یاد حسین"
[در اکثر سقاخانه‌های تهران]
و یا مانند آنچه در کاشی نبشته‌های سردر سقاخانه‌ی نوساز چهارسو چوبی^(۱) (تصویر ۲۳) به چشم می‌خورد؛ جملاتی در تأیید شجاعت و فداکاری این سرداران بزرگ شهید، آورده شده است. در قسمت‌هایی از این کتیبه چنین آمده است:
"از شهادت امام حسین (ع) آتشی در دل‌های مؤمنان بر پا شده که هرگز رو به خاموشی نمی‌گذارد."
[سقاخانه‌ی چهارسو چوبی]
همچنین طبق اظهارات ماسه، در نزدیکی مجلس شورای ملی تهران - به سال ۱۹۳۱ میلادی برابر با ۱۳۱۰ شمسی - سقاخانه‌ای وجود داشت که کتیبه‌ای با مضمون زیر در آن به چشم می‌خورد:

"دдан و دیوان همه تشنگی فرو می‌نشانند، اما به سبب نبودن آب، سلیمان کربلا [امام حسین (ع)]، به مکیدن انگشت دست خود بسنده می‌کرد."

(ماسه: ۱۳۵۵، ص ۴۰۴)

جملات سلامی و دعایی که اغلب هم به زبان عربی هستند؛ نیز از دیگر نمونه کتیبه‌های سقاخانه‌ها به شمار می‌آیند، برای مثال:

"السلام علیک یا ابا الفضل العباس و لعن الله من حال بینک و بین مأل‌ف‌رات."
[سقاخانه بین‌الحرمین]

"سلام الله علی الحسن و الحسین و الاصحابه و لعنت الله علی القاتل الحسین و الاصحابه." [سقاخانه کوچه لاجوردی^(۲) (تصویر ۲۹)]

إن الحسین مصباح الهدی و سفینة النجاة، السلام علیک یا ابا عبد الله، السلام

۱- نشانی: خیابان مولوی، ایستگاه سعادت، تقاطع کوچه شهید ذکائی و شهید غفاری، سقاخانه چهارسو چوبی.

۲- به نشانی: خیابان سیر نصرالدین، کوچه لاجوردی، پلاک ۴۲.

علیک یا قمر بنی هاشم، یا قائم آل محمد." [سقاخانه فرات]

پ- اسباب سقاخانه‌ها

به طوری که گذشت سقاخانه‌ها، در ردیف ابنیه مذهبی شهر تهران محسوب می‌شوند. با این حال اسباب و ملزومات آنها، با وجود ارادت بسیار مردم بدین مکان‌ها؛ اکثر اَکَم بها و بسیار ساده هستند. این اسباب، تمام وسایل و احياناً تزیینات مختصری را که معمولاً به نذر، در این مکان‌ها قرار می‌داده‌اند را شامل می‌شود. از جمله اسبابی که وجود آنها در این سقاخانه‌ها، عمومیت نسبی دارند انواع منبع‌های آب، علم و بیرق، شمع و چراغ، جامه‌های آبخوری و انواع شمایل و قاب عکس‌ها، انواع آیینه و... هستند که در اینجا به اختصار به گروهی از آنها اشاره می‌شود.

فضای داخل سقاخانه‌های تهران معمولاً شامل دو قسمت عمده است: یکی محل آبگیر، که مخزن آب سقاخانه را در خود جای می‌داده و دیگری قسمتی که معمولاً روی مخزن آبگیر قرار گرفته و ضمن این که فضای شمع‌خانه را شامل می‌شده، محل مناسبی نیز برای قرار دادن سایر اسباب و وسایل اهداء شده به سقاخانه‌ها، از قبیل انواع شمع‌دان‌ها، چراغ‌ها، قاب عکس‌ها، قنادیل و سایر اشیاء اعطایی؛ ایجاد می‌کرده است.

نکته قابل توجه در مورد شکل امروزی سقاخانه‌های تهران، سادگی و بی‌پیرایه بودن اکثر آنهاست. با این حال گهگاه به سقاخانه‌های مجللی نیز برخورد می‌شود که با وجود گذشت زمان، هنوز هم شکوه و عزت گذشته خود را از دست نداده و مملو از اسباب و وسایل تزیینی مختلف هستند. نمونه‌هایی از این اسباب به شرح ذیل است: -از ساده‌ترین و متداولترین اسباب سقاخانه‌های تهران، می‌توان به سینی‌های ساده شمع‌خانه آنها اشاره کرد که هنوز در بعضی از سقاخانه‌ها، مریدان و طرفدارانی

دارد. البته در قدیم شمع خانه این سقاخانه‌ها اختصاصات بیشتری داشته‌اند و از سینی‌ها ساده و اجد جا شمعی تا شمعدان‌های کوچک و بزرگ را شامل می‌گشته است. ضمناً چنان‌که گذشت، یکی از دلایل احداث بعضی از این سقاخانه‌ها، همانا شمع خانه‌ها و مکان‌های افروختن شمع در آنها بوده که روشنی بخش و حافظ گذرهای تاریک محله‌ها، قلمداد می‌گردیده است. امروزه اکثر این شمع‌خانه‌های ساده، نیز مورد کم عنایتی قرار گرفته و در کمتر سقاخانه‌ای اجازه افروختن آزادانه شمع داده می‌شود.

- از اشیاء مرسوم دیگر در سقاخانه‌های تهران، جام‌های آبخوری و لیوان‌های فلزی کنار آبگیرهای آنها هستند، که معمولاً با زنجیرهایی به مخزن آب سقاخانه و یا شیرگاه آب سردکن‌های آنها - که از دیگر اسباب سقاخانه‌های امروزی محسوب می‌گردند - متصل شده‌اند. البته به تدریج لیوان‌های شیشه‌ای و استیل، جای جام‌های چهل کلید و چهل بسم‌الله را گرفته و حتی با تدارک شیرهای فشاری برای آب سردکن‌ها، می‌رود که استفاده از این لیوان‌ها نیز به طور کل برچیده گردد.

- تصاویر چاپی، قاب عکس‌هایی از تمثال ائمه اطهار (ع) و مناظری از واقعه کربلا؛ نمونه‌هایی دیگر از اسباب موجود در اغلب سقاخانه‌های تهران را تشکیل می‌دهند. این تصاویر ساده و نمادین، از معمولی‌ترین گونه آنها - که عکس‌های ساده چاپی نصب شده بر دیوار سقاخانه‌ها هستند، تا نقاشی‌های دستی قاب شده کوچک را شامل می‌شوند. در اکثر سقاخانه‌های مورد بررسی، این تصاویر و تمثال‌ها، بسیار غبار گرفته و فرسوده شده‌اند و به نظر می‌رسد که به زودی تاراج زمان، آنها را نیز از فهرست اسباب سقاخانه‌ها خارج خواهد کرد. باید توجه داشت که این در حالی است که بعضی از این تصاویر آثار دستی گروهی از هنرمندان گمنام هستند که نه برای مادیات، بلکه از روی عشق قلم به دست گرفته و طرح زده‌اند.

از زیباترین نمونه‌های این قاب‌های تزئینی می‌توان به قاب عکس نصب شده بر

دیوار سقاخانه بین‌الحرمین - یا سقاخانه ملک - در بازار بزرگ تهران، اشاره نمود. این تصویر هنرمندانه، تمثال‌هایی زیبا از ائمه اطهار (ع) را به نمایش گذاشته است. چنان که از قاب دور تصویر بر می‌آید، اندازه و مکان قرارداد آن، حین آیین کاری سطح داخلی این سقاخانه تعیین شده است. امروزه این قاب تزینی قابل تحسین، بر دیوار مقابل پنجره سقاخانه فوق، آرام و خاموش نظاره گر گذشت زمان است.

علاوه بر تمثال‌ها و نقاشی‌های قاب شده تزینی سقاخانه‌ها، نباید نگاره‌های روی گچ را که غالباً بر دیوارهای درونی این مکان‌ها نقاشی شده، فراموش کرد. این نوع آثار که تقریباً از اواخر دوران قاجار با رواج سبکی موسوم به نقاشی قهوه‌خانه‌ای، در ایران مرسوم شده‌اند در سقاخانه‌ها، روایت‌گر موضوعات مذهبی، مخصوصاً وقایع کربلا گردیده‌اند. این قبیل نقاشی‌ها اکثراً در جریان بازسازی‌ها و نوسازی‌های سقاخانه‌ها، از بین رفته و یا زیر لایه‌های ضخیم گچ و رنگ مدفون گردیده‌اند. امروزه جز آثاری محدود، آن هم در زوایای غیرقابل دسترس بعضی سقاخانه‌ها، نشان دیگری از آنها به یادگار نیست. نمونه‌ای از این گونه آثار را که با مساعی گروهی از افراد دلسوز تا حدودی حفظ گردیده، می‌توان در نقاشی‌های دیوار داخلی سقاخانه تازه مرمت شده گذر قلی^(۱)، و نیز سقاخانه حضرت ابوالفضل واقع در کوچه آب انبار معبر و داخل کوچه مهدویان احدی، مشاهده کرد.

- از دیگر اسباب موجود در سقاخانه‌های تهران، می‌توان به قندیل برنجی نسبتاً بزرگ سقاخانه فرات، واقع در باغچه علیجان اشاره کرد. امروزه لامپی برقی، روشنی بخش درون این قندیل زیبا - که شاید تنها بازمانده نوع خود در سقاخانه‌های تهران باشد - گردیده است.

۱- نشانی: خیابان خیام، کوچه مشتاقی، کوچه فتاحی، جنب کوچه بن‌بست، سقاخانه ابوالفضل یا سقاخانه ر گذر قلی.

-انواع چراغ‌ها و چراغ توری‌ها و شمع‌دان‌ها را نیز می‌توان از بقایای دیگر اسباب مرسوم در سقاخانه‌های تهران دانست. البته نظر به کوچکی بنا، اغلب تعداد معدودی از آنها را در سقاخانه قرار می‌داده‌اند. گهگاه در سقاخانه‌های باشکوه و مجللی چون سقاخانه سعادت، تجمعی استثنایی از انواع چراغ‌ها و شمع‌دان‌ها را به همراه قاب عکس‌های فراوان، می‌توان مشاهده کرد (تصویر ۲۶).

-پرچم‌ها و بیرق‌های سوزندوزی شده، به نشانه عَلم امام حسین (ع) که حضرت عباس (س)، حملش می‌کرد و در روند نمادین خود، به عَلم بسیار بزرگ و آراسته فلزی مخصوص دستجات عزاداری بدل شده؛ نیز از جمله وسایلی است که تقریباً در تمامی سقاخانه‌های دایر و مورد بهره‌برداری تهران مشاهده می‌شود. این پرچم‌ها به روایت تاریخ، زمانی از اجزاء تزیینی جدا نشدنی سقاخانه‌ها محسوب می‌شدند. امروزه کتیبه‌های پارچه‌ای چاپی، که اکثراً واجد شعارهایی در رثای شهیدان کربلا هستند نیز در زمره تزیینات سقاخانه‌ها، بخصوص در ایام عزاداری به شمار می‌آیند. -در میان اسباب و تجهیزات موجود در سقاخانه‌های تهران، نباید نرده‌ها و پنجره‌های فلزی زیبای آنها را فراموش کرد. این شبکه‌های فلزی درگاه سقاخانه‌ها، در واقع نشان از نوعی قداست دارند. چراکه نمونه‌هایی از آنها را بر سر مزار اولیای الهی می‌توان مشاهده کرد، و از طرفی هم دیدار از سقاخانه، نوعی زیارت محسوب می‌شد (ویلسون: ص ۳۹). به طوری که از مطالب جسته و گریخته مطلقان و محققان بر می‌آید، این نرده‌های فلزی مدت‌ها بعد از ساخت بنای سقاخانه‌ها و به دنبال افزایش متعلقات تزیینی آنها، در این اماکن نصب شده‌اند. عده‌ای نیز بر این عقیده‌اند که این نرده‌ها و درگاه‌های فلزی، به دنبال قضیه منع استفاده از سقاخانه‌ها، تدارک گردیده‌اند. به هر تقدیر امروزه این نرده‌های فلزی با طرح‌ها و ترکیبات زیبای غالباً منحنی شکل خود، یکی از متعلقات رسمی سقاخانه‌ها شمرده می‌شوند. گاهی هم نصب اسامی ائمه اطهار (ع) و یا نماد پنجه و دست بریده حضرت عباس (س) بر روی آنها، از

دیگر نشانه‌های انتسابشان به فضای سقاخانه‌ها محسوب می‌شد. به عنوان مثالی در این مورد می‌توان به شبکه‌های فلزی سقاخانه‌ی البرز^(۱) اشاره کرد. مشبک فلزی پنجره این سقاخانه‌ی نسبتاً مجلل، در هیأت کلی پنجه‌ای بزرگ طراحی شده که با اشکال نمادینی مثل پنجه‌های کوچکتر، چشم، سپر، و اجزای تزینی دیگر به صورت قرینه در دو طرف درگاه آن، تزیین شده است.

البته گاهی فشردگی بافت فلزی نرده‌های سقاخانه‌ها، به حدی است که حتی مشکل می‌توان از میان آنها نیم‌نگاهی به فضای درونی سقاخانه داشت. به این نرده‌ها، که امروزه عموماً به رنگ سبز مزین گشته‌اند، اغلب تعداد کثیری قفل و دخیل بسته‌اند - مثل خیل کثیر قفل و دخیل‌های سقاخانه‌ی نهر فیروزآباد^(۲) - وجود این دخیل‌ها در این برحه زمانی، نشانه میزان عنایت و اعتقاد مردم بدین آبگیرهای ساده و مقدس، و هم به حاجت‌روایی موکلان آنها حضرت سیدالشهدا(ع) و حضرت ابوالفضل(س) است. نمونه‌های متنوعی از این گونه دخیل‌ها و قفل‌ها را کم و بیش در اکثر سقاخانه‌های تهران می‌توان مشاهده کرد.

ت - تأمین آب سقاخانه‌ها

لازم است در اینجا اشاره‌ای مختصر نیز به چگونگی تأمین آب سقاخانه‌های تهران قدیم شود. آبی که غالباً از محل نهرها و قنات‌ها تأمین می‌شد، وقتی که در سقاخانه‌ها قرار می‌گرفت، نه تنها نوشیدن آن ثواب داشت بلکه باعث مداوای هر

۱- نشانی: خیابان وحدت اسلامی، خیابان حافظ، خیابان البرز.

۲- نشانی: خیابان هلال احمر، سر پل امامزاده معصوم، خیابان ملارضا شیخ محمدی، سقاخانه‌ی نهر فیروزآباد.

مرض و شفای هر درد و گره گشای هر مشکلی می‌شد. امتیازی که فقط با انتساب آن به سرور و موکل سقاخانه، نصیب این مایع گوارا می‌شد.

چنان‌که گذشت تدارک آب قابل شرب و سقایت مردم، از مهمترین دلایل احداث سقاخانه‌ها بوده‌اند. البته آب سقاخانه‌ها هم معمولاً از همان آب شهری، که مورد استفاده عموم اهالی تهران بود، تأمین می‌شد. نظر به اهمیت موضوع تأمین آب تهران، که آن هم به نوبه خود انفاقی عمومی محسوب می‌شد، در اینجا قدری بدان پرداخته می‌شود:

در گذشته آب تهران از قنات‌های مختلف اطراف تهران و رودخانه کرج تأمین می‌شد. یکی از مهمترین قنات‌های تهران، قنات حاج علی‌رضا بود که در زمان فتحعلی شاه به وسیله شخصی به نام حاج میرزا علی‌رضا ایجاد گشته، و در منطقه "سرچشمه تهران" ظاهر می‌شده است (کریمان: ۱۳۵۶، ص ۳۴۱). نمونه‌هایی دیگر از قنات‌های تهران که در عهد ناصری و مظفری احداث شده‌اند شامل "قنات فرمانفرمادر محل خیابان پاستور امروزی، قنات میرزا علیخان امین الدوله در پارک امین‌الدوله، قنات حاج حسین خان شاهسون نظام الدوله، قنات امین‌السلطان که به وسیله میرزا علی اصغر خان اتابک امین‌السلطان احداث شد، قنات مخبرالدوله، قنات میرزا عیسی وزیر طهران، قنات حاج ظهیرالدوله، قنات ناصری، قنات علاءالدوله امیر نظام، قنات حسن‌آباد و قنات جدید ناصری" هستند (همان، ص ۳۴۲). باید اضافه نمود که براساس تحقیقات انجام شده، تعداد قنات‌های مهم تهران رقمی بالغ بر چهل و هشت رشته را شامل می‌شده که از این تعداد بیست و شش رشته آن تا این اواخر جاری و بیست و دو رشته دیگر آن نیز به مرور زمان خشک و غیر قابل استفاده شده بودند (تکمیل همایون: ۱۳۷۷، ص ۱۱۳).

آب سقاخانه‌های تهران نیز چون آب آشامیدنی اکثر اهالی شهر، از همین قنات‌ها تأمین می‌شد. وظیفه آب رسانی به سقاخانه‌ها را همان سقایان زحمت‌کش عهده‌دار

بودند. ظاهراً در سال ۱۳۲۶ هجری شمسی بود که ایجاد مؤسسه‌ای مستقل جهت لوله‌کشی آب تهران، مورد توجه واقع گشت و از آن تاریخ به بعد، کم‌کم تأسیسات لوله‌کشی و بهداشتی آب، همچون شریانی زندگی بخش، تمام ادارات، منازل، مساجد، و سپس سقاخانه‌ها را در بر گرفتند. این بهداشتی شدن سقاخانه‌ها تا بدانجا پیش رفت که امروزه آب سردکن‌های برقی در انواع و اندازه‌های مختلف، آب خنک و گوارای این مکان‌ها را تأمین می‌کنند و در واقع یکی از اسباب سقاخانه‌های مدرن را تشکیل می‌دهند.

اکنون آب تهران به مدد تصفیه‌خانه‌های مکانیزه، در زمره بهترین و گواراترین آبهای جهان تلقی می‌شود. پس بی‌راه نیست اگر در این زمان نیز به این ماده حیات بخش و زندگی آفرین، چون گذشتگان ارج نهاده و آن را چون میراثی مقدس، در مکان‌هایی متبرک شده با نام سروران دین (ع) قرار داده و به یاد و خاطره شهادت آن بزرگواران، وقف عطش از رهگذران تشنه مکتب عشق و ایثار، گردد.

۴- نگاهی به "مکتب سقاخانه"

سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم، سال‌های رواج مدرنیسم در هنر اروپا بود. بازگشت دانشجویان ایرانی فارغ‌التحصیل از دانشگاه‌های اروپا، این موج هنری را به ایران نیز انتقال داد. هنرمندان ایرانی این دوره، کوششی فراوان برای دستیابی به هنری ملی - ایرانی مبتنی بر اصول مدرنیسم داشتند و در این راه نیز دست به تجربه‌های فراوانی زدند. استفاده از موضوعات سنتی - ملی مثل زنان بچه بغل و پیرمردان چپق به دست، همراه با نمادهایی از طاقهای شکسته و بازارها و گنبدهای فیروزه‌ای رنگ، در عین استفاده از تکنیک‌های کوبیستی یا اکسپرسیونیستی موفقیت‌آمیز نبودند. همچنین سعی در بنا کردن یک مکتب ملی، براساس نقش‌های هنر هخامنشی و ساسانی و یا مینیاتورهای صفوی نیز به علت انعطاف ناپذیری نسبی این گونه نقش‌ها، از آن هم دشوارتر و کم ثمرتر بود (امامی: ۱۳۵۶، ص ۱۵).

تقریباً از حدود سالهای ۱۳۴۰ شمسی، جوشش تازه‌ای در بین هنرمندان علاقه‌مند به هنر ایرانی مدرن پدید آمد. به نظر می‌رسید که به سرچشمه دست یافته باشند، چرا که جستجو در راه کسب مصالح و طرح‌های جدید، هنرمندان را به سوی شیوه‌ای نو و بدیع، با استفاده از از طرح‌های مذهبی سوق داده بود. از پیشگامان این شیوه هنری، که بعدها "مکتب سقاخانه" نام گرفت می‌توان حسین زنده رودی و پرویز تناولی را نام برد. در مورد چگونگی زاده شدن این شیوه هنری جدید، از زبان آقای تناولی چنین نقل شده که:

"روزی [حدود سال‌های ۱۳۴۰ شمسی] من و زنده رودی به حضرت عبدالعظیم

(س) رفتیم و آنجا توجه مان به تعدادی تصویر چاپی مذهبی که برای فروش عرضه شده بود جلب شد. در آن وقت ما هر دو در جستجوی انواعی از مواد و مصالح ایرانی بودیم که بتوانیم از آنها در کار خود استفاده کنیم، و آن تصاویر مذهبی به نظرمان خیلی مناسب آمد... اولین طرح‌هایی که زنده رودی با الهام از آن تصاویر کشید در واقع اولین کارهای سقاخانه‌ای هستند (همان، ص ۱۴).

استفاده موفق از این نقوش و موتیف‌های [خُرده نقش‌های] مذهبی، باعث گرایش وسیع هنرمندان این دوره، به این شیوه هنری شد. البته در این که آیا اصولاً می‌توان این موج هنری را سبک و یا مکتبی مستقل دانست یا نه، بین هنرمندان و اساتید فن هنوز بحث گسترده وجود دارد؛ ولی به هر حال آنچه که در برخورد با آثار کار شده با شیوه سقاخانه‌ای - به ویژه در کارهای آقای زنده رودی - نظر هر بیننده را به خود جلب می‌کند، یادی از حرم و تکیه و حسینیه است. حال و هوای این گونه کارها همین بود: بوی روضه و گریه، روشنی شمع و برق طاسهای برنجی، صدای صلوات و یا حسین و فدای لب تشنه‌ات یا ابا عبدالله. به طور کلی حال هوا، مذهبی بود ولی نه در حد مسجد شاه اصفهان رفیع و فخیم، و نه در حد مسجد سپهسالار تهران سترگ و غیر مشخص، بلکه نزدیک و آشنا در حد سقاخانه‌ی سرگذر (امامی: ۱۳۵۶، ص ۱۴). طرح‌ها و نقش‌های سنتی - مذهبی برگرفته از فضای آرام و صمیمی و پراز خلوص سقاخانه‌ها و تکیه‌ها، امکان همه‌گونه ترکیب و تجزیه را در زمینه هنر مدرن به هنرمند سقاخانه‌ای می‌داد (تصویر ۳۰). طرح‌ها چه از لحاظ فرم، رنگ و بافت و چه از لحاظ جنس و مصالح، آزادی عمل خاصی برای هنرمندان این دوره به ارمغان داشتند. کار با نقشهای تزئینی موجود، در دهها و بلکه صدها زمینه سنتی - که خط فارسی نیز اغلب جزء ثابتی از آن بود - انجام می‌شد و همگی نیز در نوع خود بدیع و زیبا بودند. از هنرمندان دیگر این مکتب یا شیوه هنری، می‌توان به فرامرز پیلارام، مسعود عربشاهی، صادق تبریزی، ژازه طباطبائی (تصویر ۳۱) اشاره کرد (همان، ص

(۱۵-۳۶).

این که چرا این موج هنری خاص، "مکتب سقاخانه" نام گرفت، توجیهات متفاوتی دارد. اصولاً سقاخانه‌ها فقط یکی از چند نهاد مهم در تشیع عامیان محسوب می‌شوند. مراسم تعزیه‌ای که در محرم بر پا می‌شود شاید بیشتر از سقاخانه‌ها، پدید آورنده نقش‌ها، شکل‌های ساختمانی و اشارات و رمزهای ادبی باشند. خود تکیه‌ها و حسینیه‌ها به عنوان محل برگزاری آیین‌های مذهبی، پرچم‌ها و بیرق‌ها که نشان از علم حضرت عباس (س) دارند، اسب زخمی امام حسین (ع)، کمان‌ها، نیزه‌ها و شمشیرها، لباس‌های عربی سبز و سیاه و سفید که مربوط به امام و اهل بیتشان است، لباس سرخ آدمهای شریر، لوازم و اسباب صحنه نمایش تعزیه خوانی شامل درخت، چادر، و ظرف آبی به نشانه رود فرات (ویلسن: ص ۴۰)؛ همه و همه در هنگام نمایش از قدرت بیانی بالایی برخوردارند. نزدیکی فضای مذهبی موجود در سقاخانه‌ها، به وح اصلی مراسم تعزیه، باعث شده تا این مکانها را به گونه، تمثیل و تجسمی نمادین از مجالس تعزیه بنماید و شاید این اصلی‌ترین دلیل منتسب داشتن این مکتب هنری، به نام مکتب سقاخانه باشد.

این گونه نمادها و تجسم‌های مذهبی در طول تاریخ ایران منشأ خلق و آفرینش بسیاری از آثار هنری شده‌اند. در واقع این تجسم‌ها و تمثیل‌ها، با روایات مردم ما عجین شده و ایجاد نوعی فهم نمادین بالایی را کرده است. همین فهم نمادین بود که باعث شد در برخورد با مکتب سقاخانه، احساسی مشترک و دیر آشنا در مردم ایجاد شده و اقبال عمومی وسیعی را، برای حداقل دو دهه در هنر معاصر کشور موجب شود.

۵ - نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش بررسی موقعیت اجتماعی - فرهنگی پدیده سقاخانه، در بافت شهری تهران است. اولین مسئله‌ای که در برخورد با این موضوع، مطرح می‌شود همانا مسئله آب سقاخانه‌ها و احترام و تقدّسی است که نسبت به این مایع حیات بخش گذارده می‌شود.

آب از ارکان عمده معیشت آدمی است و زندگی بدون آن میسر نمی‌باشد. تاریخ زندگی تمامی تمدن‌های بشری، سراسر آکنده از داستان‌هایی در مورد جستجوی آب، نگهداری آب، و تلاش برای زندگی مسالمت‌آمیز در جوار منابع آب است. در فرهنگ غنی ایرانی نیز آب همیشه مقام برجسته‌ای داشته است، زیرا خصوصیات جغرافیایی این سرزمین نمایانگر آن است که ایران از لحاظ ذخایر این مایع حیات بخش، در شمار کشورهای خشک و کم آب جهان قرار دارد. همین دو واژه "خشک و کم آب"، اهمیت حیاتی بودن این عنصر ارزشمند را آشکار می‌سازد. لذا، هر قطره آبی که در دسترس قرار می‌گیرد، برای مردم این مرز و بوم نشانه حیات، آبادانی و زندگی سعادتمندانه است.

از خصوصیات آب سقاخانه‌ها که به رایگان در اختیار رهگذران قرار می‌گیرد همانا طهارت، پاکی و مقدس بودن آن، به دلیل انتسابش به سرور موکل سقاخانه‌ها است. یکی از تجلیات اسلام، خصوصاً مذهب تشیع در ایران، برگزاری مراسم عزاداری و مجالس تعزیه خوانی برای ائمه مظلوم شیعه و شهدای کربلا است. موضوع اصلی در این گونه مجالس تعزیه خوانی، پرداختن به مسئله آب و شقاوتِ ظالمان، در تشنه لب

به شهادت رسانیدن این بزرگان، بالاخص حسین بن علی (ع) و برادر فداکار وی حضرت عباس (س) می‌باشد. در واقع می‌توان فرهنگ احترام به سقاخانه و سقاخانه سازی در ایران - و تهران - را نوعی یادآوری از واقعه عاشورا و تشنگی شهدای کربلا، همچنین اعتراض به عمل اشقیا، در به شهادت رسانیدن این سرداران فداکار دشت کربلا دانست. همین امر باعث گردیده که ارتباط نزدیکی بین سقاخانه و مجالس تعزیه ایجاد شود، به حدی که فضای کلی سقاخانه‌های ایران به گونه‌ای، تمثیل و تجسمی نمادین از مجلس تعزیه خوانی شهادت می‌گردد.

آنچه که به طور اجمالی در باب ارزش اجتماعی - مذهبی پدیده سقاخانه می‌توان گفت این است که با وجود نامشخص بودن زمان شکل‌گیری این عنصر در کشور، سقاخانه چون هر پدیده شهری دیگری به مرور جایگاه ویژه‌ای در آیینها و فرهنگ جامعه پیدا کرده، و رسوم مربوط بدان با یاری گرفتن از فرهنگ اسلامی مقبولیت عامه یافته و گوشه‌ای از آداب و هنجارهای سنتی مردم شده است.

در این راستا، بررسی پدیده سقاخانه در شهر تهران، جستجویی مختصر در تاریخ اجتماعی این شهر را الزامی می‌کند. تهران در گذشته تاریخی خود به گونه دیهی گمنام از منطقه قصران خارج یا سفلی و از توابع ری بود که به دنبال فروپاشی و ویرانی این شهر - در اثر حمله مغول و دیگر حوادث طبیعی - کم‌کم توسعه یافت و در هیأت شهری نوپا، حیات اجتماعی خود را آغاز کرد. وجود ارتباط تنگاتنگ تاریخی بین ری و تهران، نگاهی گذرا به تاریخ اجتماعی شهر ری و بررسی وضعیت سقاخانه سازی در آن سامان را اجتناب‌ناپذیر می‌کند.

درباره گذشته تاریخی و قدمت شهر باستانی ری سخن بسیار است. ولی در باب وضعیت سقاخانه‌ها و سقاخانه‌سازی در این شهر، منابع تاریخی موجود بسیار نارسا هستند. یکی از مهمترین دلایل شهرت کنونی شهر ری را می‌توان وجود آستانه مطهر حضرت شاه عبدالعظیم (س) و نیز امامزادگان عظیم‌الشان آن دانست. ارادت بسیار

مردم به این آستان شریف و ارتباط نزدیک سقاخانه‌ها با اماکن مذهبی، احتمال وجود سابقه‌ای از قدیمی‌ترین سقاخانه‌های این شهر را در اطراف فضای مطهر این آستان، قوت می‌بخشد. البته در حال حاضر در فضای بازسازی و نوسازی شده این آستان شریف، سقاخانه‌ای مشاهده نمی‌شود. ولی سابقه‌ای از وجود چندین سقاخانه در این آستان مبارک، تا حدود ۶۰ سال پیش گزارش شده است. یکی از این بناها، که تا چندی پیش نیز هنوز پا بر جای بود؛ سقاخانه‌ی صحن اصلی این آستان شریف است که امروزه بقایای تجهیزاتی ویران شده آن با شمایی تزیینی، در موزه همین آستانه نگه‌داری می‌شود. از دیگر سقاخانه‌های شهر ری، نیز می‌توان به سقاخانه‌ی بازسازی شده بازار حضرت عبدالعظیم (س) و سقاخانه‌ی قدیمی و ویرانی موسوم به قاسم خان، اشاره نمود.

در بررسی قدمت سقاخانه سازی در تهران نیز نارسا بودن منابع تاریخی به طور بارزی مشاهده می‌شود. ورود رسمی تهران را به جرگه شهرهای ایران، از سال ۹۶۰ هجری قمری و به دنبال اقدامات شاه طهماسب صفوی، برای کشیدن بارویی گرد این شهر می‌دانند؛ ولی آنچه که مسلم است انتساب تهران به عنوان پایتخت کشور، در دوره قاجار بود که، موجبات توسعه سریعتر و گسترش روزافزون آن را فراهم آورد. سقاخانه‌های تهران را می‌توان در شمار یکی از اماکن اجتماعی مذهبی معمول و مطرح این شهر دانست. چراکه تا چند دهه پیش، فراوانی و حضور فعال آن، در تمامی عرصه‌های اجتماعی حتی در روابط سیاسی و امور بین‌الملل، آشکارا احساس می‌شد. اسناد تاریخی موجود، قدمت سقاخانه سازی در تهران را تا دوره قاجار و زمان سلطنت آقا محمد خان قاجار، پیش می‌برند. ولی قدمت واقعی حضور پدیده سقاخانه در تهران را باید بسیار قبل‌تر از این زمان دانست؛ به طوری که توجه صفویان به این شهر، که از جمله حکومت‌های ترویج‌کننده سقاخانه سازی بودند، نیز بر این مطلب صحه می‌گذارند. مضاف بر این نکته که گزارش‌هایی هم از وجود سقاخانه‌ها،

تا قبل از برپایی حصار شاه طهماسبی - و حتی در مورد سقاخانه نوروزخان با سابقه‌ای بسیار قدیمی تر - وجود دارد.

امروزه آنچه که به وضوح در باب سقاخانه‌های تهران می‌توان مشاهده نمود، همانا اعتقاد و ارادت خاص تهرانی‌ها به این عناصر ساده و در عین حال پرمعنای مذهبی - سنتی می‌باشد. به گونه‌ای که با تمام تغییر بافت محله‌ها و کم شدن کارکرد این نوع بناها، کمتر کویی از محله‌های قدیمی تهران است که سابقه‌ای از سقاخانه‌ای هر چند محقر را با دخیل‌های فراوان و شمع‌های افروخته، به یاد نداشته باشد. البته هنوز هم شمار سقاخانه‌های موجود و دایر تهران، رقمی قابل ملاحظه را به خود اختصاص می‌دهد.

از بین سقاخانه‌های قدیمی و دایر تهران، سقاخانه‌ی نوروزخان به دلیل جای پای سنگی قدیمی و متبرک آن، سقاخانه‌ی آشیخ هادی به خاطر جنجال سیاسی کشته شدن کنسول کشور آمریکا، و سقاخانه‌ی آینه به دلیل نقش حاجت دهی و زیبایی تزئیناتش، در زمره مشهورترین سقاخانه‌های این شهر می‌باشند. به عنوان نمونه‌هایی دیگر از سقاخانه‌های تهران می‌توان به سقاخانه‌های بقاع متبرکه‌ای چون امامزاده یحیی (س) و امامزاده سید اسماعیل (س)؛ سقاخانه‌های موجود در بازار بزرگ تهران، سقاخانه‌ی بزرگ و مجلل سعادت، سقاخانه‌ی معیر، سقاخانه‌ی البرز، سقاخانه‌ی ناظم‌الرعایا و... اشاره نمود.

در باب ویژگی‌های عمومی سقاخانه‌های کنونی تهران باید اضافه نمود که اکثر این بناها، صورتی دکانی شکل و یارفی شکل داشته و فضایی داخلی مکعبی شکلی را در ابعاد متفاوت ایجاد می‌کنند. مصالح ساختمانی در بیشتر این بناها، آجری یا آجری سنگی بوده و مخازن آب آنها نیز تا قبل از آمدن آب لوله کشی، سنگی ساروجی و کمتر به صورت سنگابی مصنوع، بوده است. تزئینات داخلی این سقاخانه‌ها عمدتاً شامل انواع کاشی‌کاری‌ها، آینه کاری، تزئینات آجری نمای بنا، و گهگاه کتیبه‌های

سنگی بوده است.

یکی از وجوه مشخصه سقاخانه‌های تهران، کتیبه‌های آنها است. این کتیبه‌ها و نوشتارهای سقاخانه‌ای، که همگی از واقعه عاشورا بهره‌ای نام گرفته‌اند، به طور نسبی در سه گروه کلی: اشعار مذهبی، جملات سلامی و دعایی، و شعارهای اسلامی، قابل بررسی هستند.

اسباب موجود در سقاخانه‌های تهران هم غالباً به سادگی خود بناها بوده و از جام‌ها و لیوان‌های رویی و برنجی زنجیر شده به شیرهای آب گرفته تا انواع تصاویر ساده چاپی با موضوعاتی در باب ائمه (ع) و صحنه‌هایی از واقعه کربلا، پارچه‌های ساده گلدوزی شده با نمادهایی از واقعه عاشورا و یا پرچم‌هایی چاپی و کتیبه‌های پارچه‌ای مشکی [که بخصوص در ایام عزاداری مورد استفاده قرار می‌گیرند]، لامپهای الکتریکی ساده و گهگاه چراغ‌های نفت سوز و شمع‌دان‌هایی چند و سینی‌های ساده مخصوص افروختن شمع، نرده‌ها و مشبک‌هایی چند و سینی‌های ساده مخصوص افروختن شمع، نرده‌ها و مشبک‌های فلزی درگاه‌ها همراه با انواع دخیل‌ها و قفل‌های زده بر آن، همگی از جمله اسباب و تجهیزات سقاخانه‌ها می‌باشند. این وسایل مختصر، در عین سادگی فراوان، دارای قدرت نمادین القای تقدس حرمی مطهر، در اذهان بینندگان و مریدان فضای سقاخانه‌ها می‌باشند.

آب سقاخانه‌های تهران در قدیم چون آب اکثر خانه‌ها و دکان‌ها، از محل قنات‌های وقفی اطراف تهران تهیه می‌شد. کم‌کم با آمدن آب لوله‌کشی، ابتدا شیرهای معمولی و سپس آب سردکن‌های برقی، تأمین‌کننده آب خنک و گوارای این اماکن گردیدند. آن آبی که وقتی در سقاخانه قرار می‌گیرد فقط آب نیست، مایعی است مقدّس و شفای دردهای جسمانی و آرامبخش روح‌های پریشان.

عنصر سقاخانه در تهران بزرگ و پرهیاهو، تأثیرات اجتماعی فراوانی در جامعه و ادب و هنر داشته است. یکی از این تأثیرات که در این اواخر با ورود سبک‌های هنری

مدرن به کشور جلوه نمود، ایجاد شیوه‌ای نو در بیان هنری بود که بعدها به نام "مکتب یا شیوه سقاخانه" موسوم گردید. آغاز پیدایش این شیوه هنری را به طور عمده، مربوط به حدود سالهای ۱۳۴۰ هجری شمسی و با آثاری از هنرمندانی چون پرویز تناولی و حسین زنده رودی، ذکر می‌کنند. طرح کلی در آثار و کارهای هنرمندان این شیوه هنری، استفاده از عناصر سنتی مذهبی - ایرانی، همراه با به کارگیری روشهای هنر مدرنیسم است.

آنچه در برخورد با آثار کار شده با این شیوه هنری، نظیر هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند، یادی از حرم و تکیه و حسینیه است. اصولاً حال و هوای این گونه کارها همین بود؛

بوی روضه و گریه،

روشنی شمع و برق طاسهای برنجی،

صدای صلوات و یا حسین،

و "فدای لب تشنه‌ات یا ابا عبدالله.

کتابنامه

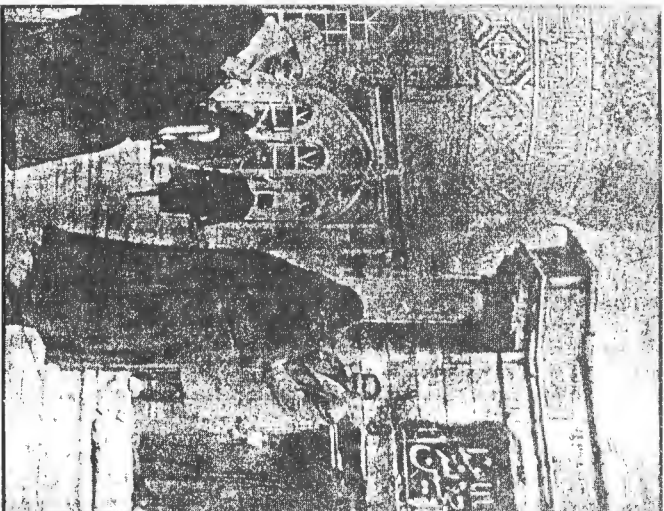
۱. کتابها و مقاله‌ها

- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان. مرآت البلدان، به کوشش پرتو نوری علاء و محمد علی سپانلو، تهران: نشر اسفار، ۱۳۶۴.
- امامی، کریم. "نگاهی دوباره به مکتب سقاخانه"، راهنمای نمایشگاه سقاخانه در موزه هنرهای معاصر تهران، تهران: موزه هنرهای معاصر، بی تا (سال قید شده در انتهای مقاله ۲۵۳۶).
- بامداد، مهدی. شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳، ۱۴، در شش جلد، تهران: زوار، ۱۳۴۷.
- بلوکیاشی، علی. ایران ما، فرهنگ مردم، جلد سوم، دستنویس.
- بemat، نجم‌الدین. شه راسلامی، ترجمه محمد حسین حلمی و منیژه اسلامبولچی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.
- تکمیل همایون، ناصر. تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران، از آغاز تا دارالخلافه ناصری، جلد اول، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۷.
- جعفریان، رسول. تاریخ گسترش تشیع در ری، قم: استان مقدس حضرت عبدالعظیم (س) ۱۳۷۱.
- حسن بیگی، م.. تهران قدیم، تهران: انتشارات ادب، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
- حسینی بلاغی، سید عبدالحجه. تاریخ تهران، جلد ۱ و ۲، قم: ناشر مؤلف، ۱۳۵۰.
- نکاء، یحیی و محمدحسن سمسار. تهران در تصویر، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۹.
- سپهر، میرزا محمد تقی [لسان‌الملک]. ناسخ‌التواریخ، جلد اول، جزء اول، تهران: کتابفروشی اسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۶۳.
- شهری [باف]، جعفر. تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، جلد اول و پنجم، تهران: انتشارات اسماعیلیان و مؤسسه فرهنگی رسا، ۱۳۶۷.
- علامه قزوینی. مجله یار‌دگار، شماره پنجم، سال سوم، ۱۳۲۵.
- عیسی پور. آستانه مقدس حضرت عبدالعظیم علیه السلام بر تارک شهر ری، تهران: انتشارات دفتر آستانه مبارکه، ۱۳۵۱.
- فقیه محمدی، محمد مهدی [بحرالعلوم جلالی گیلانی]. امامزادگان، حافظ، معز و قاری قرآن، قم: انتشارات فقه، ۱۳۷۸.

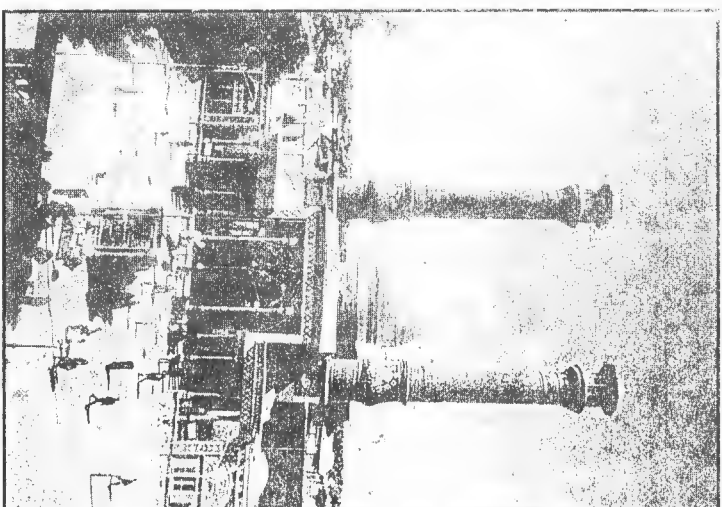
- کریمان، حسین. تهران در گذشته و حال، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۵.
- کریمان، حسین. قصران (کوهسران)، جلد اول و دوم، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۶.
- کریمان، حسین. ری باستان، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۴۵.
- ماسه، هنری. معتقدات و آداب ایرانی، ترجمه مهدی روشن ضمیر، جلد اول، تبریز: انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۵۵.
- مشکوتی، نصرالله. فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، ۱۳۴۹.
- مصطفوی، سید محمدتقی. آثار تاریخی طهران - اماکن متبرکه، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۶۱.
- نجمی، ناصر. طهران ناصری، تهران: انتشارات عطار، چاپ دوم، ۱۳۶۷.
- نجمی، ناصر. دارالخلافه طهران در یکصدسال پیش، تهران: انتشارات ارغنون، ۱۳۶۸.
- نوربخش، مسعود. باکاروان تاریخ، تهران: نشر ایران‌شهر، ۱۳۷۰.
- وزیری، علینقی. زیبایی‌شناسی در هنر و طبیعت، تهران: انتشارات هیرمند، ۱۳۶۳.
- ویلسون، پیترا لمبرن. "سقاخانه"، ترجمه پرویز تناولی، از مجموعه تناولی، تهران: راهنمای نمایشگاه سقاخانه در موزه هنرهای معاصر تهران، بی تا.
- هدایت [مخبرالسلطنه] مهدیقلی. خاطرات و خطرات - توشه‌ای از خاطرات شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من، تهران: شرکت چاپ رنگین، ۱۳۲۹.
- یحیی پور، مامک. "سقاخانه‌های تهران و عملکرد آن در گذشته تا حال"، پایان نامه دانشجویی دوره کارشناسی رشته نقاشی، استاد راهنما مهدی حسینی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، گروه نقاشی، سال تحصیلی ۷۴-۷۳.

۲- دائرة المعارف ولغت‌نامه‌ها

- . آمار دارالخلافه تهران، به کوشش سیروس سعدوندیان و منصوره اتحادیه، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۸.
- . دائرة المعارف فارسی مصاحب، به کوشش غلامحسین مصاحب، جلد اول، باب الف - س، تهران: انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۵.
- فرهنگ آندراج، محمد پاشا، به کوشش محمد دبیرسیاقی، جلد سوم، تهران: انتشارات کتابخانه خیام، ۱۳۶۳.



تصویر ۲: نمای از سقائنه آستانه حضرت عید العظیم (س). ستونهای سنگی بیرون آمده از هر کتف. همچنین قسمتی از پنجره مشبک فلزی آن مرین به عمارت یا ایا عیدالله الحسین به خوبی نمایان است (شهری: ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۲۸)



تصویر ۳: منظر اصلی آستانه حضرت عید العظیم (س) قبل از زویرانی سقائنه آن (مصطفوی: ۱۳۶۱، ص ۷۷)



تصویر ۳: سقاخانه تزئینی داخل موزه آستانه حضرت عبدالعظیم (س) که با قسمتهایی از عناصر بازمانده از سقاخانه قدیمی آن بنا گردیده است (عکس از محقق)



تصویر ۴: قاب کاشی مزین به شمایل از سیدالشهدا (ع)، بازمانده از سقاخانه قدیمی آستانه حضرت عبدالعظیم (س). گویا قبلاً در درون سقاخانه قدیمی همین آستانه جای داشته است (عکس از محقق).



تصویر ۴ : کاشی نگاره های دیوار مقابل سقاخانه
فعلی واقع در بازار آستانه مبارکه حضرت عبدالعظیم (س)
در شهر ری (عکس از مصطفی).



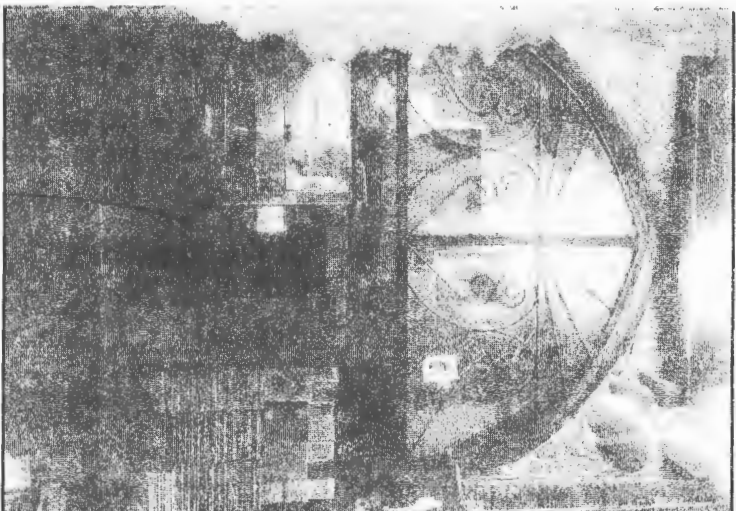
قاب کاشی دیگری باز مانده از سقاخانه آستان حضرت عبدالعظیم (س)
(عکس از مصطفی).



تد ویر ۷: قسمتی از کاشیکاریهای بالای آبگیر سقاخانه بازار آستانه حضرت عبدالعظیم (س) در شهر ری، که صحنه‌ای از وقایع کربلا را به زیبایی نشان می‌دهد. (عکس از محقق).

تد ویر ۸: قسمتی از نه‌ای آبگیر سقاخانه بازار آستانه حضرت عبدالعظیم در شهر ری (عکس از محقق).





تصویر ۱۰: نمای از سقاخانه بین الحرمین واقع در بازار تهران
(عکس از محقق).



تصویر ۹: نمای بیرونی سقاخانه آئینه واقع در خیابان حاج ابو الفتح کوچه از امامه.
اعروزه در این بنا هیچگونه تزیین آئینه کاری دیده نمی شود (عکس از محقق).

تصویر ۱۱: سقاخانه داخل صحن
مسجد جامع. نمونه ای از سقاخانه‌های
مستقل تهران (عکس از محقق).

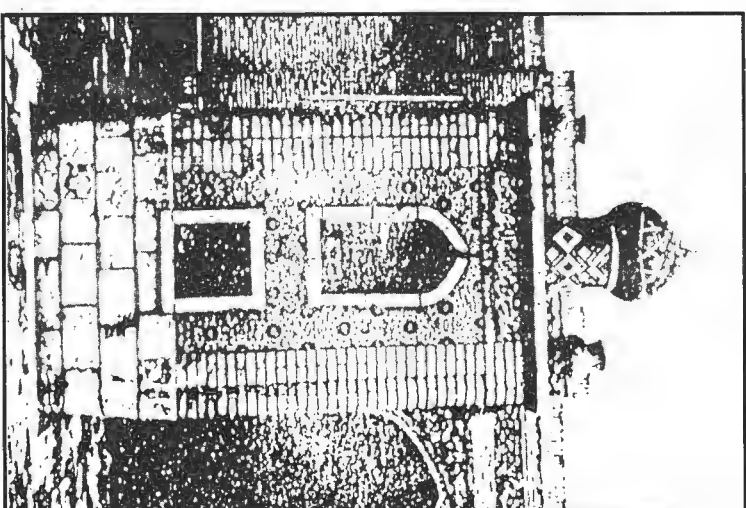


تصویر ۱۲: سقاخانه مسجد عزیزالله در
بازار تهران که مدتی است بهرمبرداری
نمی‌گردد (عکس از محقق).



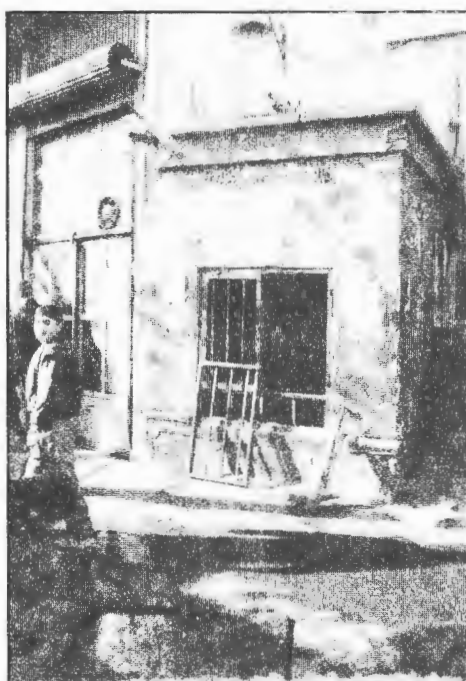
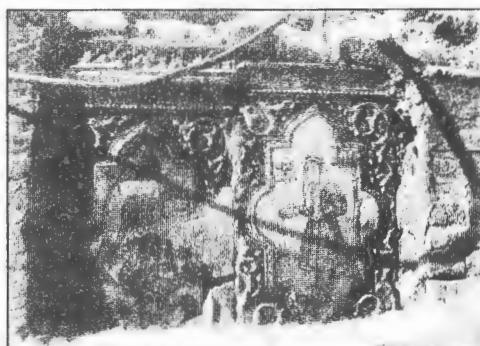


تصویر ۱۳: نمای کاشیکاری شدهٔ سقاخانهٔ ناظم الرعایا، که متأسفانه مورد بی مهری فراوانی واقع شده است (عکس از محقق).

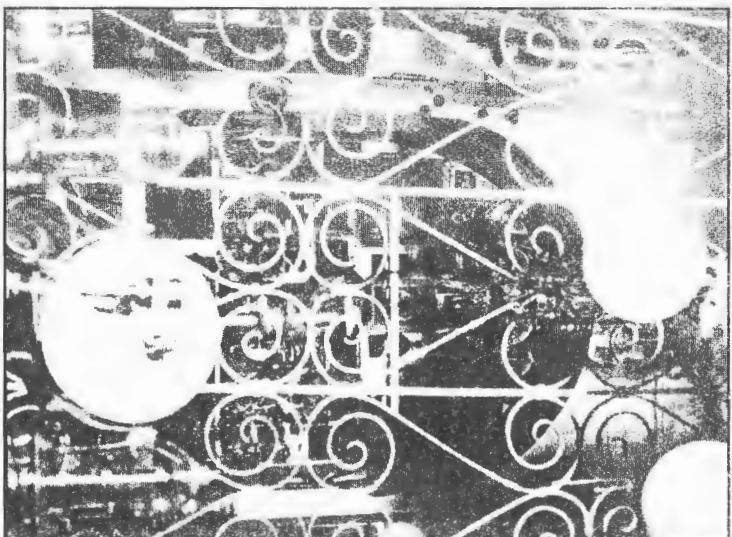


تصویر ۱۴: نمایی از مرقع مطهر امامزاده یحیی (ع)
(حسن بیگی، ۱۳۷۳، ص ۳۵۷).

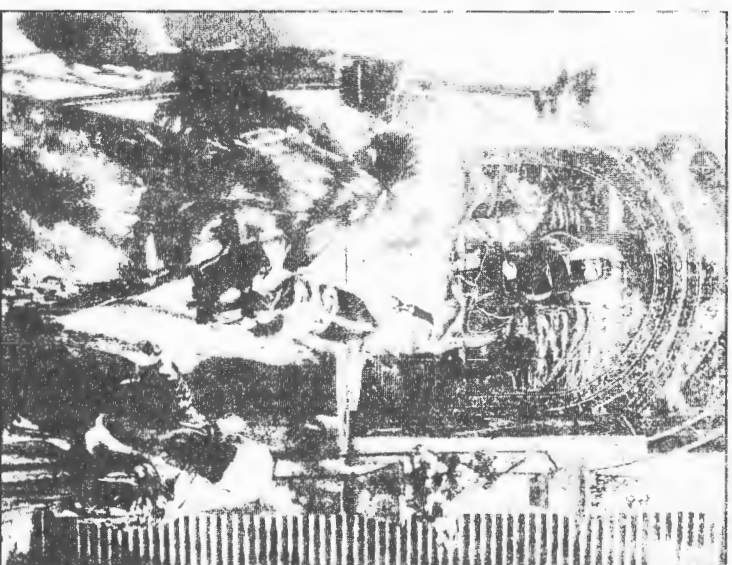
تصویر ۱۵: دو قطعه کاشی ه سوش
با تمثالی از حضرت عباس (س) و
حضرت ابوعبدالله الحسین (ع)، که
تنها یادگار باقیمانده از سقاخانه
معبر الممالک در کوچه عبدالله
احمدیان است (عکس از محقق).



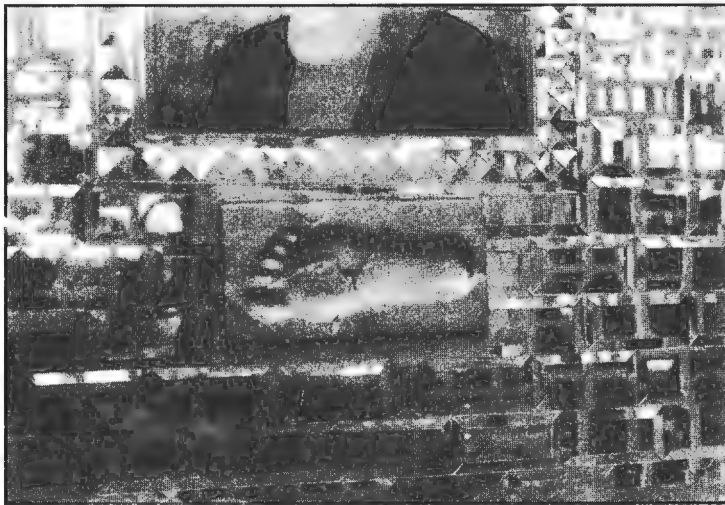
تصویر ۱۶: سقاخانه دیگری موسوم
به معبر واقع در بازارچه شاپور.
کوچه شهید معبر (عکس از محقق)



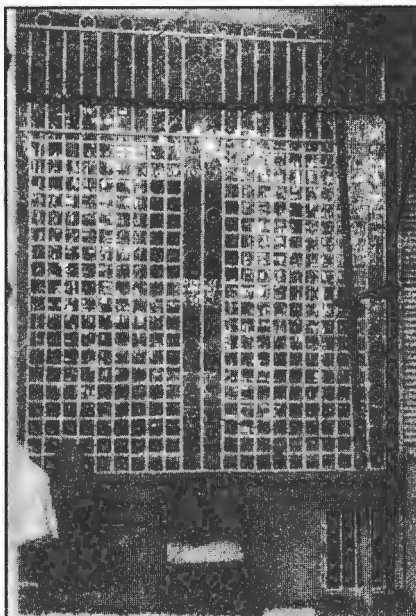
تصویر ۱۸: سفارتخانه نوروژ خان، هنگامی که برای جلوگیری از توشیحیدن آب آن، جالوش را برده های فلزی کشیده و بر درش قفل زده اند (شهریه، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۷)



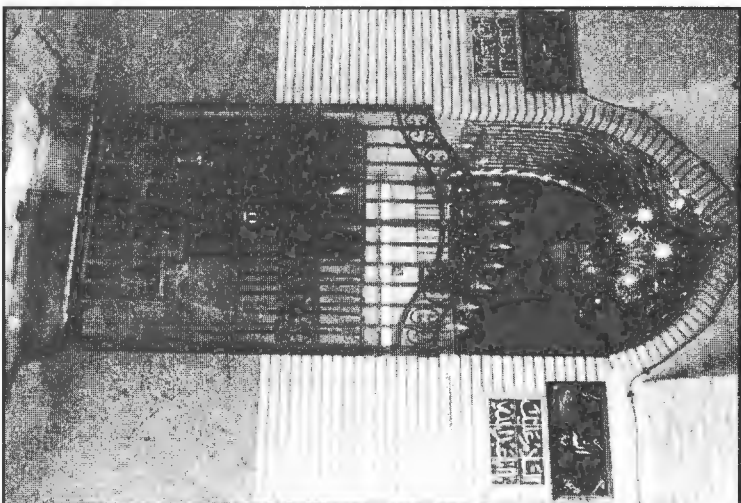
تصویر ۱۷: هیئت اولیه سفارتخانه ای که بعد از خراب از خراب کردن سفارتخانه نوروژ خان، در دیوار جنوبی مسجدی در همان نزدیکی ساخته شد و به یاد آن سفارتخانه قدیمی: نوروژ خان نام گرفت (شهریه، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۵۹).



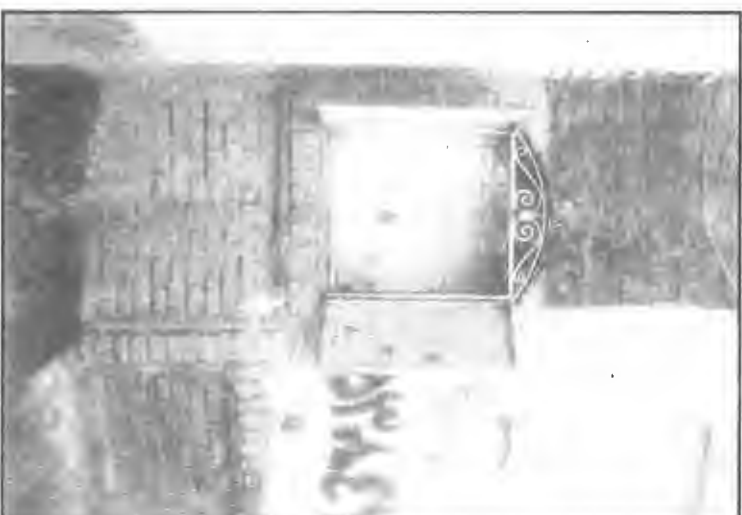
تصویر ۱۹: جاپای سنگی سقاخانه نوروزخان
(عکس از محقق).



تصویر ۲۰: هیات کنونی و د رحال بازسازی
سقاخانه نوروزخان (عکس از محقق).



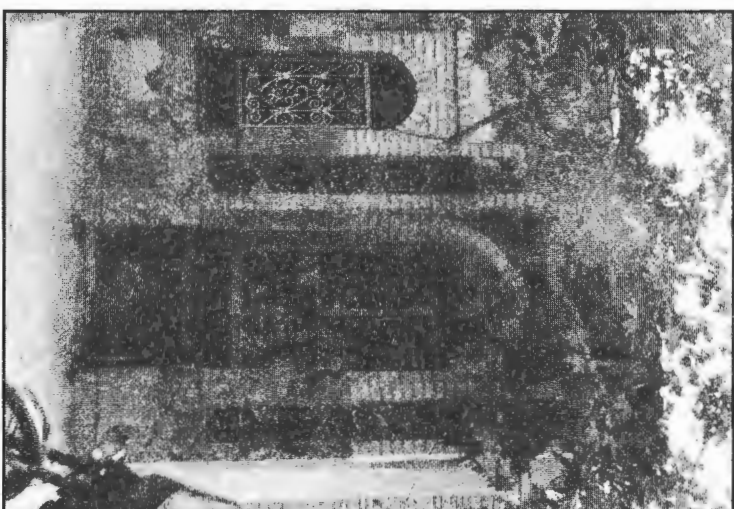
تصویر ۲: سقاخانه نوسازی شده و زیبای قمر بنی هاشم، در بازارچه حاج تقی
طراکنی (عکس از محقق)



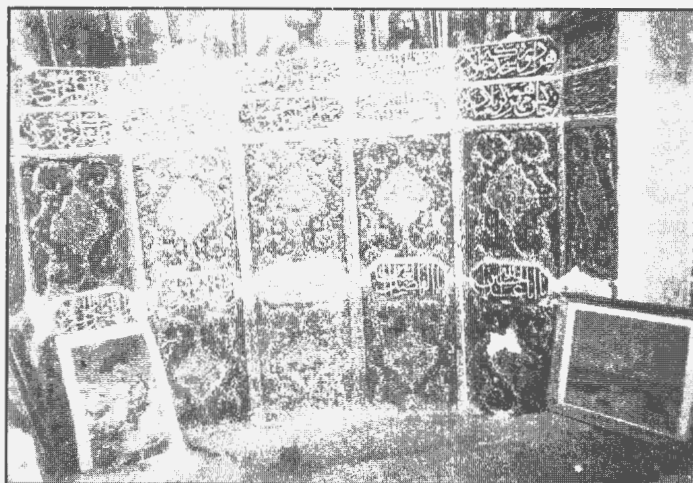
تصویر ۱: سقاخانه ای کوچک و رفیع شکل، منسوب به حضرت ابوالفضل (ع)
واقع در کوچه مشیتانی، انتهای کوچه مغری (عکس از محقق).



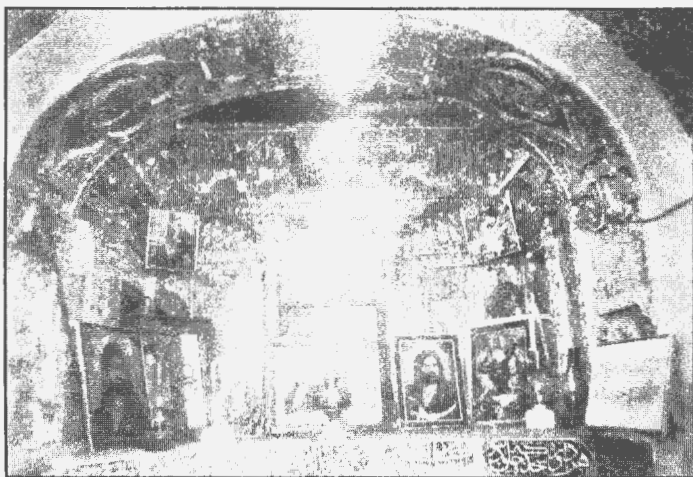
تصویر ۲۲: مشبک فلزی زیبای پجوره، همراه با نمای آخرکاری شده سقافخانه سعادت (عکس از محقق).



تصویر ۲۳: قسمتی از نمای سقافخانه حضرت ابوالفضل (اس) با چهارسو چوبی (عکس از محقق).



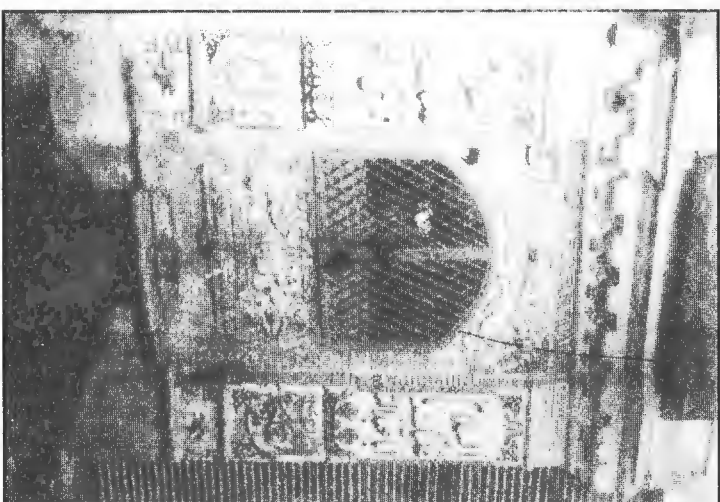
تصویر ۲۵: قسمتی از تزیینات کاشی موجود در سقاخانه سعادت واقع در خیابان فروزش (عکس از محقق).



تصویر ۲۶: فضای آئینه کاری و مملو از قابهای تزیینی سقاخانه سعادت (عکس از محقق).



تصویر ۲۸: نمای سنگی و حجاری شده ستخانه کوچره قاسمی متعلق به خانه دولی (عکس از محقق).



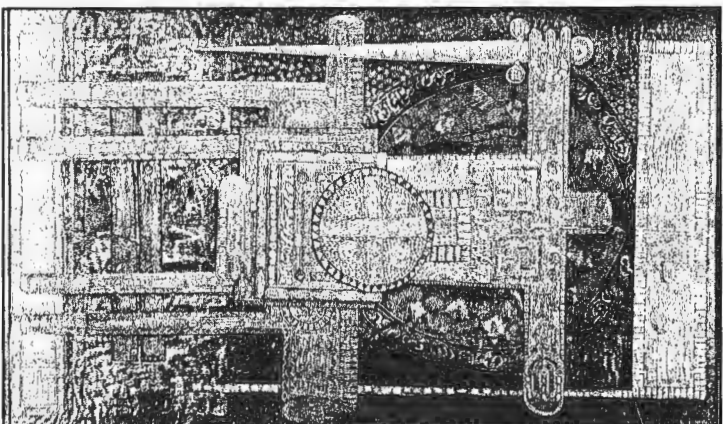
تصویر ۲۷: ستخانه فرات واقع در باغچه علیجان (عکس از محقق).



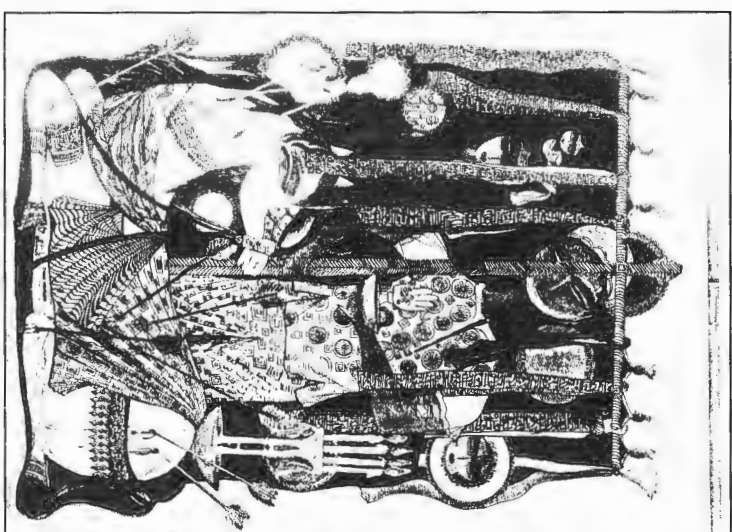
تصویر ۲۹: تصویری از سقاخانه
کوچه لاجوردی که مدتی است بسته و
متروک مانده است (عکس از معق).



تصویر ۳۰: نمایی از سقاخانه
بازسازی شده کذر قلی واقع در خیابان
خیام، کوچه فتاحی (عکس از معق).



تصویر ۲۲: اثری منسوب به شیوه سفالخانه ای، کاری از رازره طاباطبائی با عنوان اسمب و تیر: گوش روی پرده یا ابعاد ۱۵۱/۸ - ۹۲/۵۰ سال ۱۳۳۳ ش.
(نامی: ۱۳۵۶، ص ۳۱)



تصویر ۲۳: نمونه ای از تابلوهای منسوب به مکتب سفالخانه. کاری از حسین زنده رودی بدون عنوان، در ابعاد ۱۲۰ - ۲۰۰، گوش روی کاشی
(نامی: ۱۳۵۶، ص ۱۷)

